

# قانون تجارت

## باب اول

### تجارت و معاملات تجارتي

- ماده ۱ - تاجرکسي است که شغل معمولي خود را معاملات تجارتي قرار بدهد.
- ماده ۲ - معاملات تجارتي از قرار ذيل است :
- ۱ - خريد يا تحصيل هرنوع مال منقول به قصد فروش يا اجاره اعم از اين که تصرفاتي در آن شده ياننشده باشد.
- ۲ - تصدي بحمل و نقل از راه خشکي يا آب يا هوا به هرنحوي که باشد.
- ۳ - هر قسم عمليات دلالي يا حق العمل کاري (کميسیون) و يا عملي و همچنين تصدي به هر نوع تاسيساتي که براي انجام بعضي امور ايجاد ميشود از قبيل تسهيل معاملات ملکي يا پيدا کردن خدمه يا تهيه و رسانيدن ملزومات وغيره .
- ۴ - تاسيس و بکار انداختن هر قسم کارخانه مشروط بر اين که براي رفع حوائج شخصي نباشد.
- ۵ - تصدي بعمليات حراجي
- ۶ - تصدي بهر قسم نمايشگاههاي عمومي .
- ۷ - هر قسم عمليات صرافي و بانکي
- ۸ - معاملات برواتي اعم از اين که بين تاجريا غير تاجر باشد.
- ۹ - عمليات بيمه بحري وغير بحري .
- ۱۰ - کشتي سازي و خريد و فروش کشتي و کشتي راني داخلي يا خارجي و معاملات راجعه به آنها.

- ماده ۳ - معاملات ذيل به اعتبار تاجر بودن متعاملين يا يکي از آنها تجارتي محسوب مي شود -
- ۱ - کليه معاملات بين تجار و کسبه و صرافان و بانکها.
- ۲ - کليه معاملات که تاجريا غير تاجر براي حوائج تجارتي خود مي نمايد.
- ۳ - کليه معاملات که اجزاء يا خدمه يا شاگرد تاجر براي امور تجارتي ارباب خود مي نمايد.
- ۴ - کليه معاملات شرکتهاي تجارتي .
- ماده ۴ - معاملات غير منقول به هيچ وجه تجارتي محسوب نمي شود.
- ماده ۵ - کليه معاملات تجارتي تجارتي محسوب است مگر اينکه ثابت شود معامله مربوط به امور تجارتي نيست .

## باب دوم

### دفاتر تجارتي و دفتر ثبت تجارتي

#### فصل اول دفاتر تجارتي

- ماده ۶ - هرتاجري به استثناي کسبه جزء مکلف است دفاتر ذيل يا دفاتر ديگري را که وزارت عدليه به موجب نظامنامه قائم مقام اين دفاتر قرار ميدهد داشته باشد :
- ۱ - دفتر روزنامه .
- ۲ - دفتر کل .
- ۳ - دفتر دارائي .
- ۴ - دفتر کليه .
- ماده ۷ - دفتر روزنامه دفتری است که تاجر يا بدهمه روزه مطالبات و ديون و دادستد تجارتي و معاملات راجع به اوراق تجارتي (از قبيل خريد و فروش و ظهرنويسي) و بطورکلي جميع واردات و صادرات تجارتي خود را به هراسم و رسمي که باشد و وجوهي را که براي مخارج شخصي خود برداشت مي کند در آن دفتر ثبت نمايد.
- ماده ۸ - دفتر کل دفتری است که تاجر يا بدهمه معاملات را لااقل هفته يك مرتبه از دفتر روزنامه استخراج و انواع مختلفه آن را تشخيص و جدا کرده هر نوعي را در صفحه مخصوصي در آن دفتر بطور خلاصه ثبت کند.
- ماده ۹ - دفتر دارائي دفتری است که تاجر يا بدهمه سال صورت جامعي از کليه دارائي منقول و غير منقول و ديون و مطالبات سال گذشته خود را به ريز ترتيب داده در آن دفتر ثبت و امضاء نمايد و اين کار بايد تا پانزدهم فروردين سال بعد انجام پذيرد.

ماده ۱۰ - دفترکپیه دفتری است که تاجر باید کلیه مراسلات و مخابرات و صورت حسابهای صادره خود را در آن به ترتیب تاریخ ثبت نماید.

تبصره - تاجر باید کلیه مراسلات و مخابرات و صورت حسابهای وارده را نیز به ترتیب تاریخ ورود مرتب نموده و در لافاف مخصوصی ضبط کند.

ماده ۱۱ - دفاتر مذکور در ماده ۶ به استثناء دفتر کپیه قبل از آنکه در آن چیزی نوشته شود به توسط نماینده اداره ثبت (که مطابق نظامنامه وزارت عدلیه معین می شود) امضاء خواهد شد. برای دفتر کپیه امضاء مزبور لازم نیست. ولی باید اوراق آن دارای نمره ترتیبی باشد. در موقع تجدید سالیانه هر دفتر مقررات این ماده رعایت خواهد شد. حق امضاء از قرار هر صفحه با کسور آن دو ریال و بعلاوه مشمول ماده ۱۲۵ قانون ثبت اسناد است.

ماده ۱۲ - دفتری که برای امضاء به متصدی امضاء تسلیم می شود باید دارای نمره ترتیبی و قیطان کشیده باشد و متصدی امضاء مکلف است صفحات دفتر را شماره در صفحه اول و آخر هر دفتر مجموع عد صفحات آن را با تصریح به اسم و رسم صاحب دفتر نوشته باقی در تاریخ امضاء و دو طرف قیطان را با مهر سر بری که وزات عدلیه برای مقصود تهیه می نماید. منگنه کند، لازم است کلیه اعداد حتی تاریخ با تمام حروف نوشته شود.

ماده ۱۳ - کلیه معاملات و صادرات و واردات در دفاتر مذکوره فوق باید به ترتیب تاریخ در صفحات مخصوصه نوشته شود - تراشیدن و حک کردن و همچنین جای سفید گذاشتن بیش از آنچه که در دفتر نویسی معمول است و در حاشیه و پایین سطور نوشتن ممنوع است و تاجر باید تمام آن دفاتر را از ختم هر سالی لااقل تا ۱۰ سال نگاه دارد.

ماده ۱۴ - دفاتر مذکور در ماده ۶ و سایر دفاتری که تاجر برای امور تجاری خود بکار می برند در صورتی که مطابق مقررات این قانون مرتب شده باشند یا شدین تجار، در امور تجاری سندیت خواهد داشت و در غیر این صورت فقط بر علیه صاحب آن معتبر خواهد بود.

ماده ۱۵ - تخلف از ماده ۶ و ماده ۱۱ مستلزم دو بیست تاده هزار ریال جزای نقدی است، این مجازات را محکمه حقوق راسا و بدون تقاضای مدعی العموم می تواند حکم بدهد و اجرای آن مانع اجرای مقررات راجع به تاجر ورشکسته که دفتر مرتب ندارد نخواهد بود.

## فصل دوم

### دفتر ثبت تجاری

ماده ۱۶ - در نقاطی که وزارت عدلیه مقتضی دانسته و دفتر ثبت تجاری تاسیس کند کلیه اشخاصی که در آن نقاط به شغل تجارت اشتغال دارند اعم از ایرانی و خارجی به استثناء کسبه جزء باید در مدت مقررات خود را در دفتر ثبت تجاری به ثبت برسانند و الا به جزای نقدی از دو بیست تا دو هزار ریال محکوم خواهند شد.

ماده ۱۷ - مقررات مربوطه به دفتر ثبت تجاری را وزارت عدلیه با تصریح به موضوعاتی که باید به ثبت برسد به موجب نظامنامه معین خواهد کرد.

ماده ۱۸ - شش ماه پس از الزامی شدن ثبت تجاری هر تاجر که مکلف به ثبت است باید در کلیه اسناد و صورت حساب ها و نشریات خطی یا چاپی خود در ایران تصریح نماید که در تحت چه نمره به ثبت رسیده و الا علاوه بر مجازات مقرر در فوق به جزای نقدی از دو بیست تا دو هزار ریال محکوم می شود.

ماده ۱۹ - کسبه جزء مذکور در این فصل و فصل اول مطابق مقررات نظامنامه وزارت عدلیه تشخیص می شوند.

## باب سوم

### شرکتهای تجاری

#### فصل اول

در اقسام مختلف شرکتهای و قواعد راجعه به آنها

ماده ۲۰ - شرکتهای تجاری بر هفت قسم است :

۱ - شرکت سهامی .

۲ - شرکت با مسئولیت محدود.

۳ - شرکت تضامنی

۴ - شرکت مختلط غیرسهامی .

۵ - شرکت مختلط سهامی .

۶ - شرکت نسبی .

۷ - شرکت تعاونی تولیدومصرف .

مبحث اول

شرکتهای سهامی

بخش ۱

تعریف وتشکیل شرکت سهامی

ماده ۱ - شرکت سهامی شرکتی است که سرمایه آن به سهام تقسیم شده و مسئولیت صاحبان سهام محدود به مبلغ اسمی سهام آنهاست .

ماده ۲ - شرکت سهامی شرکت بازرگانی محسوب می شود ولوا اینکه موضوع عملیات آن امور بازرگانی نباشد.

ماده ۳ - در شرکت سهامی تعداد شرکاء نباید از سه نفر کمتر باشد.

ماده ۴ - شرکت سهامی به دو نوع تقسیم می شود -

نوع اول - شرکتهائی که موسسین آنها قسمتی از سرمایه شرکت را از طریق فروش سهام به مردم تامین می کنند. اینگونه شرکتهای سهامی عام نامیده می شوند.

نوع دوم - شرکتهائی که تمام سرمایه آنها در موقع تاسیس منحصراتوسط موسسین تامین گردیده است. اینگونه شرکتهای سهامی خاص نامیده می شوند.

تبصره - در شرکتهای سهامی عام عبارت " شرکت سهامی عام " و در شرکتهای سهامی خاص عبارت " شرکت سهامی خاص " باید قبل از نام شرکت یا بعد از آن بدون فاصله بانام شرکت در کلیه اوراق و اطلاعیه ها و آگهی های شرکت بطور روشن و خوانا قید شود.

ماده ۵ - در موقع تاسیس سرمایه شرکتهای سهامی عام از پنج میلیون ریال و سرمایه شرکتهای سهامی خاص از یک میلیون ریال نباید کمتر باشد.

در صورتی که سرمایه شرکت بعد از تاسیس بهر علت از حداقل مذکور در این ماده کمتر شود باید طرف یکسال نسبت به افزایش سرمایه تامین حد اقل مقرر اقدام بعمل آید یا شرکت به نوع دیگری از انواع شرکتهای مذکور در قانون تجارت تغییر شکل یا دوگانه هر ذینفع می تواند انحلال آن را از دادگاه صلاحیتدار درخواست کند.

هرگاه قبل از صدور رای قطعی موجب درخواست انحلال منتفی گردد دادگاه رسیدگی را موقوف خواهد نمود.

ماده ۶ - برای تاسیس شرکتهای سهامی عام موسسین باید اقل بیست درصد سرمایه شرکت را خود تعهد کرده و لا اقل سی و پنج درصد مبلغ تعهد شده را در حسابی بنام شرکت در شرف تاسیس نزدیکی از بانکها سپرده سپس اظهارنامه ای به ضمیمه طرح اساسنامه شرکت و طرح اعلامیه پذیره نویسی سهام که به امضاء کلیه موسسین رسیده باشد در تهران به اداره ثبت شرکتهای و در شهرستانها به دایره ثبت شرکتهای و در نقاطی که دایره ثبت شرکتهای وجود ندارد به اداره ثبت اسناد و املاک محل تسلیم و رسید دریافت کنند.

تبصره - هرگاه قسمتی از تعهد موسسین بصورت غیر نقد باشد باید عین آن یا مدارک مالکیت آن را در همان بانکی که برای پرداخت مبلغ نقدی حساب باز شده است تودیع و گواهی بانک را به ضمیمه اظهارنامه و ضمائم آن به مرجع ثبت شرکتهای تسلیم نمایند.

ماده ۷ - اظهارنامه مذکور در ماده ۶ باید با قید تاریخ به امضاء کلیه موسسین رسیده و موضوعات زیر مخصوصاً در آن ذکر شده باشد.

۱ - نام شرکت .

۲ - هویت کامل و اقامتگاه موسسین .

۳ - موضوع شرکت .

۴ - مبلغ سرمایه شرکت و تعیین مقدار نقد و غیر نقد آن به تفکیک .

۵ - تعداد سهام بانام و بی نام و مبلغ اسمی آنها و در صورتی که سهام ممتاز نیز مورد نظر باشد تعیین تعداد و خصوصیات و امتیازات اینگونه سهام .

- ۶ - میزان تعهد هریک از موسسین و مبلغی که پرداخت کرده اند بتعیین شماره حساب و نام بانکی که وجوه پرداختی در آن واریز شده است. در مورد آورده غیر نقد تعین اوصاف و مشخصات و ارزش آن بنحوی که بتوان از کم و کیف آورده غیر نقد اطلاع حاصل نمود.
- ۷ - مرکز اصلی شرکت .
- ۸ - مدت شرکت .
- ماده ۸ - طرح اساسنامه باید با قید تاریخ به امضاء موسسین رسیده و مشتمل بر مطالب زیر باشد :
- ۱ - نام شرکت .
  - ۲ - موضوع شرکت بطور صریح و منجز .
  - ۳ - مدت شرکت .
  - ۴ - مرکز اصلی شرکت و محل شعب آن اگر تاسیس شعبه مورد نظر باشد.
  - ۵ - مبلغ سرمایه شرکت و تعیین مقدار نقد و غیر نقد آن به تفکیک .
  - ۶ - تعداد سهام بی نام و بانام و مبلغ اسمی آنها و در صورتی که ایجاد سهام ممتاز مورد نظر باشد تعیین تعداد و خصوصیات و امتیازات اینگونه سهام .
  - ۷ - تعیین مبلغ پرداخت شده هر سهم و نحوه مطالبه بقیه مبلغ اسمی هر سهم و مدتی که ظرف آن باید مطالبه شود که بهر حال از پنج سال متجاوز نخواهد بود.
  - ۸ - نحوه انتقال سهام بانام .
  - ۹ - طریقه تبدیل سهام بانام به سهام بی نام و بالعکس .
  - ۱۰ - در صورت پیش بینی امکان صدور اوراق قرضه ، ذکر شرایط و ترتیب آن .
  - ۱۱ - شرایط و ترتیب افزایش و کاهش سرمایه شرکت .
  - ۱۲ - مواقع و ترتیب دعوت مجامع عمومی .
  - ۱۳ - مقررات راجع به حد نصاب لازم جهت تشکیل مجامع عمومی و ترتیب اداره آنها.
  - ۱۴ - طریقه شورا خدراي اکثریت لازم برای معتبر بودن تصمیمات مجامع عمومی .
  - ۱۵ - تعداد مدیران و طرز انتخاب و مدت ماموریت آنها و نحوه تعیین جانشین برای مدیرانی که فوت یا استعفاء می کنند یا محجور یا معزول یا به جهات قانونی ممنوع می گردند.
  - ۱۶ - تعیین وظایف و حدود اختیارات مدیران .
  - ۱۷ - تعداد سهام تضمینی که مدیران باید به صندوق شرکت بسپارند.
  - ۱۸ - قید اینکه شرکت يك بازرس خواهد داشت یا بیشتر و نحوه انتخاب و مدت ماموریت بازرس .
  - ۱۹ - تعیین آغاز و پایان سال مالی شرکت و موعد تنظیم ترازنامه و حساب سود و زیان و تسلیم آن به بازرسان و به مجمع عمومی سالانه .
  - ۲۰ - نحوه انحلال اختیاری شرکت و ترتیب تصفیه امور آن .
  - ۲۱ - نحوه تغییر اساسنامه .
- ماده ۹ - طرح اعلامیه پذیره نویسی مذکوره در ماده ۶ باید مشتمل بر نکات زیر باشد -
- ۱ - نام شرکت .
  - ۲ - موضوع شرکت و نوع فعالیت هائی که شرکت به منظور آن تشکیل می شود.
  - ۳ - مرکز اصلی شرکت و شعب آن در صورتی که تاسیس شعبه مورد نظر باشد.
  - ۴ - مدت شرکت .
  - ۵ - هویت کامل و اقامتگاه و شغل موسسین ، در صورتی که تمام یا بعضی از موسسین در امور مربوط به موضوع شرکت یا امور مشابه با آن سوابق یا اطلاعات یا تجاربی داشته باشند ذکر آن به اختصار.
  - ۶ - مبلغ سرمایه شرکت و تعیین مقدار نقد و غیر نقد آن به تفکیک و تعداد و نوع سهام در مورد سرمایه غیر نقد شرکت تعیین مقدار و مشخصات و اوصاف و ارزش آن بنحوی که بتوان از کم و کیف سرمایه غیر نقد اطلاع حاصل نمود.
  - ۷ - در صورتی که موسسین مزایایی برای خود در نظر گرفته اند تعیین چگونگی و موجبات آن مزایا به تفصیل .
  - ۸ - تعیین مقداری از سرمایه که موسسین تعهد کرده و مبلغی که پرداخت کرده اند.
  - ۹ - ذکر هزینه هائی که موسسین تا آن موقع جهت تدارک مقدمات تشکیل شرکت و مطالعاتی که انجام گرفته است پرداخت کرده اند و بر آورده هزینه های لازم تا شروع فعالیت های شرکت .

- ۱۰ - در صورتی که انجام موضوع شرکت قانوناً مستلزم موافقت مراجع خاصی باشد ذکر مشخصات اجازه نامه یا موافقت اصولی آن مراجع .
- ۱۱ - ذکر حداقل تعداد سهامی که هنگام پذیره نویسی باید توسط پذیره نویس تعهد شود و تعیین مبلغی از آن که باید مقارن پذیره نویسی نقداً پرداخت گردد.
- ۱۲ - ذکر شماره و مشخصات حساب بانکی که مبلغ نقدی سهام مورد تعهد باید به آن حساب پرداخت شود و تعیین مهلتی که طی آن اشخاص ذی‌علاقه می‌توانند برای پذیره نویسی و پرداخت مبلغی نقدی به بانک مراجعه کنند.
- ۱۳ - تصریح به اینکه اظهارنامه موسسین به انضمام طرح اساسنامه برای مراجعه علاقمندان به مرجع ثبت شرکتها تسلیم شده است .
- ۱۴ - ذکر نام روزنامه کثیرالانتشار که هرگونه دعوت و اطلاعیه بعدی تا تشکیل مجمع عمومی موسس منحصراً در آن منتشر خواهد شد.
- ۱۵ - چگونگی تخصیص سهام به پذیره نویسان .
- ماده ۱۰ - مرجع ثبت شرکتها پس از مطالعه اظهارنامه و ضوابط آن و تطبیق مندرجات آنها با قانون اجازه انتشار اعلامیه پذیره نویسی را صادر خواهد نمود.
- ماده ۱۱ - اعلامیه پذیره نویسی باید توسط موسسین درج‌راید آگهی گردیده و نیز در بانکی که تعهد سهام نزد آن صورت می‌گیرد در معرض دید علاقمندان قرار داده شود.
- ماده ۱۲ - طرف مهلتی که در اعلامیه پذیره نویسی معین شده است علاقمندان به بانک مراجعه و ورقه تعهد سهام را امضاء و مبلغی را که نقداً باید پرداخت شود تادیه و رسید دریافت خواهند کرد.
- ماده ۱۳ - ورقه تعهد سهام باید مشتمل بر نکات زیر باشد.
- ۱ - نام و موضوع و مرکز اصلی درآمد شرکت .
  - ۲ - سرمایه شرکت .
  - ۳ - شماره و تاریخ اجازه انتشار اعلامیه پذیره نویسی و مرجع صدور آن .
  - ۴ - تعداد سهامی که مورد تعهد واقع می‌شود و مبلغی اسمی آن و همچنین مبلغی که از بابت نقداً در موقع پذیره نویسی باید پرداخت شود.
  - ۵ - نام بانک و شماره حسابی که مبلغ لازم توسط پذیره نویسان باید به آن حساب پرداخت شود.
  - ۶ - هویت و نشانی کامل پذیره نویس .
  - ۷ - قید اینکه پذیره نویس متعهد است مبلغ پرداخت نشده سهام مورد تعهد را طبق مقررات اساسنامه شرکت پرداخت نماید.
- ماده ۱۴ - ورقه تعهد سهام در دو نسخه تنظیم و با قید تاریخ به امضاء پذیره نویس یا قائم مقام قانونی او رسیده نسخه اول نزد بانک نگاهداری و نسخه دوم با قید رسیدوجه و مهر و امضاء بانک به پذیره نویس تسلیم می‌شود :
- تبصره - در صورتی که ورقه تعهد سهام را شخصی برای دیگری امضاء کند هویت و نشانی کامل و سمت امضاء کننده قید و مدرک سمت از اخذ و ضمیمه خواهد شد.
- ماده ۱۵ - امضاء ورقه تعهد سهام بخودی خود مستلزم قبول اساسنامه شرکت و تصمیمات مجامع عمومی صاحبان سهام می‌باشد.
- ماده ۱۶ - پس از گذشتن مهلتی که برای پذیره نویسی معین شده است و یا در صورتی که مدت تمدید شده باشد بعد از انقضای مدت تمدیده شده موسسین حداکثر تا یکماه به تعهدات پذیره نویسان رسیدگی و پس از احراز اینکه تمام سرمایه شرکت صحیحاً تعهد گردیده و اقلاسی و پنج درصد آن پرداخت شده است تعداد سهام هر یک از تعهدکنندگان را تعیین و اعلام و مجمع عمومی موسس را دعوت خواهند نمود.
- ماده ۱۷ - مجمع عمومی موسس با رعایت مقررات این قانون تشکیل می‌شود و پس از رسیدگی احراز پذیره نویسی کلیه سهام شرکت و تادیه مبالغ لازم و شور درباره اساسنامه شرکت و تصویب آن اولین مدیران و بازرس یا بازرسان شرکت را انتخاب می‌کند. مدیران و بازرسان شرکت باید کتبا قبول سمت نمایند قبول سمت به خودی خود دلیل بر این است که مدیر و بازرس با علم به تکالیف و مسئولیت های سمت خود عهده دار آن گردیده اند از این تاریخ شرکت تشکیل شده محسوب می‌شود.

تبصره - هرگونه دعوت واطلاعیه برای صاحبان سهام تاتشکیل مجمع عمومی سالانه بایددوروزنامه کثیرالانتشارمنتشرشودیکي ازاین دوروزنامه بوسیله مجمع عمومی موسس وروزنامه دیگرازطرف وزارت اطلاعات وجهانگردی تعیین می شود.

ماده ۱۸ - اساسنامه ای که به تصویب مجمع عمومی موسس رسیده وضمیمه صورت جلسه مجمع واعلامیه قبولی مدیران و بازرسان جهت ثبت شرکت به مرجع ثبت شرکتهاتسلیم خواهدشد.

ماده ۱۹ - درصورتی که شرکت تاششماه ازتاریخ تسلیم اظهارنامه مذکور در ماده ۱۶ این قانون به ثبت نرسیده باشدبه درخواست هریک از موسسین یا پذیره نویسان مرجع ثبت شرکتهاکه اظهارنامه به آن تسلیم شده است گواهینامه ای حاکی ازعدم ثبت شرکت صادره بانکی که تعهدسهام وتادیه وجوه درآن بعمل آمده است ارسال میداردتاموسسین وپذیره نویسان به بانک مراجعه وتعهدنامه ووجوه پرداختی خودرامسترددارند.دراین صورت هرگونه هزینه ای که برای تاسیس شرکت پرداخت یاتعهدشده باشدبعهده موسسین خواهد بود.

ماده ۲۰ - برای تاسیس وثبت شرکتهای سهامی خاص فقط تسلیم اظهارنامه به ضمیمه مدارک زیره مرجع ثبت شرکتهاکافی خواهدبود.

۱ - اساسنامه شرکت که بایدبه امضاءکلیه سهامداران رسیده باشد.

۲ - اظهارنامه مشعربتعهدکلیه سهام وگواهینامه بانکی حاکی ازتادیه قسمت نقدی آن که نبایدکمترازسی وپنج درصدکل سهام باشد.اظهارنامه مذکور بایدبه امضای کلیه سهامداران رسیده باشد.هرگاه تمام یاقسمتی ازسرمایه بصورت غیرنقدباشدبایدتمام آن تادیه گردیده وصورت تقویم آن به تفکیک در اظهارنامه منعکس شده باشدودرصورتی که سهام ممتازه وجودداشته باشدباید شرح امتیازات وموجبات آن دراظهارنامه منعکس شده باشد.

۳ - انتخاب اولین مدیران و بازرس یا بازرسان شرکت بایددرصورت جلسه ای قیدوبه امضای کلیه سهامداران رسیده باشد.

۴ - قبول سمت مدیریت و بازرسی بارعایت قسمت اخیر ماده ۱۷.

۵ - ذکرنام روزنامه کثیرالانتشارکه هرگونه آگهی راجع به شرکت تا تشکیل اولین مجمع عمومی عادی درآن منتشرخواهدشد.

تبصره - سایرقیدودشرایطی که دراین قانون برای تشکیل وثبت شرکتهای سهامی عام مقرراست درمورد شرکتهای سهامی خاص لازم الرعایه نخواهدبود.

ماده ۲۱ - شرکتهای سهامی خاص نمی توانندسهام خودرابرای پذیره نویسی یافروش دربورس اوراق بهاداریاتوسط بانکهاعرضه نمایندویابه انتشار آگهی واطلاعیه ویاهنوع اقدام تبلیغاتی برای فروش سهام خودمبادرت کنند مگراینکه ازمقررات مربوط به شرکتهای سهامی عام بنحوی که دراین قانون مذکوراست تبعیت نمایند.

ماده ۲۲ - استفاده ازوجوه تادیه شده بنام شرکت های سهامی درشرف تاسیس ممکن نیست مگرس ازثبت رسیدن شرکت وبادرموردمذکوردر ماده ۱۹.

ماده ۲۳ - موسسین شرکت نسبت به کلیه اعمال واقداماتی که بمنظور تاسیس وبه ثبت رسانیدن شرکت انجام می دهندمسئولیت تضامنی دارند.

## بخش ۲

### سهام

ماده ۲۴ - سهم قسمتی است ازسرمایه شرکت سهامی که مشخص میزان مشارکت وتعهدات ومنافع صاحب آن در شرکت سهامی می باشدورقه سهم سندقابل معامله ای است که نماینده تعدادسهامی است که صاحب آن در شرکت سهامی دارد.

تبصره ۱ - سهم ممکن است بانام یابی نام باشد.

تبصره ۲ - درصورتی که برای بعضی ازسهام شرکت بارعایت مقررات این قانون مزایائی قائل شونداینگونه سهام ، سهام ممتازنامیده می شود.

ماده ۲۵ - اوراق سهام بایدمتحدالشکل وچاپی وداری شماره ترتیب بوده وبه امضای لااقل دونفرکه بموجب مقررات اساسنامه تعیین می شوندبرسد.

ماده ۲۶ - درورقه سهم نکات زیربایدقیدشود -

۱ - نام شرکت وشماره ثبت آن دردفترثبت شرکتهای

۲ - مبلغ سرمایه ثبت شده و مقدار پرداخت شده آن .

۳ - تعیین نوع سهم .

۴ - مبلغ اسمی سهم و مقدار پرداخت شده آن به حروف و اعداد.

۵ - تعداد سهامی که هر ورقه نماینده آنست .

ماده ۲۷ - نازمانی که اوراق سهام صادر نشده است شرکت باید به صاحبان سهام گواهینامه موقت سهم بدهد که معرف تعداد و نوع سهام و مبلغ پرداخت شده آن باشد. این گواهینامه در حکم سهم است ولی در هر حال طرف مدت یکسال پس از پرداخت تمامی مبلغ اسمی سهم باید ورقه سهم صادر به صاحب سهم تسلیم و گواهینامه موقت سهم مسترد و ابطال گردد.

ماده ۲۸ - تا وقتی که شرکت به ثبت نرسیده صدور ورقه سهم یا گواهینامه موقت سهم ممنوع است. در صورت تخلف امضاء کنندگان مسئول جبران خسارات اشخاص ثالث خواهند بود.

ماده ۲۹ - در شرکت‌های سهامی عام مبلغ اسمی هر سهم نباید از ده هزار ریال بیشتر باشد.

ماده ۳۰ - مادام که تمامی مبلغ اسمی هر سهم پرداخت نشده صدور ورقه سهم بی نام یا گواهینامه موقت بی نام ممنوع است. به تعهد کننده اینگونه سهام گواهینامه موقت بی نام داده خواهد شد که نقل و انتقال آن تابع مقررات مربوط به نقل و انتقال سهام بانام است .

ماده ۳۱ - در مورد صدور گواهینامه موقت سهم مواد ۲۵ و ۲۶ باید رعایت شود.

ماده ۳۲ - مبلغ اسمی سهام و همچنین قطعات سهام در صورت تجزیه باید متساوی باشد.

ماده ۳۳ - مبلغ پرداخت نشده سهام هر شرکت سهامی باید ظرف مدت مقرر در اساسنامه مطالبه شود. در غیر این صورت هیات مدیره شرکت باید به مجمع عمومی فوق العاده صاحبان سهام را به منظور تقلیل سرمایه شرکت تامیزان مبلغ پرداخت شده سرمایه دعوت کند و تشکیل دهد و گرنه هر ذینفع حق خواهد داشت که برای تقلیل سرمایه ثبت شده شرکت تامیزان مبلغ پرداخت شده به دادگاه رجوع کند.

تبصره - مطالبه مبلغ پرداخت نشده سهام یا هر مقدار از آن باید از کلیه صاحبان سهام و بدون تبعیض بعمل آید.

ماده ۳۴ - کسی که تعهدات سهامی را نموده مسئول پرداخت تمام مبلغ اسمی آن می باشد و در صورتی که قبل از تادیه تمام مبلغ اسمی سهم آن را به دیگری انتقال دهد بعد از انتقال سهم دارنده سهم مسئول پرداخت بقیه مبلغ اسمی آن خواهد بود.

ماده ۳۵ - در هر موقع که شرکت بخواهد تمام یا قسمتی از مبلغ پرداخت نشده سهام را مطالبه کند باید مراتب را از طریق نشر آگهی در روزنامه کثیرالانتشاری که آگهی های مربوط به شرکت در آن منتشر می شود به صاحبان فعلی سهام اطلاع دهد و مهلت معقول و متناسبی برای پرداخت مبلغ مورد مطالبه مقرر دارد. پس از انقضای چنین مهلتی هر مبلغ که تادیه نشده باشد نسبت به آن خسارت دیرکرد از قرار نرخ رسمی بهره بعلاوه چهار درصد در سال به مبلغ تادیه نشده علاوه خواهد شد و پس از اخطار از طرف شرکت به صاحب سهم و گذشتن یکماه اگر مبلغ مورد مطالبه و خسارت تاخیر آن تمام پرداخت نشود شرکت اینگونه سهام را در صورتی که در بورس اوراق

بهدار پذیرفته شده باشد از طریق بورس و گرنه از طریق مزایده به فروش خواهد رسانید از حاصل فروش سهم بدو کلیه هزینه های مترتبه برداشت گردیده و در صورتی که خالص حاصل فروش از بدهی صاحب سهم (بابت اصل و هزینه ها و خسارت دیرکرد) بیشتر باشد مزایده وی پرداخت می شود.

ماده ۳۶ - در مورد ماده ۳۵ آگهی فروش سهم باقیمانده سهام مورد مزایده فقط يك نوبت در روزنامه کثیرالانتشاری که آگهی های مربوط به شرکت در آن نشر می گردد منتشر می شود. نسخه از آگهی وسیله پست سفارشی برای صاحب سهم ارسال می شود هرگاه قبل از تاریخی که برای فروش معین شده است کلیه بدهی های مربوط به سهام اعم از اصل ، خسارات ، هزینه ها به شرکت پرداخت شود شرکت از فروش سهام خودداری خواهد کرد. در صورت فروش سهام نام صاحب سهم سابق از دفاتر شرکت حذف و اوراق سهام یا گواهینامه موقت سهام قبلی ابطال می شود و مراتب برای اطلاع عموم آگهی می گردد.

ماده ۳۷ - دارندگان سهام مذکور در ماده ۳۵ حق حضور برای در مجمع عمومی صاحبان سهام شرکت را خواهند داشت و در احتساب حد نصاب تشکیل مجامع تعداد اینگونه سهام از کل تعداد سهام شرکت کسر خواهد شد. بعلاوه حق دریافت سود قابل تقسیم و حق رجحان در خرید سهام جدید شرکت و همچنین حق دریافت اندوخته قابل تقسیم نسبت به این گونه سهام معلق خواهد ماند.

ماده ۳۸ - در مورد ماده ۳۷ هرگاه دارندگان سهام قبل از فروش سهام بدهی خود را بابت اصل و خسارات و هزینه های شرکت پرداخت کنند مجدداً حق حضور و رای در مجمع عمومی را خواهند داشت و می توانند حقوق مالی وابسته به سهام خود را که مشمول مرور زمان نشده باشد مطالبه کنند.

ماده ۳۹ - سهم بی نام بصورت سند در وجه حامل تنظیم و ملک دارنده آن شناخته می شود مگر خلاف آن ثابت گردد. نقل و انتقال اینگونه سهام به قبض و اقباض بعمل می آید. گواهی نامه موقت سهام بی نام در حکم سهام بی نام است و از لحاظ مالیات بردار آمد مشمول مقررات سهام بی نام می باشد.

ماده ۴۰ - انتقال سهام بانام باید در دفتر ثبت سهام شرکت به ثبت برسد و انتقال دهنده یا وکیل یا نماینده قانونی او باید انتقال را در دفتر مزبور امضاء کند.

در موردی که تمامی مبلغ اسمی سهم پرداخت نشده است نشانی کامل انتقال گیرنده نیز در دفتر ثبت سهام شرکت قید و به امضای انتقال گیرنده یا وکیل یا نماینده قانونی او رسیده و از نظر اجرائی تعهدات ناشی از نقل و انتقال سهم معتبر خواهد بود. هرگونه تغییر اقامتگاه نیز باید به همان ترتیب رسیده و امضاء شود. هر انتقالی که بدون رعایت شرایط فوق بعمل آید از نظر شرکت و اشخاص ثالث فاقد اعتبار است .

ماده ۴۱ - در شرکت های سهامی عام نقل و انتقال سهام نمی تواند مشروط به موافقت مدیران شرکت یا مجمع عمومی صاحبان سهام بشود.

ماده ۴۲ - هر شرکت سهامی می تواند بموجب اساسنامه و همچنین تاموقعی که شرکت منحل نشده است طبق تصویب مجمع عمومی فوق العاده صاحبان سهام سهام ممتاز ترتیب دهد. امتیازات اینگونه سهام ونحوه استفاده از آن باید بطور وضوح تعیین گردد. هرگونه تغییر در امتیازات وابسته به سهام ممتاز باید به تصویب مجمع عمومی فوق العاده شرکت با جلب موافقت دارندگان نصف بعلاوه یک این گونه سهام انجام گیرد.

### بخش ۳

#### تبدیل سهام

ماده ۴۳ - هرگاه شرکت بخواهد بموجب مقررات اساسنامه یا بنابه تصمیم مجمع عمومی فوق العاده سهامداران خود سهام بی نام شرکت را به سهام بانام و یا آنکه سهام بانام را به سهام بی نام تبدیل نماید باید بر طبق مواد زیر عمل کند.

ماده ۴۴ - در مورد تبدیل سهام بی نام به سهام بانام باید مراتب در روزنامه کثیرالانتشاری که آگهی های مربوطه به شرکت در آن نشر می گردد سه نوبت هر یک بفاصله پنج روز منتشر و مهلتی که کمتر از شش ماه از تاریخ اولین آگهی نباشد به صاحبان سهام داده شود تا تبدیل سهام خود به مرکز شرکت مراجعه کنند. در آگهی تصریح سهام خود که پس از انقضای مهلت مزبور کلیه سهام بی نام شرکت باطل شده تلقی می گردد.

ماده ۴۵ - سهام بی نامی که طرف مهلت مذکور در ماده ۴۴ برای تبدیل به سهام بانام به مرکز شرکت تسلیم نشده باشد باطل شده محسوب و برابر تعداد آن سهام بانام صادر توسط شرکت در صورتی که سهام شرکت در بورس اوراق بهادار پذیرفته شده باشد از طریق بورس و گرنه از طریق حراج فروخته خواهد شد. آگهی حراج حداکثر تا یک ماه پس از انقضای مهلت شش ماه مذکور فقط یک نوبت در روزنامه کثیرالانتشاری که آگهی های مربوط به شرکت در آن نشر می گردد منتشر خواهد شد. فاصله بین آگهی و تاریخ حراج حداقل ده روز و حداکثر یک ماه خواهد بود. در صورتی که در تاریخ تعیین شده تمام یا قسمتی از سهام به فروش نرسد حراج تا دو نوبت طبق شرایط مندرج در این ماده تجدید خواهد شد.

ماده ۴۶ - از حاصل فروش سهامی که بر طبق ماده ۴۵ فروخته می شود بدو هزینه های مترتبه از قبیل هزینه آگهی حراج یا حق الزحمه کارگزار بورس کسرو مازاد آن توسط شرکت در حساب بانکی بهره دار سپرده می شود ، در صورتی که طرف ده سال از تاریخ فروش سهام باطل شده به شرکت مسترد شود مبلغ سپرده و بهره مربوطه به دستور شرکت از طرف بانک به مالک سهم پرداخت می شود. پس از انقضای ده سال باقی مانده وجوه در حکم مال بلاصاحب بوده و باید از طرف بانک و با اطلاع دادستان شهرستان بخزانه دولت منتقل گردد.



تبصره - در مورد مواد ۶ و ۷ و ۸ هرگاه پس از تجدید حراج مقداری از سهام به فروش نرسد صاحبان سهام بی نام که به شرکت مراجعه می کنند به ترتیب مراجعه به شرکت اختیار خواهند داشت از خالص حاصل فروش سهامی که فروخته شده به نسبت سهام بی نام که در دست دارند و وجه نقد دریافت کنند و یا آنکه برابر تعداد سهام بی نام خود سهام بانام تحصیل نمایند و این ترتیب تا وقتی که وجه نقد و سهم فروخته نشده هر دو در اختیار شرکت قرار در رعایت خواهد شد.

ماده ۷ - برای تبدیل سهام بانام به سهام بی نام مراتب فقط یک نوبت در روزنامه کثیرالانتشاری که آگهی های مربوط به شرکت در آن نشر می گردد منتشر و مهلتی که نباید کمتر از دو ماه باشد به صاحبان سهام داده می شود تا برای تبدیل سهام خود به مرکز شرکت مراجعه کنند. پس از انقضای مهلت مذکور برابر تعداد سهام که تبدیل نشده است سهام بی نام صادر و در مرکز شرکت نگهداری خواهد شد تا هر موقع که دارندگان سهام بانام شرکت مراجعه کنند سهام بانام به سهام بی نام به آنها داده شود.

ماده ۸ - پس از تبدیل کلیه سهام بی نام به سهام بانام و یا تبدیل سهام با نام به سهام بی نام و یا حسب مورد پس از گذشتن هر یک از مهلت های مذکور در مواد ۷ و ۸ شرکت باید مرجع ثبت شرکت ها را از تبدیل سهام خود کتباً مطلع سازد تا مراتب طبق مقررات به ثبت رسیده و برای اطلاع عموم آگهی شود.

ماده ۹ - دارندگان سهامی که بر طبق مواد فوق سهام خود را تعویض ننموده باشند نسبت به آن سهام حق حضور و رای در مجامع عمومی صاحبان سهام را نخواهند داشت .

ماده ۱۰ - در مورد تعویض گواهی نامه موقت سهام با اوراق سهام بانام یا بی نام بر طبق مفاد مواد ۷ و ۹ عمل خواهد شد.

#### بخش ۴

#### اوراق قرضه

ماده ۱۱ - شرکت سهامی عام می تواند تحت شرایط مندرج در این قانون اوراق قرضه منتشر کند.

ماده ۱۲ - ورقه قرضه ورقه قابل معامله ایست که معرف مبلغی وام است با بهره معین که تمامی آن یا اجزاء آن در موعد یا موعدهایی باید مسترد گردد برای ورقه قرضه ممکن است علاوه بر بهره حقوق دیگری نیز شناخته شود.

ماده ۱۳ - دارندگان اوراق قرضه در اداره امور شرکت هیچگونه دخالتی نداشته و فقط بستانکار شرکت محسوب می شوند.

ماده ۱۴ - پذیره نویسی و خرید اوراق قرضه عمل تجاری نمی باشد.

ماده ۱۵ - انتشار اوراق قرضه ممکن نیست مگر وقتی که کلیه سرمایه ثبت شده شرکت تادیه شده و دو سال تمام از تاریخ ثبت شرکت گذشته و دو ترانامه آن به تصویب مجمع عمومی رسیده باشد.

ماده ۱۶ - هرگاه انتشار اوراق قرضه در اساسنامه شرکت پیش بینی نشده باشد مجمع عمومی فوق العاده صاحبان سهام می تواند بنا به پیشنهاد هیئت مدیره انتشار اوراق قرضه را تصویب و شرایط آن را تعیین کند. اساسنامه و یا مجمع عمومی می تواند به هیئت مدیره شرکت اجازه دهد که طی مدتی که از دو سال تجاوز نکند چند باره انتشار اوراق قرضه مبادرت نماید.

تبصره - در هر بار انتشار مبلغ اسمی اوراق قرضه و نیز قطعات اوراق قرضه (در صورت تجزیه) باید متساوی باشد.

ماده ۱۷ - تصمیم راجع به فروش اوراق قرضه و شرایط صدور و انتشار آن باید همراه با طرح اطلاعیه انتشار اوراق قرضه کتباً به مرجع ثبت شرکت ها اعلام شود. مرجع مذکور مفاد تصمیم را ثبت و خلاصه آن را همراه با طرح اطلاعیه انتشار اوراق قرضه به هزینه شرکت در روزنامه رسمی آگهی خواهد نمود.

تبصره - قبل از انجام تشریفات مذکور در ماده فوق هرگونه آگهی برای فروش اوراق قرضه ممنوع است .

ماده ۱۸ - اطلاعیه انتشار اوراق قرضه باید مشتمل بر نکات زیر بوده و توسط دارندگان امضاء مجاز شرکت امضاء شده باشد -

۱ - نام شرکت .

۲ - موضوع شرکت .

- ۳ - شماره و تاریخ ثبت شرکت .
- ۴ - مرکز اصلی شرکت .
- ۵ - مدت شرکت .
- ۶ - مبلغ سرمایه شرکت و تصریح به اینکه کلیه آن پرداخت شده است .
- ۷ - در صورتی که شرکت سابقاً اوراق قرضه صادر کرده است مبلغ و تعداد و تاریخ صدور آن و تضمیناتی که احتمالاً برای بازپرداخت آن در نظر گرفته شده است و همچنین مبلغ بازپرداخت شده آن و در صورتی که اوراق قرضه سابق قابل تبدیل به سهام شرکت بوده باشد مقدار آن گونه اوراق قرضه که هنوز تبدیل به سهم نشده است .
- ۸ - در صورتی که شرکت سابقاً اوراق قرضه موسسه دیگری را تضمین کرده باشد مبلغ و مدت و سایر شرایط تضمین مذکور .
- ۹ - مبلغ قرضه و مدت آن و همچنین مبلغ اسمی هر ورقه و نرخ بهره ای که به قرضه تعلق می گیرد و ترتیب محاسبه آن و ذکر سایر حقوقی که احتمالاً برای اوراق قرضه در نظر گرفته شده است و همچنین موعدهای مواعید و شرایط بازپرداخت اصل و پرداخت بهره و غیره و در صورتی که اوراق قرضه قابل خرید باشد شرایط و ترتیب بهره و غیره و در صورتی که اوراق قرضه قابل باز خرید باشد شرایط و ترتیب باز خرید .
- ۱۰ - تضمیناتی که احتمالاً برای اوراق قرضه در نظر گرفته شده است .
- ۱۱ - اگر اوراق قرضه قابل تعویض با سهام شرکت یا قابل تبدیل به سهام شرکت باشد مهلت و سایر شرایط تعویض یا تبدیل .
- ۱۲ - خلاصه گزارش وضع مالی شرکت و خلاصه ترازنامه آخرین سال مالی آن که تصویب مجمع عمومی صاحبان سهام رسیده است .
- ماده ۵۹ - پس از انتشار آگهی مذکور در ماده ۵۷ شرکت باید تصمیم مجمع عمومی و اطلاعیه انتشار اوراق قرضه را با قید شماره و تاریخ آگهی منتشر شده در روزنامه رسمی و همچنین شماره و تاریخ روزنامه رسمی که آگهی در آن منتشر شده است در روزنامه کثیرالانتشاری که آگهی های مربوط به شرکت در آن نشر می گردد آگهی کند .
- ماده ۶۰ - ورقه قرضه باید شامل نکات زیر بوده و بهمان ترتیبی که برای امضای اوراق سهام مقرر شده است امضاء بشود -
- ۱ - نام شرکت .
  - ۲ - شماره و تاریخ ثبت شرکت .
  - ۳ - مرکز اصلی شرکت .
  - ۴ - مبلغ سرمایه شرکت .
  - ۵ - مدت شرکت .
  - ۶ - مبلغ اسمی و شماره ترتیب و تاریخ صدور ورقه قرضه .
  - ۷ - تاریخ و شرایط بازپرداخت قرضه و نیز شرایط باز خرید ورقه قرضه (اگر قابل باز خرید باشد) .
  - ۸ - تضمیناتی که احتمالاً برای قرضه در نظر گرفته شده است .
  - ۹ - در صورت قابلیت تعویض اوراق قرضه با سهام شرایط و ترتیباتی که باید برای تعویض رعایت شود با ذکر نام اشخاص یا موسساتی که تعهد تعویض اوراق قرضه را کرده اند .
  - ۱۰ - در صورت قابلیت تبدیل ورقه قرضه به سهام شرکت مهلت و شرایط این تبدیل .
- ماده ۶۱ - اوراق قرضه ممکن است قابل تعویض با سهام شرکت باشد در این صورت مجمع عمومی فوق العاده باید بنابه پیشنهاد هیئت مدیره و گزارش خاص بازرسان شرکت مقارن اجاره انتشار اوراق قرضه افزایش سرمایه شرکت را اقلاب برابر با مبلغ قرضه تصویب کند .
- ماده ۶۲ - افزایش سرمایه مذکور در ماده ۶۱ قبل از صدور اوراق قرضه باید بوسیله يك يا چند بانك و یا موسسه مالی معتبر پذیره نویسی شده باشد و قراردادی که در موضوع اینگونه پذیره نویسی و شرایط آن و تعهد پذیره نویسی مبنی بر دادن اینگونه سهام به دارندگان اوراق قرضه و سایر شرایط مربوط به آن بین شرکت و اینگونه پذیره نویسان منعقد شده است نیز باید به تصویب مجمع عمومی مذکور در ماده ۶۱ برسد و اگر معتبر نخواهد بود .
- تبصره - شورای پول و اعتبار شرایط بانکها و موسسات مالی را که می تواند افزایش سرمایه شرکتها را پذیره نویسی کنند تعیین خواهد نمود .

ماده ۶۳ - در مورد مواد ۶۱ و ۶۲ حق رجحان سهامداران شرکت در خرید سهام قابل تعویض با اوراق قرضه خود بخود منتفی خواهد بود.

ماده ۶۴ - شرایط و ترتیب تعویض ورقه قرضه با سهم باید در ورقه قرضه قید شود.

تعویض ورقه قرضه با سهم تابع میل و رضایت دارنده ورقه قرضه است .  
دارنده ورقه قرضه در هر موقع قبل از سر رسید ورقه می تواند تحت شرایط و به ترتیبی که در ورقه قید شده است آن را با سهم شرکت تعویض کند.

ماده ۶۵ - از تاریخ تصمیم مجمع عمومی مذکور در ماده ۶۱ تا انقضای موعدهای مواعید اوراق قرضه شرکت نمی تواند اوراق قرضه جدید قابل تعویض یا قابل تبدیل به سهام منتشر کند یا سرمایه خود را مستهلک سازد یا آنرا از طریق باز خرید سهام کاهش دهد یا اقدام به تقسیم اندوخته کند یا در نحوه تقسیم منافع تغییراتی بدهد. کاهش سرمایه شرکت در نتیجه زیانهای وارده که منتهی به تقلیل مبلغ اسمی سهام و یا تقلیل عده سهام بشود شامل سهامی نیز که دارندگان اوراق قرضه در نتیجه تبدیل اوراق خود دریافت میدارند می گردد و چنین تلقی می شود که اینگونه دارندگان اوراق قرضه از همان موقع انتشار اوراق مزبور سهامدار شرکت بوده اند.

ماده ۶۶ - از تاریخ تصمیم مجمع مذکور در ماده ۶۱ تا انقضای موعدهای مواعید اوراق قرضه صدور سهام جدید در نتیجه انتقال اندوخته به سرمایه و بطور کلی دادن سهام و یا تخصیص یا پرداخت وجه به سهامداران تحت عناوینی از قبیل جایزه یا منافع انتشار سهام ممنوع خواهد بود مگر آنکه حقوق دارندگان اوراق قرضه که متعاقباً اوراق خود را با سهام شرکت تعویض می کنند به نسبت سهامی که در نتیجه معاوضه مالک می شوند حفظ شود. به منظور فوق شرکت باید تدابیر لازم را اتخاذ کند تا دارندگان اوراق قرضه که متعاقباً اوراق خود را با سهام شرکت تعویض می کنند بتوانند به نسبت و تحت همان شرایط حقوق مالی مذکور را استیفاء نمایند.

ماده ۶۷ - سهامی که جهت تعویض با اوراق قرضه صادر می شود بانام بوده و تا انقضای موعدهای مواعید اوراق قرضه وثیقه تعهد پذیره نویسان در برابر دارندگان اوراق قرضه دائره تعویض سهام با اوراق مذکور می باشد و نزد شرکت نگاهداری خواهد شد اینگونه سهام تا انقضای موعدهای مواعید اوراق قرضه فقط قابل انتقال به دارندگان اوراق قرضه مزبور بوده و نقل و انتقال اینگونه سهام در دفتر شرکت ثبت نخواهد شد مگر وقتی که تعویض ورقه مواعید قرضه با سهم احراز گردد.

ماده ۶۸ - سهامی که جهت تعویض با اوراق قرضه صادر می شود مادام که این تعویض بعمل نیامده است تا انقضای موعدهای مواعید اوراق قرضه قابل تأمین و توقیف نخواهد بود.

ماده ۶۹ - اوراق قرضه ممکن است قابل تبدیل به سهام شرکت باشد در این صورت مجمع عمومی فوق العاده ای که اجازه انتشار اوراق قرضه را می دهد شرایط و مهلتی که طی آن دارندگان این گونه اوراق خواهند توانست اوراق خود را به سهام شرکت تبدیل کنند تعیین و اجازه افزایش سرمایه را به هیئت مدیره خواهد داد.

ماده ۷۰ - در مورد ماده ۶۹ هیئت مدیره شرکت بر اساس تصمیم مجمع عمومی مذکوره در همان ماده در پایان مهلت مقرر معادل مبلغ باز پرداخت نشده اوراق قرضه ای که جهت تبدیل به سهام شرکت عرضه شده است سرمایه شرکت را افزایش داده و پس از ثبت این افزایش در مرجع ثبت شرکتها سهام جدید صادر به دارندگان اوراق مذکور معادل باز پرداخت نشده اوراقی که به شرکت تسلیم کرده اند سهم خواهد داد.

ماده ۷۱ - در مورد اوراق قرضه قابل تبدیل به سهم مجمع عمومی باید بنابه پیشنهاد هیئت مدیره و گزارش خاص بازرسان شرکت اتخاذ تصمیم نماید و همچنین مواد ۶۲ و ۶۳ در مورد اوراق قرضه قابل تبدیل به سهم نیز باید رعایت شود.

بخش ۵

مجامع عمومی

ماده ۷۲ - مجمع عمومی شرکت سهامی از اجتماع صاحبان سهام تشکیل میشود. مقررات مربوط به حضور عده لازم برای تشکیل مجمع عمومی و آراء لازم جهت اتخاذ تصمیمات در اساسنامه معین خواهد شد مگر در مواردی که بموجب قانون تکلیف خاص برای آن مقرر شده باشد.

ماده ۷۳ - مجامع عمومی به ترتیب عبارتند از -

۱ - مجمع عمومی موسس .

۲ - مجمع عمومی عادی .

۳ - مجمع عمومی فوق العاده .

- ماده ۷۴ - وظایف مجمع عمومی موسس به قرار زیر است -
- ۱ - رسیدگی به گزارش موسسین و تصویب آن و همچنین احراز پذیره نویسی کلیه سهام شرکت و تادیه مبالغ لازم .
- ۲ - تصویب طرح اساسنامه شرکت و در صورت لزوم اصلاح آن .
- ۳ - انتخاب اولین مدیران و بازرس یا بازرسان شرکت .
- ۴ - تعیین روزنامه کثیرالانتشاری که هرگونه دعوت و اطلاعیه بعدی برای سهامداران تا تشکیل اولین مجمع عمومی عادی در آن منتشر خواهد شد.
- تبصره - گزارش موسسین باید حداقل پنج روز قبل از تشکیل مجمع عمومی موسس در محلی که در آگهی دعوت مجمع تعیین شده است برای مراجعه پذیره - نویسان سهام آماده باشد.
- ماده ۷۵ - در مجمع عمومی موسس حضور عده ای از پذیره نویسان که حداقل نصف سرمایه شرکت را تعهد نموده باشند ضروری است . اگر در اولین دعوت اکثریت مذکور حاصل نشد مجمع عمومی جدید فقط تا دونویست توسط موسسین دعوت می شوند مشروط بر اینکه لااقل بیست روز قبل از انعقاد آن مجمع آگهی دعوت آن با قید دستور جلسه قبل و نتیجه آن در روزنامه کثیرالانتشاری که در اعلامیه پذیره نویسی معین شده است منتشر گردد . مجمع عمومی جدید وقتی قانونی است که صاحبان لااقل یک سوم سرمایه شرکت در آن حاضر باشند . در هر یک از دو مجمع فوق کلیه تصمیمات باید به اکثریت دوثلث آراء حاضرین اتخاذ شود . در صورتی که در مجمع عمومی سوم اکثریت لازم حاضر نشد موسسین عدم تشکیل شرکت را اعلام می دارند .
- تبصره - در مجمع عمومی موسس کلیه موسسین و پذیره نویسان حق حضور دارند و هر سهم دارای یک رای خواهد بود .
- ماده ۷۶ - هرگاه یک یا چند نفر از موسسین آورده غیر نقد داشته باشند موسسین باید قبل از اقدام به دعوت مجمع عمومی موسس نظر کتبی کارشناس رسمی وزارت دادگستری را در مورد ارزیابی آورده های غیر نقد جلب و آن را جزء گزارش اقدامات خود در اختیار مجمع عمومی موسس بگذارند . در صورتی که موسسین برای خود مزایایی مطالبه کرده باشند باید توجیه آن به ضمیمه گزارش مزبور به مجمع موسس تقدیم شود .
- ماده ۷۷ - گزارش مربوط به ارزیابی آورده های غیر نقد و علل و موجبات مزایای مطالبه شده باید در مجمع عمومی موسس مطرح گردد .
- دارندگان آورده غیر نقد و کسانی که مزایای خاصی برای خود مطالبه کرده اند در موقعی که تقویم آورده غیر نقدی که تعهد کرده اند یا مزایای آنها موضوع رای است حق رای ندارند و آن قسمت از سرمایه غیر نقد که موضوع مذاکره و رای است از حیث حد نصاب جزء سرمایه شرکت منظور نخواهد شد .
- ماده ۷۸ - مجمع عمومی نمی تواند آورده های غیر نقد را بیش از آنچه که از طرف کارشناس رسمی دادگستری ارزیابی شده است قبول کند .
- ماده ۷۹ - هرگاه آورده غیر نقد یا مزایایی که مطالبه شده است تصویب نگردد دومین جلسه مجمع به فاصله مدتی که از یکماه تجاوز نخواهد کرد تشکیل خواهد شد و در فاصله دو جلسه اشخاصی که آورده غیر نقد آنها قبول نشده است در صورت تمایل می توانند تعهد غیر نقد خود را به تعهد نقد تبدیل و مبالغ لازم را تادیه نمایند و اشخاصی که مزایای مورد مطالبه آنها تصویب نشده می توانند با انصراف از آن مزایا در شرکت باقی بمانند . در صورتی که صاحبان آورده غیر نقد و مطالبه کنندگان مزایا بنظر مجمع تسلیم نشوند تعهد آنها نسبت به سهام خود باطل شده محسوب می گردد و سایر پذیره نویسان می توانند بجای آنها سهام شرکت را تعهد مبالغ لازم را تادیه کنند .
- ماده ۸۰ - در جلسه دوم مجمع عمومی موسس که بر طبق ماده قبل بمنظور رسیدگی به وضع آورده های غیر نقد و مزایای مطالبه شده تشکیل می گردد باید بیش از نصف پذیره نویسان هر مقدار از سهام شرکت که تعهد شده است حاضر باشند . در آگهی دعوت این جلسه باید نتیجه جلسه قبل و دستور جلسه دوم قید گردد .
- ماده ۸۱ - در صورتی که در جلسه دوم معلوم گردد که در اثر خروج دارندگان آورده غیر نقد و یا مطالبه کنندگان مزایا و عدم تعهد و تادیه سهام آنها از طرف سایر پذیره نویسان قسمتی از سرمایه شرکت تعهد نشده است و به این ترتیب شرکت قابل تشکیل نباشد موسسین باید ظرف ده روز از تاریخ تشکیل آن مجمع مراتب رای به مرجع ثبت شرکت ها اطلاع دهند تا در مرجع مزبور گواهی نامه مذکور در ماده ۱۹ این قانون را صادر کنند .

ماده ۸۲ - در شرکتهای سهامی خاص تشکیل مجمع عمومی موسس الزامی نیست لیکن جلب نظر کارشناس مذکور در ماده ۱۷۶ این قانون ضروری است و نمی توان آورده های غیرنقد را به مبلغی بیش از ارزیابی کارشناس قبول نمود.

ماده ۸۳ - هرگونه تغییر در مواد اساسنامه یا سرمایه شرکت یا انحلال شرکت قبل از موعد منحصراً در صلاحیت مجمع عمومی فوق العاده می باشد.

ماده ۸۴ - در مجمع عمومی فوق العاده دارندگان بیش از نصف سهامی که حق رای دارند باید حاضر باشند. اگر در اولین دعوت حدنصاب مذکور حاصل نشد مجمع برای بار دوم دعوت و با حضور دارندگان بیش از یک سوم سهامی که حق رای دارند رسمیت یافته و اتخاذ تصمیم خواهد نمود بشرط آنکه در دعوت دوم نتیجه دعوت اول قید شده باشد.

ماده ۸۵ - تصمیمات مجمع عمومی فوق العاده همواره به اکثریت دو سوم آراء حاضر در جلسه رسمی معتبر خواهد بود.

ماده ۸۶ - مجمع عمومی عادی می تواند نسبت به کلیه امور شرکت بجز آنچه که در صلاحیت مجمع عمومی موسس و فوق العاده است تصمیم بگیرد.

ماده ۸۷ - در مجمع عمومی عادی حضور دارندگان اقلابیش از نصف سهامی که حق رای دارند ضروری است. اگر در اولین دعوت حدنصاب مذکور حاصل نشد مجمع برای بار دوم دعوت خواهد شد و با حضور هر عده از صاحبان سهامی که حق رای دارد رسمیت یافته و اخذ تصمیم خواهد نمود. بشرط آنکه در دعوت دوم نتیجه دعوت اول قید شده باشد.

ماده ۸۸ - در مجمع عمومی عادی تصمیمات همواره به اکثریت نصف بعلاوه یک آراء حاضر در جلسه رسمی معتبر خواهد بود. مگر در مورد انتخاب مدیران و بازرسان که اکثریت نسبی کافی خواهد بود.

در مورد انتخاب مدیران تعداد آراء هر رای دهنده در عدد مدیرانی که باید انتخاب شوند ضرب می شود و حق رای هر رای دهنده برابر حاصل ضرب مذکور خواهد بود رای دهنده می تواند آراء خود را به یک نفر بدهد یا آنرا بین چند نفری که مایل باشد تقسیم کند ، اساسنامه شرکت نمی تواند خلاف این ترتیب را مقرر دارد.

ماده ۸۹ - مجمع عمومی عادی باید سالی یکبار در موقعی که در اساسنامه پیش بینی شده است برای رسیدگی به ترازنامه و حساب سود و زیان سال مالی قبل و صورت دارائی و مطالبات و دیون شرکت و صورت حساب دوره و عملکرد سالانه شرکت و رسیدگی به گزارش مدیران و بازرسی یا بازرسان و سایر امور مربوط به حسابهای سال مالی تشکیل شود.

تبصره - بدون قرائت گزارش بازرسی یا بازرسان شرکت در مجمع عمومی اخذ تصمیم نسبت به ترازنامه و حساب سود و زیان سال مالی معتبر نخواهد بود.

ماده ۹۰ - تقسیم سود و اندوخته بین صاحبان سهام فقط پس از تصویب مجمع عمومی جاز خواهد بود و در صورت وجود منافع تقسیم ده درصد از سود ویژه سالانه بین صاحبان سهام الزامی است .

ماده ۹۱ - چنانچه هیئت مدیره مجمع عمومی عادی سالانه را در موعد مقرر دعوت نکند بازرسی یا بازرسان شرکت مکلفند اسامی اقدام بدعوت مجمع مزبور بنمایند.

ماده ۹۲ - هیئت مدیره و همچنین بازرسی یا بازرسان شرکت می توانند در مواقع مقتضی مجمع عمومی عادی را بطور فوق العاده دعوت نمایند. در این صورت دستور جلسه مجمع باید در آگهی دعوت قید شود.

ماده ۹۳ - در هر موقع که مجمع عمومی صاحبان سهام بخواهد در حقوق نوع مخصوصی از سهام شرکت تغییر بدهد تصمیم مجمع عمومی قطعی نخواهد بود مگر بعد از آنکه دارندگان این گونه سهام در جلسه خاصی آن تصمیم را تصویب کنند و برای آنکه تصمیم جلسه خاص

مذکور معتبر باشد باید دارندگان لااقل نصف اینگونه سهام در جلسه حاضر باشند و اگر در این دعوت حدنصاب حاصل نشود در دعوت دوم حضور دارندگان اقلابیش سوم اینگونه سهام کافی خواهد بود. تصمیمات همواره به اکثریت دو سوم آراء معتبر خواهد بود.

ماده ۹۴ - هیچ مجمع عمومی نمی تواند تابعیت شرکت را تغییر بدهد و یا هیچ اکثریتی نمی تواند بر تعهدات صاحبان سهام بیفزاید.

ماده ۹۵ - سهامدارانی که اقلابیش پنجم سهام شرکت را مالک باشند حق دارند که دعوت صاحبان سهام را برای تشکیل مجمع عمومی از هیئت مدیره خواستار شوند و هیئت مدیره باید حداکثر تا بیست روز مجمع مورد درخواست را با رعایت تشریفات مقرر دعوت کند در غیر این صورت درخواست کنندگان

می تواند دعوت مجمع را از بازرس یا بازرسان شرکت خواستار شوند و بازرس یا بازرسان مکلف خواهند بود که با رعایت تشریفات مقررده مجمع مورد تقاضا را حداکثر تا ده روز دعوت نمایند و اگر آن گونه صاحبان سهام حق خواهند داشت مستقیماً دعوت مجمع اقدام کنند بشرط آنکه کلیه تشریفات راجع به دعوت مجمع را رعایت نموده و در آگهی دعوت بعدم اجابت درخواست خود توسط هیئت مدیره و بازرسان تصریح نمایند.

ماده ۹۶ - در مورد ماده ۹۵ دستور مجمع منحصراً موضوعی خواهد بود که در تقاضا نامه ذکر شده است و هیئت رئیسه مجمع از بین صاحبان سهام انتخاب خواهد شد.

ماده ۹۷ - در کلیه موارد دعوت صاحبان سهام برای تشکیل مجمع عمومی باید از طریق نشر آگهی در روزنامه کثیرالانتشاری که آگهی های مربوطه به شرکت در آن نشر می گردد بعمل آید. هر یک از مجامع عمومی سالانه باید روزنامه کثیرالانتشاری را که هر گونه دعوت و اطلاعیه بعدی برای سهامداران تا تشکیل مجمع عمومی سالانه بعد در آن منتشر خواهد شد تعیین نماید. این تصمیم باید در روزنامه کثیرالانتشاری که تا تاریخ چنین تصمیمی جهت نشر دعوتنامه و اطلاعیه های مربوط به شرکت قبل تعیین شده منتشر گردد.

تبصره - در مواقعی که کلیه سهام در مجمع حاضر باشند نشر آگهی و تشریفات دعوت الزامی نیست

ماده ۹۸ - فاصله بین نشر دعوتنامه مجمع عمومی و تاریخ تشکیل آن حداقل ده روز و حداکثر چهل روز خواهد بود.

ماده ۹۹ - قبل از تشکیل مجمع عمومی هر صاحب سهمی که مایل به حضور در مجمع عمومی باشد باید با ارائه ورقه سهم یا تصدیق موقت سهم متعلق بخود به شرکت مراجعه و ورقه ورودی به جلسه دریافت کند.

فقط سهامدارانی حق ورودی به مجمع را دارند که ورقه ورودی دریافت کرده باشند.

از حاضرین در مجمع صورتی ترتیب داده خواهد شد که در آن هویت و اقامتگاه و تعداد سهام و تعداد آراء هر یک از حاضرین قید و امضاء آنان خواهد رسید.

ماده ۱۰۰ - در آگهی دعوت صاحبان سهام برای تشکیل مجمع عمومی دستور جلسه و تاریخ و محل تشکیل مجمع با قید ساعت و نشانی کامل باید قید شود.

ماده ۱۰۱ - مجامع عمومی توسط هیئت رئیسه ای مرکب از یک رئیس و یک منشی و دو ناظر اداره می شود. در صورتی که ترتیب دیگری در اساسنامه پیش بینی نشده باشد ریاست مجمع با رئیس هیئت مدیره خواهد بود مگر در مواقعی که انتخاب یا عزل بعضی از مدیران یا کلیه آنها جزو دستور جلسه مجمع باشد که در این صورت رئیس مجمع از بین سهامداران حاضر در جلسه به اکثریت نسبی انتخاب خواهد شد. ناظران از بین صاحبان سهام انتخاب خواهند شد و لی منشی جلسه ممکن است صاحب سهم نباشد.

ماده ۱۰۲ - در کلیه مجامع عمومی حضور وکیل یا قائم مقام قانونی صاحب سهم و همچنین حضور نماینده یا نمایندگان شخصیت حقوقی بشرط ارائه مدارک وکالت یا نمایندگی به منزله حضور خود صاحب سهم است .

ماده ۱۰۳ - در کلیه مواردی که در این قانون اکثریت آراء در مجمع عمومی ذکر شده است مراد اکثریت آراء حاضرین در جلسه است .

ماده ۱۰۴ - هرگاه در مجمع عمومی تمام موضوعات مندرج در دستور مجمع مورد اتخاذ تصمیم واقع نشود هیئت رئیسه مجمع با تصویب مجمع می تواند اعلام تنفس نموده و تاریخ جلسه بعد را که نباید دیرتر از دو هفته باشد تعیین کند ، تمدید جلسه محتاج به دعوت و آگهی مجدد نیست و در جلسات بعد مجمع با همان حد نصاب جلسه اول رسمیت خواهد داشت .

ماده ۱۰۵ - از مذاکرات و تصمیمات مجمع عمومی صورت جلسه ای توسط منشی ترتیب داده می شود که به امضاء هیئت رئیسه مجمع رسیده و یک نسخه از آن در مرکز شرکت نگهداری خواهد شد.

ماده ۱۰۶ - در مواردی که تصمیمات مجمع عمومی متضمن یکی از موارد ذیل باشد یک نسخه از صورت جلسه مجمع باید جهت ثبت به مرجع ثبت شرکت ها ارسال گردد -

۱ - انتخاب مدیران و بازرس یا بازرسان .

۲ - تصویب ترانزنامه .

۳ - کاهش یا افزایش سرمایه و هر نوع تغییر در اساسنامه .

۴ - انحلال شرکت و نحوه تصفیه آن .

## بخش ۶

### هیئت مدیره

ماده ۱۰۷ - شرکت سهامی بوسیله هیئت مدیره ای که از بین صاحبان سهام انتخاب شده وکلایابعضاقابل عزل می باشند اداره خواهدشد. عده اعضای هیئت مدیره در شرکتهای سهامی عمومی نباید از پنج نفر کمتر باشد.

ماده ۱۰۸ - مدیران شرکت توسط مجمع عمومی موسس و مجمع عمومی عادی انتخاب می شوند.

ماده ۱۰۹ - مدت مدیران در اساسنامه معین می شود لیکن این مدت از دو سال تجاوز نخواهد کرد.

ماده ۱۱۰ - اشخاص حقوقی رامی توان به مدیریت شرکت انتخاب نمود. در این صورت شخص حقوقی همان مسئولیتهای مدنی شخص حقیقی عضو هیئت مدیره را داشته و باید یک نفر رابه نمایندگی دائمی خود جهت انجام وظایف مدیریت معرفی نماید.

چنین نماینده ای مشمول همان شرایط و تعهدات و مسئولیتهای مدنی و جزائی عضو هیئت مدیره بوده از جهت مدنی باشخص حقوقی که اورابه نمایندگی تعیین نموده است مسئولیت تضامنی خواهدداشت .

شخص حقوقی عضو هیئت مدیره می تواند نماینده خود را عزل کند بشرط آنکه در همان موقع جانشین اورا کتبا به شرکت معرفی نماید وگرنه غایب محسوب می شود.

## بخش ۶

### هیئت مدیره

ماده ۱۱۱ - اشخاص ذیل نمی توانند به مدیریت شرکت انتخاب شوند.

۱ - مجبورین و کسانی که حکم ورشکستگی آنها صادر شده است .

۲ - کسانی که بعلت ارتکاب جنایت یا یکی از جنحه های ذیل بموجب حکم قطعی از حقوق اجتماعی کلایابعضا محروم شده باشند در مدت محرومیت .

سرقت ، خیانت درامانت ، کلاهبرداری ، جنحه هائی که بموجب قانون در حکم خیانت درامانت یا کلاهبرداری شناخته شده است ، اختلاس ، تدلیس ، تصرف غیر قانونی در اموال عمومی .  
تبصره - دادگاه شهرستان به تقاضای هر ذینفع حکم عزل هر مدیری را که برخلاف مفاد این ماده انتخاب شود یا پس از انتخاب مشمول مفاد این ماده گردد صادر خواهد کرد و حکم دادگاه مزبور قطعی خواهد بود.

ماده ۱۱۲ - در صورتی که بر اثر فوت یا استعفا یا سلب شرایط از یک یا چند نفر از مدیران تعداد اعضاء هیئت مدیره از حداقل مقرر در این قانون کمتر شود اعضاء علی البدل به ترتیب مقرر در اساسنامه والا به ترتیب مقرر توسط مجمع عمومی جای آنان را خواهند گرفت و در صورتیکه عضو علی البدل تعیین نشده باشد و یا تعداد اعضاء علی البدل کافی برای تصدی محللهای خالی در هیئت مدیره نباشد مدیران باقیمانده باید بلافاصله مجمع عمومی عادی شرکت را جهت تکمیل اعضاء هیئت مدیره دعوت نمایند.

ماده ۱۱۳ - در مورد ماده ۱۱۲ هرگاه هیئت مدیره حسب مورد از دعوت مجمع عمومی برای انتخاب مدیری که سمت او بلا متصدی مانده خودداری کند هر ذینفع حق دارد از بازرس یا بازرسان شرکت بخواهد که به دعوت مجمع عمومی عادی جهت تکمیل عده مدیران با رعایت تشریفات لازم اقدام کنند و بازرس یا بازرسان مکلف به انجام چنین درخواستی می باشند.

ماده ۱۱۴ - مدیران باید تعداد سهامی را که اساسنامه شرکت مقرر کرده است دارا باشند. این تعداد سهام نباید از تعداد سهامی که بموجب اساسنامه جهت دادن رای در مجمع عمومی لازم است کمتر باشد. این سهام برای تضمین خساراتی است که ممکن است از تقصیرات مدیران منفرد یا مشترک ابر شرکت وارد شود. سهام مذکور با اسم بوده و قابل انتقال نیست و مادام که مدیری مفاصا حساب دوره تصدی خود در شرکت را دریافت نداشته است سهام مذکور در صندوق شرکت بعنوان وثیقه باقی خواهد ماند.

ماده ۱۱۵ - در صورتی که مدیری در هنگام انتخاب مالک تعداد سهام لازم بعنوان وثیقه نباشد و همچنین در صورت انتقال قهری سهام مورد وثیقه و یا افزایش یافتن تعداد سهام لازم بعنوان وثیقه و یا افزایش یافتن تعداد سهام لازم بعنوان وثیقه مدیر باید ظرف مدت یکماه تعداد سهام لازم بعنوان وثیقه راتپه و به صندوق شرکت بسپارد وگرنه مستعفی محسوب خواهد شد.

ماده ۱۶۶ - تصویب ترازنامه و حساب سود و زیان هر دوره مالی شرکت به منزله مفاصاحساب مدیران برای همان دوره مالی می باشد و پس از تصویب ترازنامه و حساب سود و زیان دوره مالی که طی آن مدت مدیریت مدیران منقضی یا بهر نحو دیگری از آنان سلب سمت شده است سهام مورد وثیقه اینگونه مدیران خود بخود از قید وثیقه آزاد خواهد شد.

ماده ۱۱۷ - بازرسی یا بازرسان شرکت مکلفند هرگونه تخلفی از مقررات قانونی و اساسنامه شرکت در مورد سهام وثیقه مشاهده کنند به مجمع عمومی عادی گزارش دهند.

ماده ۱۱۸ - جز در باره موضوعاتی که بموجب مقررات این قانون اخذ تصمیم و اقدام در باره آنها در صلاحیت خاص مجمع عمومی است مدیران شرکت دارای کلیه اختیارات لازم برای اداره امور شرکت می باشند مشروط بر آنکه تصمیمات و اقدامات آنها در حدود موضوع شرکت باشد. محدود کردن اختیارات مدیران در اساسنامه یا بموجب تصمیمات مجمع عمومی فقط از لحاظ روابط بین مدیران و صاحبان سهام معتبر بوده و در مقابل اشخاص ثالث باطل و کان لم یکن است .

ماده ۱۱۹ - هیئت مدیره در اولین جلسه خود از بین اعضای هیئت مدیره یک رئیس و یک نایب رئیس که باید شخص حقیقی باشند برای هیئت مدیره تعیین می نماید. مدت ریاست رئیس و نایب رئیس هیئت مدیره بیش از مدت عضویت آنها در هیئت مدیره نخواهد بود. هیئت مدیره در هر موقع می تواند رئیس و نایب رئیس هیئت مدیره را از سمت های مذکور عزل کند. هر ترتیبی خلاف این ماده مقرر شود کان لم یکن خواهد بود

تبصره ۱ - از نظر اجرای مفاد این ماده شخص حقیقی که بعنوان نماینده شخص حقوقی عضو هیئت مدیره معرفی شده باشد در حکم عضو هیئت مدیره تلقی خواهد شد.

تبصره ۲ - هرگاه رئیس هیئت مدیره موقتاً نتواند وظایف خود را انجام دهد وظایف او را نایب رئیس هیئت مدیره انجام خواهد داد.

ماده ۱۲۰ - رئیس هیئت مدیره علاوه بر دعوت و اداره جلسات هیئت - مدیره موظف است که مجمع عمومی صاحبان سهام را در مواردی که هیئت مدیره مکلف به دعوت آنها می باشد دعوت نماید.

ماده ۱۲۱ - برای تشکیل جلسات هیئت مدیره حضور بیش از نصف اعضاء هیئت مدیره لازم است. تصمیمات باید به اکثریت آراء حاضرین اتخاذ گردد مگر آنکه در اساسنامه اکثریت بیشتری مقرر شده باشد.

ماده ۱۲۲ - ترتیب دعوت و تشکیل جلسات هیئت مدیره را اساسنامه تعیین خواهد کرد. ولی در هر حال عده ای از مدیران که اقلایک سوم اعضاء هیئت مدیره را تشکیل دهند می توانند در صورتی که از تاریخ تشکیل آخرین جلسه هیئت مدیره حداقل یک ماه گذشته باشد با ذکر دستور جلسه هیئت مدیره را دعوت نمایند.

ماده ۱۲۳ - برای هر یک از جلسات هیئت مدیره باید صورت جلسه ای تنظیم و لااقل به امضاء اکثریت مدیران حاضر در جلسه برسد. در صورت جلسات هیئت مدیره نام مدیرانی که حضور دارند یا غایب می باشند و خلاصه ای از مذاکرات و همچنین تصمیمات متخذه در جلسه با قید تاریخ در آن ذکر می گردد. هر یک از مدیران که با تمام یا بعضی از تصمیمات مندرج در صورت جلسه مخالف باشند نظر او باید در صورت جلسه قید شود.

ماده ۱۲۴ - هیئت مدیره باید اقلایک نفر شخص حقیقی را به مدیریت عامل شرکت برگزیند و حدود اختیارات و مدت تصدی و حق الزحمه او را تعیین کند در صورتی که مدیر عامل عضو هیئت مدیره باشد دوره مدیریت عامل او از مدت عضویت او در هیئت مدیره بیشتر نخواهد بود. مدیر عامل شرکت نمی تواند در عین حال رئیس هیئت مدیره همان شرکت باشد مگر با تصویب سه چهارم آراء حاضر در مجمع عمومی .

تبصره - هیئت مدیره در هر موقع می تواند مدیر عامل را عزل نماید.

ماده ۱۲۵ - مدیر عامل شرکت در حدود اختیاراتی که توسط هیئت مدیره به او تفویض شده است نماینده شرکت محسوب و از طرف شرکت حق امضاء دارد.

ماده ۱۲۶ - اشخاص مذکور در ماده ۱۱۱ نمی توانند به مدیریت عامل شرکت انتخاب شوند و همچنین هیچکس نمی تواند در عین حال مدیریت عامل بیش از یک شرکت را داشته باشد. تصمیمات و اقدامات مدیر عاملی که برخلاف مفاد این ماده انتخاب شده است در مقابل صاحبان سهام و اشخاص ثالث معتبر و مسئولیت های سمت مدیریت عامل شامل حال او خواهد شد.



ماده ۱۲۷ - هرکس برخلاف ماده ۱۲۶ به مدیریت عامل انتخاب شود یا پس از انتخاب مشمول ماده مذکور گردد دادگاه شهرستان به تقاضای هر ذینفع حکم عزل او را صادر خواهد کرد و چنین حکمی قطعی خواهد بود.

ماده ۱۲۸ - نام و مشخصات و حدود اختیارات مدیرعامل باید با ارسال نسخه ای از صورت جلسه هیئت مدیره به مرجع ثبت شرکت ها اعلام و پس از ثبت در روزنامه رسمی آگهی شود.  
ماده ۱۲۹ - اعضاء هیئت مدیره و مدیرعامل شرکت و همچنین موسسات و شرکتهائی که اعضاء هیئت مدیره و یا مدیرعامل شرکت شریک یا عضو هیئت مدیره یا مدیرعامل آنها باشند نمی توانند بدون اجازه هیئت مدیره در معاملاتی که با شرکت یا به حساب شرکت می شود بطور مستقیم یا غیر مستقیم طرف معامله واقع و یا سهمی شوند و در صورت اجازه نیز هیئت مدیره مکلف است بازرسی شرکت را از معامله ای که اجازه آن داده شده بلافاصله مطلع نماید و گزارش آن را به اولین مجمع عمومی عادی صاحبان سهام بدهد و بازرسی نیز مکلف است ضمن گزارش خاصی حاوی جزئیات معامله نظر خود را درباره چنین معامله ای به همان مجمع تقدیم کند. عضو هیئت مدیره یا مدیرعامل ذینفع در معامله در جلسه هیئت مدیره و نیز در مجمع عمومی عادی هنگام اخذ تصمیم نسبت به معامله مذکور حق رای نخواهد داشت .

ماده ۱۳۰ - معاملات مذکور در ماده ۱۲۹ در هر حال ولو آنکه توسط مجمع عادی تصویب نشود در مقابل اشخاص ثالث معتبر است مگر در موارد تعدیس و تقلب که شخص ثالث در آن شرکت کرده باشد. در صورتی که بر اثر انجام معامله به شرکت خسارتی وارد آمده باشد جبران خسارت بر عهده هیئت مدیره و مدیرعامل یا مدیران ذینفع و مدیرانی است که اجازه آن را داده اند که همگی آنها متضاماً مسئول جبران خسارات وارده معامله به شرکت می باشند.

ماده ۱۳۱ - در صورتی که معاملات مذکور در ماده ۱۲۹ این قانون بدون اجازه هیئت مدیره صورت گرفته باشد هرگاه مجمع عمومی عادی شرکت آنها را تصویب نکند آن معاملات قابل ابطال خواهد بود و شرکت می تواند تا سه سال از تاریخ انعقاد معامله و در صورتی که معامله مخفیانه انجام گرفته باشد تا سه سال از تاریخ کشف آن بطلان معامله را از دادگاه صلاحیتدار درخواست کند. لیکن در هر حال مسئولیت مدیران و مدیرعامل ذینفع در مقابل شرکت باقی خواهد بود. تصمیم به درخواست بطلان معامله با مجمع عمومی عادی صاحبان سهام است که پس از استماع گزارش بازرسی مشعر بر عدم رعایت تشریفات لازم جهت انجام معامله در این مورد رای خواهد داد. مدیر یا مدیرعامل ذینفع در معامله حق شرکت در رای نخواهد داشت . مجمع عمومی مذکور در این ماده به دعوت هیئت مدیره یا بازرسی شرکت تشکیل خواهد شد.

ماده ۱۳۲ - مدیرعامل شرکت و اعضاء هیئت مدیره به استثناء اشخاص حقوقی حق ندارند هیچگونه وام یا اعتبار از شرکت تحصیل نمایند و شرکت نمی تواند دیون آنان را تضمین یا تعهد کند. اینگونه عملیات بخودی خود باطل است. در مورد بانکها و شرکتهای مالی و اعتباری معاملات مذکور در این ماده به شرط آنکه تحت قیود و شرایط عادی و جاری انجام گیرد معتبر خواهد بود ممنوعیت مذکور در این ماده شامل اشخاصی نیز که به نمایندگی شخص حقوقی عضو هیئت مدیره در جلسات هیئت مدیره شرکت می کنند و همچنین شامل همسر و پدر و مادر و اجداد و اولاد و اولاد و اولاد و برادر و خواهر اشخاص مذکور در این ماده می باشد.

ماده ۱۳۳ - مدیران و مدیرعامل نمی توانند معاملات نظیر معاملات شرکت که متضمن رقابت با عملیات شرکت باشد انجام دهند. هر مدیری که از مقررات این ماده تخلف کند و تخلف او موجب ضرر شرکت گردد مسئول جبران آن خواهد بود منظور از ضرر در این ماده اعم است از ورود خسارت یا تقویت منفعت .

ماده ۱۳۴ - مجمع عمومی عادی صاحبان سهام می تواند با توجه به ساعات حضور اعضاء غیر موظف هیئت مدیره در جلسات هیئت مزبور پرداخت مبلغی را به آنها بطور مقطوع بابت حق حضور آنها در جلسات تصویب کند مجمع عمومی این مبلغ را با توجه به تعداد ساعات و اوقاتی که هر عضو هیئت مدیره در جلسات هیئت حضور داشته است تعیین خواهد کرد. همچنین در صورتی که در اساسنامه پیش بینی شده باشد مجمع عمومی می تواند تصویب کند که نسبت معینی از سود خالص سالانه شرکت بعنوان پاداش به اعضاء هیئت مدیره تخصیص داده شود اعضاء غیر موظف هیئت مدیره حق ندارند بجز آنچه در این ماده پیش بینی شده است در قبالت سمت مدیریت خود بطور مستمر یا غیر مستمر بابت حقوق یا پاداش یا حق الزحمه وجهی از شرکت دریافت کنند.

ماده ۱۳۵ - کلیه اعمال و اقدامات مدیران و مدیرعامل شرکت در مقابل اشخاص ثالث نافذ و معتبر است و نمی توان بعد از عدم اجرای تشریفات مربوط بطرز انتخاب آنها اعمال و اقدامات آنان را غیر معتبر دانست .

ماده ۱۳۶ - در صورت انقضای مدت مأموریت مدیران تا زمان انتخاب مدیران جدید مدیران سابق کماکان مسئول امور شرکت و اداره آن خواهند بود. هر گاه مراجع موظف به دعوت مجمع عمومی به وظیفه خود عمل نکنند هزینه می تواند از مرجع ثبت شرکت ها دعوت مجمع عمومی عادی را برای انتخاب مدیران تقاضا نماید.

ماده ۱۳۷ - هیئت مدیره باید لااقل هر شش ماه یکبار خلاصه صورت دارائی و قروض شرکت را تنظیم کرده به بازرسان بدهد.

ماده ۱۳۸ - هیئت مدیره موظف است بعد از انقضای سال مالی شرکت طرف مهلتی که در اساسنامه پیش بینی شده است مجمع عمومی سالانه را برای تصویب عملیات سال مالی قبل و تصویب ترازنامه و حساب سود و زیان شرکت دعوت نماید.

ماده ۱۳۹ - هر صاحب سهم می تواند از پانزده روز قبل از انعقاد مجمع عمومی در مرکز شرکت بصورت حسابها مراجعه کرده و از ترازنامه و حساب سود و زیان و گزارش عملیات مدیران و گزارش بازرسان رونوشت بگیرد.

ماده ۱۴۰ - هیئت مدیره مکلف است هر سال یک بیستم از سود خالص شرکت را بعنوان اندوخته قانونی موضوع نماید. همین که اندوخته به یک دهم سرمایه شرکت رسید موضوع کردن آن اختیاری است و در صورتی که سرمایه شرکت افزایش یابد کسریک بیستم مذکور ادامه خواهد یافت تا وقتی که اندوخته قانونی به یک دهم سرمایه بالغ گردد.

ماده ۱۴۱ - اگر بر اثر زیانهای وارده حداقل نصف سرمایه شرکت از میان برود هیئت مدیره مکلف است بلافاصله مجمع عمومی فوق العاده صاحبان سهام را دعوت نماید تا موضوع انحلال یا بقاء شرکت مورد شور و رای واقع شود. هرگاه مجمع مزبور رای به انحلال شرکت ندهد باید در همان جلسه و با رعایت مقررات ماده ۱۶ این قانون سرمایه شرکت را به مبلغ سرمایه موجود کاهش دهد. در صورتی که هیئت مدیره برخلاف این ماده به دعوت مجمع عمومی فوق العاده مبادرت ننماید و یا مجمعی که دعوت می شود نتواند مطابق مقررات قانونی منعقد گردد هزینه دینفعی می تواند انحلال شرکت را از دادگاه صلاحیتدار درخواست کند.

ماده ۱۴۲ - مدیران و مدیرعامل شرکت در مقابل شرکت و اشخاص ثالث نسبت به تخلف از مقررات قانونی با اساسنامه شرکت و یا مصوبات مجمع عمومی بر حسب مورد منفردا یا مشترکا مسئول می باشند و دادگاه حدود مسئولیت هر یک را برای جبران خسارت تعیین خواهد نمود.

ماده ۱۴۳ - در صورتی که شرکت ورشکسته شود یا پس از انحلال معلوم شود که دارائی شرکت برای تادیه دیون آن کافی نیست دادگاه صلاحیتدار می تواند تقاضای هزینه هر یک از مدیران و یا مدیرعاملی را که ورشکستگی شرکت یا کافی نبودن دارائی شرکت بنحوی از انحاء معلول تخلفات او بوده است منفردا یا متضامنا به تادیه آن قسمت از دیونی که پرداخت آن از دارائی شرکت ممکن نیست محکوم نماید.

بخش ۷

بازرسان

ماده ۱۴۴ - مجمع عمومی عادی در هر سال یک یا چند بازرس انتخاب می کند تا بر طبق قانون به وظایف خود عمل کنند. انتخاب مجدد بازرس یا بازرسان بلامانع است .

مجمع عمومی عادی در هر موقع می تواند بازرس یا بازرسان را عزل کند به شرط آنکه جانشین آنها را نیز انتخاب نماید.

تبصره - در حوزه هائی که وزارت اقتصاد اعلام می کند وظایف بازرسی شرکتها را در شرکتها سهمی عام اشخاصی می توانند ایفا کنند که نام آنها در فهرست رسمی بازرسان شرکتها درج شده باشد. شرایط تنظیم فهرست و احراز صلاحیت بازرسی در شرکتها سهمی عام و درج نام اشخاص صلاحیتدار در فهرست مذکور و مقررات و تشکیلات شغلی بازرسان تابع آئیننامه ای می باشد که به پیشنهاد وزارت اقتصاد و تصویب کمیسیونهای اقتصاد مجلسین قابل اجرا خواهد بود.

ماده ۱۴۵ - انتخاب اولین بازرس یا بازرسان شرکتها سهمی عام در مجمع عمومی مؤسس و انتخاب اولین بازرس یا بازرسان شرکتها سهمی خاص طبق ماده ۱۲۰ این قانون بعمل خواهد آمد.

ماده ۱۴۶ - مجمع عمومی عادی بایده یک یا چند بازرسی علی البدل نیز انتخاب کند تا در صورت معذورت یافت یا استعفاء یا سلب شرایط یا عدم قبول سمت توسط بازرسی یا بازرسان اصلی جهت انجام وظایف بازرسی دعوت شوند.

ماده ۱۴۷ - اشخاص زیرنمی توانند به سمت بازرسی شرکت سهامی انتخاب شوند -  
۱ - اشخاص مذکور در ماده ۱۱۱ این قانون .

۲ - مدیران و مدیرعامل شرکت .

۳ - ارباب سببی و نسبی مدیران و مدیرعامل تا درجه سوم از طبقه اول و دوم .

۴ - هرکس که خود یا همسرش یا اشخاص مذکور در بند ۲ موظفان حقوق دریافت می دارد.

ماده ۱۴۸ - بازرسی یا بازرسان علاوه بر وظایفی که در سایر مواد این قانون برای آنان مقرر شده است مکلفند درباره صحت و درستی صورت دارائی و صورت حساب دوره عملکرد و حساب سود و زیان ترازنامه ای که مدیران برای تسلیم به مجمع عمومی تهیه می کنند و همچنین درباره صحت مطالب و اطلاعاتی که مدیران در اختیار مجمع عمومی گذاشته اند اظهار نظر کنند. بازرسان بایداطمینان حاصل نمایند که حقوق صاحبان سهام در حدودی که قانون و اساسنامه شرکت تعیین کرده است بطوریکسان رعایت شده باشد و در صورتی که مدیران اطلاعاتی برخلاف حقیقت در اختیار صاحبان سهام قرار دهند بازرسان مکلفند که مجمع عمومی را آگاه سازند.

ماده ۱۵۰ - بازرسی یا بازرسان موظفند با توجه به ماده ۱۴۸ این قانون گزارش جامع را جمع به وضع شرکت به مجمع عمومی عادی تسلیم کنند. گزارش بازرسان بایداقل ده روز قبل از تشکیل مجمع عمومی عادی جهت مراجعه صاحبان سهام در مرکز شرکت آماده باشد.

تبصره - در صورتی که شرکت بازرسان متعدد داشته هر یک می توانند به تنهایی وظایف خود را انجام دهند لیکن کلیه بازرسان باید گزارش واحدی تهیه کنند. در صورت وجود اختلاف نظریین بازرسان موارد اختلاف با ذکر دلیل در گزارش قید خواهد شد.

ماده ۱۵۱ - بازرسی یا بازرسان باید هرگونه تخلف یا تقصیری در امور شرکت از ناحیه مدیران و مدیرعامل مشاهده کنند به اولین مجمع عمومی اطلاع دهند و در صورتی که ضمن انجام ماموریت خود از وقوع جرمی مطلع شوند بایده به مرجع قضائی صلاحیت دار اعلام نموده و نیز جریان را به اولین مجمع عمومی گزارش دهند.

ماده ۱۵۲ - در صورتی که مجمع عمومی بدون دریافت گزارش بازرسی یا بر اساس گزارش اشخاصی که برخلاف ماده ۱۴۷ این قانون بعنوان بازرسی تعیین شده اند صورت دارائی و ترازنامه و حساب سود و زیان شرکت را مورد تصویب قرار دهند این تصویب به هیچوجه اثر قانونی نداشته از درجه اعتبار ساقط خواهد بود.

ماده ۱۵۳ - در صورتی که مجمع بازرسی معین نکرده باشد بایده یک یا چند نفر از بازرسان بعللی نتواند گزارش بدهند یا از دادن گزارش امتناع کنند رئیس دادگاه شهرستان به تقاضای هر ذینفع بازرسی یا بازرسان را به تعداد مقرر در اساسنامه شرکت انتخاب خواهد کرد تا وظایف مربوطه را تا انتخاب بازرسی بوسیله مجمع عمومی انجام دهند. تصمیم رئیس دادگاه شهرستان در این مورد غیر قابل شکایت است .

ماده ۱۵۴ - بازرسی یا بازرسان در مقابل شرکت و اشخاص ثالث نسبت به تخلفاتی که در انجام وظایف خود مرتکب می شوند طبق قواعد عمومی مربوط به مسئولیت مدنی مسئول جبران خسارت وارده خواهند بود.

ماده ۱۵۵ - تعیین حق الزحمه بازرسی با مجمع عمومی عادی است .

ماده ۱۵۶ - بازرسی نمی تواند در معاملات که با شرکت یا به حساب شرکت انجام می گیرد بطور مستقیم یا غیر مستقیم ذینفع شود.

بخش ۸

تغییرات در سرمایه شرکت

ماده ۱۵۷ - سرمایه شرکت را می توان از طریق صدور سهام جدید و یا از طریق بالا بردن مبلغ اسمی سهام موجود افزایش داد.

ماده ۱۵۸ - تادیه مبلغ اسمی سهام جدید به یکی از طریق زیر امکان پذیر است -

۱ - پرداخت مبلغ اسمی به نقد.

۲ - تبدیل مطالبات نقدی حاصل شده اشخاص از شرکت به سهام جدید.

۳ - انتقال سود تقسیم نشده یا اندوخته یا عواید حاصله از اضافه ارزش سهام جدید به سرمایه شرکت .

۴ - تبدیل اوراق قرضه به سهام .

تبصره ۱ - فقط در شرکت سهامی خاص تادیه مبلغ اسمی سهام جدید به غیر نقد نیز مجاز است .  
تبصره ۲ - انتقال اندوخته قانونی به سرمایه ممنوع است .

ماده ۱۵۹ - افزایش سرمایه از طریق بالابردن مبلغ اسمی سهام موجود در صورتی که برای صاحبان سهام ایجاد تعهد کند ممکن نخواهد بود مگر آنکه کلیه صاحبان سهام بآن موافق باشند.  
ماده ۱۶۰ - شرکت می تواند سهام جدید را برابر مبلغ اسمی بفروشد یا این که مبلغی علاوه بر مبلغ اسمی سهم بعنوان اضافه ارزش سهم از خریداران دریافت کند. شرکت می تواند عواید حاصله از اضافه ارزش سهم فروخته شده را به اندوخته منتقل سازد یا نقد این صاحبان سهام سابق تقسیم کنند یا از آن سهام جدید به صاحبان سهام سابق بدهد.

ماده ۱۶۱ - مجمع عمومی فوق العاده به پیشنهاد هیئت مدیره پس از قرائت گزارش بازرسی یا بازرسان شرکت در مورد افزایش سرمایه شرکت اتخاذ تصمیم می کند.

تبصره ۱ - مجمع عمومی فوق العاده که در مورد افزایش سرمایه اتخاذ تصمیم می کند شرایط مربوط به فروش سهام جدید و تادیه قیمت آن را تعیین یا اختیار تعیین آن را به هیئت مدیره واگذار خواهد کرد.

تبصره ۲ - پیشنهاد هیئت مدیره راجع به افزایش سرمایه باید متضمن توجیه لزوم افزایش سرمایه و نیز شامل گزارشی درباره امور شرکت از یک سال مالی در جریان و اگر تان موقع مجمع عمومی نسبت به حسابهای سال مالی قبل تصمیم نگرفته باشد حاکی از وضع شرکت از ابتدای سال مالی قبل باشد گزارش بازرسی یا بازرسان باید شامل اظهار نظر درباره پیشنهاد هیئت مدیره باشد.  
ماده ۱۶۲ - مجمع عمومی فوق العاده می تواند به هیئت مدیره اجازه دهد که طرف مدت معینی که نباید از پنج سال تجاوز کند سرمایه شرکت را تا میزان مبلغ معینی به یکی از طرق مذکور در این قانون افزایش دهد.

ماده ۱۶۳ - هیئت مدیره در هر حال مکلف است در هر نوبت پس از عملی ساختن افزایش سرمایه حداکثر ظرف یک ماه مراتب راضی اصلاح اساسنامه در قسمت مربوط به مقدار سرمایه ثبت شده شرکت به مرجع ثبت شرکتها اعلام کند تا پس از ثبت جهت اطلاع عموم آگهی شود.

ماده ۱۶۴ - اساسنامه شرکت نمی تواند متضمن اختیار افزایش سرمایه برای هیئت مدیره باشد.  
ماده ۱۶۵ - مادام که سرمایه قبلی شرکت تمام تادیه نشده است افزایش سرمایه شرکت تحت هیچ عنوانی مجاز نخواهد بود.

ماده ۱۶۶ - در خرید سهام جدید صاحبان سهام شرکت به نسبت سهامی که مالکند حق تقدم دارند و این حق قابل نقل و انتقال است مهلتی که طی آن سهامداران می توانند حق تقدم مذکور را اعمال کنند کمتر از شصت روز نخواهد بود. این مهلت از روزی که برای پذیره نویسی تعیین می گردد شروع می شود.

ماده ۱۶۷ - مجمع عمومی فوق العاده که افزایش سرمایه را از طریق فروش سهام جدید تصویب می کند یا اجازه آن را به هیئت مدیره می دهد می تواند حق تقدم صاحبان سهام را نسبت به پذیره نویسی تمام یا قسمتی از سهام جدید از آنان سلب کند به شرط آنکه چنین تصمیمی پس از قرائت گزارش هیئت مدیره و گزارش بازرسی یا بازرسان شرکت اتخاذ گردد و اگر نه باطل خواهد بود.  
تبصره - گزارش هیئت مدیره مذکور در این ماده باید مشتمل بر توجیه لزوم افزایش سرمایه و سلب حق تقدم از سهامداران و معرفی شخص یا اشخاصی که سهام جدید برای تخصیص به آنها در نظر گرفته شده است و تعداد و قیمت این گونه سهام و عواملی که در تعیین قیمت در نظر گرفته شده است باشد. گزارش بازرسی یا بازرسان باید حاکی از تایید عوامل و جهاتی باشد که در گزارش هیئت مدیره ذکر شده است .

ماده ۱۶۸ - در مورد ماده ۱۶۷ چنانچه سلب حق تقدم در پذیره نویسی سهام جدید از بعضی از صاحبان سهام به نفع بعض دیگر انجام می گیرد سهامدارانی که سهام جدید برای تخصیص به آنها در نظر گرفته شده است حق ندارند در اخذ رای در باره سلب حق تقدم سایر سهامداران شرکت کنند. در احتساب حد نصاب رسمیت جلسه و اکثریت لازم جهت معتبر بودن تصمیمات مجمع عمومی سهام سهامدارانی که سهام جدید برای تخصیص به آنها در نظر گرفته شده است به حساب نخواهد آمد.

ماده ۱۶۹ - در شرکتهای سهامی خاص پس از اتخاذ تصمیم راجع به افزایش سرمایه از طریق انتشار سهام جدید باید مراتب از طریق نشر آگهی در روزنامه کثیرالانتشاری که آگهی های مربوط به شرکت در آن نشر می گردد به اطلاع صاحبان سهام برسد در این آگهی باید اطلاعات مربوط به مبلغ افزایش سرمایه و مبلغ اسمی سهام جدید و حسب مورد مبلغ اضافه ارزش سهم و تعداد سهامی که هر صاحب سهم نسبت به سهام خود حق تقدم در خرید آنها را دارد و مهلت پذیره نویسی و نحوه پرداخت ذکر شود. در صورتی که برای سهام جدید شرایط خاصی در نظر گرفته شده باشد چگونگی این شرایط در آگهی قید خواهد شد.

ماده ۱۷۰ - در شرکتهای سهامی عام پس از اتخاذ تصمیم راجع به افزایش سرمایه از طریق انتشار سهام جدید باید آگهی به نحو مذکور در ماده ۱۶۹ منتشر و در آن قید شود که صاحبان سهام بی نام برای دریافت گواهی نامه حق خرید سهامی که حق تقدم در خرید آن را دارند ظرف مدت معین که نباید کمتر از بیست روز باشد به مراکزی که از طرف شرکت تعیین و در آگهی قید شده است مراجعه کنند. برای صاحبان سهام بانام گواهی نامه های حق خرید باید توسط پست سفارشی ارسال گردد.

ماده ۱۷۱ - گواهی نامه حق خرید سهم مذکور در ماده فوق باید مشتمل بر نکات زیر باشد -  
۱ - نام و شماره ثبت و مرکز اصلی شرکت .

۲ - مبلغ سرمایه فعلی و همچنین مبلغ افزایش سرمایه شرکت .

۳ - تعداد و نوع سهامی که دارنده گواهی نامه حق خرید آن را دارد با ذکر مبلغ اسمی سهم و حسب مورد مبلغ اضافه ارزش آن .

۴ - نام بانک و مشخصات حساب سپرده ای که وجوه لازم باید در آن پرداخته شود.

۵ - مهلتی که طی آن دارنده گواهی نامه می تواند از حق خرید مندرج در گواهی نامه استفاده کند.

۶ - هرگونه شرایط دیگری که برای پذیره نویسی مقرر شده باشد.

تبصره - گواهی نامه حق خرید سهم باید به همان ترتیبی که برای امضای اوراق سهام شرکت مقرر است به امضاء برسد

ماده ۱۷۲ - در صورتی که حق تقدم در پذیره نویسی سهام جدید از صاحبان سهام سلب شده باشد یا صاحبان سهام از حق تقدم خود ظرف مهلت مقرر استفاده نکنند حسب مورد تمام یا باقیمانده سهام جدید عرضه و به متقاضیان فروخته خواهد شد.

ماده ۱۷۳ - شرکتهای سهامی عام باید قبل از عرضه کردن سهام جدید برای پذیره نویسی عمومی ابتدا طرح اعلامیه پذیره نویسی سهام جدید را به مرجع ثبت شرکتها تسلیم و رسید دریافت کنند.

ماده ۱۷۴ - طرح اعلامیه پذیره نویسی مذکور در ماده ۱۷۳ باید به امضای دارندگان امضای مجاز شرکت رسیده و مشتمل بر نکات زیر باشد -

۱ - نام و شماره ثبت شرکت .

۲ - موضوع شرکت و نوع فعالیت های آن .

۳ - مرکز اصلی شرکت و در صورتی که شرکت شعبی داشته باشد نشانی شعب آن

۴ - در صورتی که شرکت برای مدت محدود تشکیل شده باشد تاریخ انقضاء مدت آن .

۵ - مبلغ سرمایه شرکت قبل از افزایش سرمایه .

۶ - اگر سهام ممتاز منتشر شده باشد تعداد و امتیازات آن .

۷ - هویت کامل اعضای هیئت مدیره و مدیر عامل شرکت .

۸ - شرایط حضور و حق رای صاحبان سهام در مجمع عمومی .

۹ - مقررات اساسنامه راجع به تقسیم سود و تشکیل اندوخته و تقسیم دارائی .

۱۰ - مبلغ و تعداد اوراق قرضه قابل تبدیل به سهم که شرکت منتشر کرده است و مهلت و شرایط تبدیل اوراق قرضه به سهم .

۱۱ - مبلغ بازپرداخت نشده انواع دیگر اوراق قرضه ای که شرکت منتشر کرده است و تضمینات مربوط به آن .

۱۲ - مبلغ دیون شرکت و همچنین مبلغ دیون اشخاص ثالث که توسط شرکت تضمین شده است .

۱۳ - مبلغ افزایش سرمایه .

۱۴ - تعداد و نوع سهام جدیدی که صاحبان سهام با استفاده از حق تقدم خود تعهد کرده اند.

۱۵ - تاریخ شروع و خاتمه مهلت پذیره نویسی .

۱۶ - مبلغ اسمی و نوع سهامی که باید تعهد شود و حسب مورد مبلغ اضافه ارزش سهم .

- ۱۷ - حداقل تعداد سهامی که هنگام پذیره نویسی باید تعهد شود.
- ۱۸ - نام بانک و مشخصات حساب سپرده ای که وجوه لازم باید در آن پرداخته شود.
- ۱۹ - ذکر نام روزنامه کثیرالانتشاری که اطلاعیه ها و آگهی های شرکت در آن نشر می شود.
- ماده ۱۷۵ - آخرین ترازنامه و حساب سود و زیان شرکت که به تصویب مجمع عمومی رسیده است باید ضمیمه طرح اعلامیه پذیره نویسی سهام جدید به مرجع ثبت شرکتها تسلیم گردد و در صورتی که شرکت تا آن موقع ترازنامه و حساب سود و زیان تنظیم نکرده باشد این نکته باید در طرح اعلامیه پذیره نویسی قید شود.
- ماده ۱۷۶ - مرجع ثبت شرکتها پس از وصول طرح اعلامیه پذیره نویسی و ضامین آن و تطبیق مندرجات آنها با مقررات قانونی اجازه انتشار اعلامیه پذیره نویسی سهام جدید را صادر خواهد نمود.
- ماده ۱۷۷ - اعلامیه پذیره نویسی سهام جدید علاوه بر روزنامه کثیرالانتشاری که آگهی های شرکت در آن نشر می گردد اقل در روزنامه کثیرالانتشار دیگر آگهی شود و نیز در بانکی که تعهد سهام در نزد آن بعمل می آید در معرض دید علاقمندان قرار داده شود. در اعلامیه پذیره نویسی باید قید شود که آخرین ترازنامه و حساب سود و زیان شرکت که به تصویب مجمع عمومی رسیده است در نزد مرجع ثبت شرکتها و در مرکز شرکت برای مراجعه علاقمندان آماده است .
- ماده ۱۷۸ - خریداران طرف مهلتی که در اعلامیه پذیره نویسی سهام جدید معین شده است و نباید از دو ماه کمتر باشد به بانک مراجعه و ورقه تعهد سهام را امضاء کرده و مبلغی را که باید پرداخته شود تادیه و رسید دریافت خواهند کرد. ماده ۱۷۹ - پذیره نویسی سهام جدید به موجب ورقه تعهد خرید سهام که باید شامل نکات زیر باشد بعمل خواهد آمد -
- ۱ - نام و موضوع و مرکز اصلی و شماره ثبت شرکت .
  - ۲ - سرمایه شرکت قبل از افزایش سرمایه .
  - ۳ - مبلغ افزایش سرمایه .
  - ۴ - شماره و تاریخ اجازه انتشار اعلامیه پذیره نویسی سهام جدید و مرجع صدور آن .
  - ۵ - تعداد و نوع سهامی که مورد تعهد واقع می شود و مبلغ اسمی آن .
  - ۶ - نام بانک و شماره حسابی که بهای سهم در آن پرداخته می شود.
  - ۷ - هویت و نشانی کامل پذیره نویس .
- ماده ۱۸۰ - مقررات مواد ۱۵۱ و ۱۵۲ این قانون در مورد تعهد خرید سهام جدید نیز حاکم است .
- ماده ۱۸۱ - پس از گذشتن مهلتی که برای پذیره نویسی معین شده است و در صورت تمدید بعد از انقضای مدت تمدید شده هیئت مدیره حداکثر تا یک ماه به تعهدات پذیره نویسان رسیدگی کرده و تعداد سهام هر یک از تعهدکنندگان را تعیین و اعلام و مراتب را جهت ثبت و آگهی به مرجع ثبت شرکتها اطلاع خواهد داد.
- هرگاه پس از رسیدگی به اوراق پذیره نویسی مقدار سهام خریداری شده بیش از میزان افزایش سرمایه باشد هیئت مدیره مکلف است ضمن تعیین تعداد سهام هر خریدار دستور استرداد وجه سهام اضافه خریداری شده را به بانک مربوط بدهد.
- ۱۸۲ - هرگاه افزایش سرمایه شرکت تا نه ماه از تاریخ تسلیم طرح اعلامیه پذیره نویسی مذکور در ماده ۱۷۴ به مرجع ثبت شرکتها به ثبت نرسیده درخواست هر یک از پذیره نویسان سهام جدید مرجع ثبت شرکت که طرح اعلامیه نویسی به آن تسلیم شده است گواهی نامه ای حاکی از عدم ثبت افزایش سرمایه شرکت صادر به بانکی که تعهد سهام و تادیه وجوه در آن بعمل آمده است ارسال می دارد تا اشخاصی که سهام جدید را پذیره نویسی کرده اند به بانک مراجعه و وجوه پرداختی خود را مسترد دارند. در این صورت هرگونه هزینه ای که برای افزایش سرمایه شرکت پرداخت یا تعهد شده باشد به عهده شرکت قرار می گیرد.
- ماده ۱۸۳ - برای ثبت افزایش سرمایه شرکتها سهامی خاص فقط تسلیم اظهارنامه به ضمیمه مدارک زیر به مرجع ثبت شرکتها کافی خواهد بود.
- ۱ - صورت جلسه مجمع عمومی فوق العاده که افزایش سرمایه را تصویب نموده و با اجازه آن راه هیئت مدیره داده است و در صورت اخیر صورت جلسه هیئت مدیره که افزایش سرمایه را مورد تصویب قرار داده است .
  - ۲ - يك نسخه از روزنامه ای که آگهی مذکور در ماده ۱۹۶ این قانون در آن نشر گردیده است .
  - ۳ - اظهارنامه مشعر بر فروش کلیه سهام جدید و در صورتی که سهام جدید امتیازاتی داشته باشد باید به شرح امتیازات و موجبات آن در اظهارنامه قید شود.

۴ - در صورتی که قسمتی از افزایش سرمایه بصورت غیر نقد باشد باید تمام قسمت غیر نقد تحویل گردیده و با رعایت ماده ۸۲ این قانون به تصویب مجمع عمومی فوق العاده رسیده باشد مجمع عمومی فوق العاده در این مورد با حضور صاحبان سهام شرکت و پذیره نویسان سهام جدید تشکیل شده و رعایت مقررات مواد ۷۷ لغایت ۸۱ این قانون در آن قسمت که به آورده غیر نقد مربوط می شود الزامی خواهد بود و بیک نسخه از صورت جلسه مجمع عمومی فوق العاده باید اظهارنامه مذکور در این ماده ضمیمه شود.

تبصره - اظهارنامه های مذکور در این ماده باید به امضاء کلیه اعضای هیئت مدیره رسیده باشد. ماده ۱۸۴ - وجوهی که به حساب افزایش سرمایه تادیه می شود باید در حساب سپرده مخصوصی نگاهداری شود تا مین و توقیف و انتقال وجوه مزبور به حساب های شرکت ممکن نیست مگر پس از به ثبت رسیدن افزایش سرمایه شرکت. ماده ۱۸۵ - در صورتی که مجمع عمومی فوق العاده صاحبان سهام افزایش سرمایه شرکت را از طریق تبدیل مطالبات نقدی حال شده اشخاص از شرکت تصویب کرده باشد سهام جدیدی که در نتیجه اینگونه افزایش سرمایه صادر خواهد شد با امضاء و رقه خرید سهام توسط طلبکارانی که مایل به پذیره نویسی سهام جدید باشند انجام می گیرد.

ماده ۱۸۶ - در رقه خرید سهام مذکور در ماده ۱۸۵ نکات مندرج در بندهای ۱ و ۲ و ۳ و ۴ و ۵ و ۷ و ۸ و ۹ باید قید شود.

ماده ۱۸۷ - در مورد ماده ۱۸۵ پس از انجام پذیره نویسی باید در موقع به ثبت رسانیدن افزایش سرمایه در مرجع ثبت شرکتها صورت کاملی از مطالبات نقدی حال شده، بستانکاران پذیره نویس را که به سهام شرکت تبدیل شده است به ضمیمه رونوشت اسناد و مدارک حاکی از تصفیه آنگونه مطالبات که بازرسان شرکت صحت آن را تایید کرده باشند همراه با صورت جلسه مجمع عمومی فوق العاده و اظهارنامه هیئت مدیره مشعر بر اینکه کلیه این سهام خریداری شده و بهای آن دریافت شده است به مرجع ثبت شرکتها تسلیم شود.

ماده ۱۸۸ - در موردی که افزایش سرمایه از طریق بالا بردن مبلغ اسمی سهام موجود صورت می گیرد کلیه افزایش سرمایه باید نقد پرداخت شود و نیز سهام جدیدی که در قبال افزایش سرمایه صادر می شود هنگام پذیره نویسی بر حسب مورد کلا پرداخت یا تها تر شود.

ماده ۱۸۹ - علاوه بر کاهش اجباری سرمایه مذکور در ماده ۱۴۱ مجمع عمومی فوق العاده شرکت می تواند به پیشنهاد هیئت مدیره در مورد کاهش سرمایه شرکت بطور اختیاری اتخاذ تصمیم کند مشروط بر آنکه بر اثر کاهش سرمایه به تساوی حقوق صاحبان سهام لطمه ای وارد نشود و سرمایه شرکت از حداقل مقرر در ماده ۵ این قانون کمتر نگردد. تبصره - کاهش اجباری سرمایه از طریق کاهش تعداد یا مبلغ اسمی سهام صورت میگیرد و کاهش اختیاری سرمایه از طریق کاهش بهای اسمی سهام به نسبت متساوی و در مبلغ کاهش یافته هر سهم به صاحب آن انجام می گیرد.

ماده ۱۹۰ - پیشنهاد هیئت مدیره راجع به کاهش سرمایه باید حداقل چهل و پنج روز قبل از تشکیل مجمع عمومی فوق العاده به بازرسان یا بازرسان شرکت تسلیم گردد. پیشنهاد مزبور باید متضمن توجیه لزوم کاهش سرمایه و همچنین شامل گزارش درباره امور شرکت از بدو سال مالی در جریان و اگر تا آن موقع مجمع عمومی نسبت به حسابهای سال مالی قبل تصمیم نگرفته باشد حاکی از وضع شرکت از ابتدای سال مالی قبل باشد.

ماده ۱۹۱ - بازرسان یا بازرسان شرکت پیشنهاد هیئت مدیره را مورد رسیدگی قرار داده و نظر خود را طی گزارش به مجمع عمومی فوق العاده تسلیم خواهند نمود و مجمع عمومی پس از استماع گزارش بازرسان تصمیم خواهد گرفت.

ماده ۱۹۲ - هیئت مدیره قبل از اقدام به کاهش اختیاری سرمایه باید تصمیم مجمع عمومی را درباره کاهش حد اکثر ظرف یک ماه در روزنامه کثیرالانتشاری که آگهی های مربوط به شرکت در آن نشر می گردد آگهی کند.

ماده ۱۹۳ - در مورد کاهش اختیاری سرمایه شرکت هر یک از دارندگان اوراق قرضه و بایستکارانی که منشاء طلب آنها قبل از تاریخ نشر آخرین آگهی مذکور در ماده ۱۹۲ باشد می توانند ظرف دو ماه از تاریخ نشر آخرین آگهی اعتراض خود را نسبت به کاهش سرمایه شرکت به دادگاه تقدیم کنند.

ماده ۱۹۴ - در صورتی که بنظر دادگاه اعتراض نسبت به کاهش سرمایه وارد تشخیص شود و شرکت جهت تامین پرداخت طلب معترض وثیقه ای که بنظر دادگاه کافی باشد نسپارد در این صورت آن دین حال شده و دادگاه به پرداخت آن خواهد داد.

ماده ۱۹۵ - در مهلت دوماه مذکور در ماده ۱۹۳ و همچنین در صورتی که اعتراضی شده باشد تا خاتمه اجرای حکم قطعی دادگاه شرکت از کاهش سرمایه ممنوع است .

ماده ۱۹۶ - برای کاهش بهای اسمی سهام شرکت و رد مبلغ کاهش یافته هر سهم هیئت مدیره شرکت باید مراتب را طی اطلاعیه ای به اطلاع کلیه صاحبان سهام برساند . اطلاعیه شرکت باید در روزنامه کثیرالانتشاری که آگهی های مربوط به شرکت در آن نشر می گردد منتشر شود و برای صاحبان سهام بانام توسط پست سفارشی ارسال گردد.

ماده ۱۹۷ - اطلاعیه مذکور در ماده ۱۹۶ باید مشتمل بر نکات زیر باشد -

- ۱ - نام و نشانی مرکز اصلی شرکت .
- ۲ - مبلغ سرمایه شرکت قبل از اتخاذ تصمیم در مورد کاهش سرمایه .
- ۳ - مبلغی که هر سهم به آن میزان کاهش می یابد یا بهای اسمی هر سهم پس از کاهش .
- ۴ - نحوه پرداخت و مهلتی که برای بازپرداخت مبلغ کاهش یافته هر سهم در نظر گرفته شده و محلی که در آن این بازپرداخت انجام می گیرد.

ماده ۱۹۸ - خرید سهام شرکت توسط همان شرکت ممنوع است .

بخش ۹

انحلال و تصفیه

ماده ۱۹۹ - شرکت سهامی در موارد زیر منحل می شود -

- ۱ - وقتی که شرکت موضوعی را که برای آن تشکیل شده است انجام داده یا انجام آن غیرممکن شده باشد.
  - ۲ - در صورتی که شرکت برای مدت معین تشکیل گردیده و آن مدت منقضی شده باشد مگر اینکه مدت قبل از انقضاء تمدید شده باشد.
  - ۳ - در صورت ورشکستگی .
  - ۴ - در هر موقع که مجمع عمومی فوق العاده صاحبان سهام بهر علتی رای به انحلال شرکت بدهد.
  - ۵ - در صورت صدور حکم قطعی دادگاه .
- ماده ۲۰۰ - انحلال شرکت در صورت ورشکستگی تابع مقررات مربوط به ورشکستگی است .
- ۱ - در صورتی که تا یکسال پس از به ثبت رسیدن شرکت هیچ اقدامی جهت انجام موضوع آن صورت نگرفته باشد و نیز در صورتی که فعالیتهای شرکت در مدت بیش از یکسال متوقف شده باشد.
  - ۲ - در صورتی که مجمع عمومی سالانه برای رسیدگی به حساب های هر یک از سالهای مالی تاده ماه از تاریخی که اساسنامه معین کرده است تشکیل نشده باشد ۳ - در صورتی که سمت تمام یا بعضی از اعضای هیئت مدیره و همچنین سمت مدیرعامل شرکت طی مدتی زائد بر ششماه بلامتصدی مانده باشد.
  - ۴ - در مورد بندهای یک و دو ماده ۱۹۹ در صورتی که مجمع عمومی فوق العاده صاحبان سهام جهت اعلام انحلال شرکت تشکیل نشود و برای به انحلال شرکت ندهد. ماده ۲۰۲ - در مورد بندهای یک و دو و سه ماده ۲۰۱ دادگاه بلافاصله بر حسب مورد به مراجعی که طبق اساسنامه و این قانون صلاحیت اقدام دارند مهلت متناسبی که حداکثر از ششماه تجاوز نکند می دهد تا در رفع موجبات انحلال اقدام نمایند.
- در صورتی که ظرف مهلت مقرر موجبات انحلال رفع نشود دادگاه حکم به انحلال شرکت می دهد.
- ماده ۲۰۳ - تصفیه امور شرکتهای سهامی با رعایت مقررات این قانون انجام می گیرد. مگر در مورد ورشکستگی که تابع مقررات مربوط به ورشکستگی می باشد.
- ماده ۲۰۴ - امر تصفیه با مدیران شرکت است مگر آنکه اساسنامه شرکت یا مجمع عمومی فوق العاده ای که رای به انحلال می دهد ترتیب دیگری مقرر داشته باشد.
- ماده ۲۰۵ - در صورتی که بهر علت مدیر تصفیه تعیین نشده باشد یا تعیین شده ولی به وظایف خود عمل نکند هر ذینفع حق دارد تعیین مدیر تصفیه را از دادگاه بخواهد در مواردی نیز که انحلال شرکت به موجب حکم دادگاه صورت می گیرد مدیر تصفیه را دادگاه ضمن صدور حکم انحلال شرکت تعیین خواهد نمود.



ماده ۲۰۶ - شرکت به محض انحلال در حال تصفیه محسوب می شود و باید در دنبال نام شرکت همه جابجارت "در حال تصفیه" ذکر شود و نام مدیران تصفیه در کلیه اوراق و آگهی های مربوط به شرکت قید گردد.

ماده ۲۰۷ - نشانی مدیران تصفیه همان نشانی مرکز اصلی شرکت خواهد بود مگر آنکه بموجب تصمیم مجمع عمومی فوق العاده یا حکم دادگاه نشانی دیگری تعیین شده باشد.

ماده ۲۰۸ - ناخاتمه امر تصفیه شخصیت حقوقی شرکت جهت انجام امور مربوط به تصفیه باقی خواهد ماند و مدیران تصفیه موظف به خاتمه دادن کارهای جاری و اجرای تعهدات و وصول مطالبات و تقسیم دارائی شرکت می باشند و هرگاه برای اجرای تعهدات شرکت معاملات جدیدی لازم شود مدیران تصفیه انجام خواهند داد.

ماده ۲۰۹ - تصمیم راجع به انحلال و اسامی مدیران تصفیه و نشانی آنها با رعایت ماده ۱۲۰۷ این قانون باید ظرف پنج روز از طرف مدیران تصفیه به مرجع ثبت شرکت اعلام شود تا پس از ثبت برای اطلاع عموم در روزنامه رسمی و روزنامه های کثیرالانتشاری که اطلاعیه ها و آگهی های مربوط به شرکت در آن نشر می گردد آگهی شود در مدت تصفیه منظور از روزنامه کثیرالانتشار روزنامه کثیرالانتشاری است که توسط آخرین مجمع عمومی عادی قبل از انحلال تعیین شده است .

ماده ۲۱۰ - انحلال شرکت مادام که به ثبت نرسیده و اعلان نشده باشد نسبت به اشخاص ثالث بلااثر است .

ماده ۲۱۱ - از تاریخ تعیین مدیران تصفیه اختیارات مدیران شرکت خاتمه یافته و تصفیه شرکت شروع می شود. مدیران تصفیه باید کلیه اموال و دفاتر و اوراق و اسناد مربوط به شرکت را تحویل گرفته بلافاصله امر تصفیه شرکت را عهده دار شوند.

ماده ۲۱۲ - مدیران تصفیه نماینده شرکت در حال تصفیه بوده و کلیه اختیارات لازم را جهت امر تصفیه حتی از طریق طرح دعوی و ارجاع به دایره و حق سازش دارایی باشند و می توانند برای طرح دعاوی و دفاع از دعاوی وکیل تعیین نمایند. محدود کردن اختیارات مدیران تصفیه باطل و کان لم یکن است .

ماده ۲۱۳ - انتقال دارائی شرکت در حال تصفیه کلاً یا بعضاً به مدیران تصفیه و یا به اقارب آنها از طبقه اول و دوم تدریجاً چهارم ممنوع است . هر نقل و انتقال که برخلاف مفاد این ماده انجام گیرد باطل خواهد بود.

ماده ۲۱۴ - مدت مأموریت مدیران تصفیه نباید از دو سال تجاوز کند. اگر تا پایان مأموریت مدیران تصفیه امر تصفیه خاتمه نیافته باشد مدیران تصفیه باید ذکر علل و جهات خاتمه نیافتن تصفیه امور شرکت مهلت اضافی را که برای خاتمه دادن به امر تصفیه لازم می دانند و تدابیری را که جهت پایان دادن به امر تصفیه در نظر گرفته اند به اطلاع مجمع عمومی صاحبان سهام رسانیده تمدید مدت مأموریت خود را خواستار شوند.

ماده ۲۱۵ - هرگاه مدیران تصفیه توسط دادگاه تعیین شده باشند تمدید مدت مأموریت آنان با رعایت شرایط مندرج در ماده ۲۱۴ با دادگاه خواهد بود.

ماده ۲۱۶ - مدیران تصفیه توسط همان مرجعی که آنان را انتخاب کرده است قابل عزل می باشند.

ماده ۲۱۷ - مادام که امر تصفیه خاتمه نیافته است مدیران تصفیه باید همه ساله مجمع عمومی عادی صاحبان سهام شرکت را با رعایت شرایط و تشریفات که در قانون و اساسنامه پیش بینی شده است دعوت کرده صورت دارائی منقول و غیر منقول و ترازنامه و حساب سود و زیان عملیات خود را به ضمیمه گزارشی حاکی از اعمالی که تا آن موقع انجام داده اند به مجمع عمومی مذکور تسلیم کنند

ماده ۲۱۸ - در صورتی که بموجب اساسنامه شرکت یا تصمیم مجمع عمومی صاحبان سهام برای دوره تصفیه یک یا چند ناظر معین شده باشد ناظر باید به عملیات مدیران تصفیه رسیدگی کرده گزارش خود را به مجمع عمومی عادی صاحبان سهام تسلیم کند.

ماده ۲۱۹ - در مدت تصفیه دعوت مجمع عمومی در کلیه موارد بعهده مدیران تصفیه است . هرگاه مدیران تصفیه به این تکلیف عمل نکنند ناظر مکلف به دعوت مجمع عمومی خواهد بود و در صورتی که ناظر نیز به تکلیف خود عمل نکند ناظر پیش بینی یامعین نشده باشد دادگاه به تقاضای هر ذینفع حکم به تشکیل مجمع عمومی خواهد داد.

ماده ۲۲۰ - صاحبان سهام حق دارند مانند زمان قبل از انحلال شرکت از عملیات و حسابها درآمدت تصفیه کسب اطلاع کنند.

ماده ۲۲۱ - درآمدت تصفیه مقررات راجع به دعوت و تشکیل مجامع عمومی و شرایط حدنصاب و اکثریت مجامع مانند زمان قبل از انحلال باید رعایت شود و هرگونه دعوتنامه و اطلاعیه ای که مدیران تصفیه برای صاحبان سهام منتشر می کنند باید در روزنامه کثیرالانتشاری که اطلاعیه ها و آگهی های مربوط به شرکت در آن درج می گردد منتشر شود.

ماده ۲۲۲ - در مواردی که بموجب این قانون مدیران تصفیه مکلف به دعوت مجامع عمومی و تسلیم گزارش کارهای خود می باشند هرگاه مجمع عمومی مورد نظر دومرتبه با رعایت تشریفات مقرر در این قانون دعوت شده ولی تشکیل نگردد و یا اینکه تشکیل شده و نتواند تصمیم بگیرد مدیران تصفیه باید گزارش خود و صورت حسابهای مقرر در ماده ۲۱۷ این قانون را در روزنامه کثیرالانتشاری که اطلاعیه ها و آگهی های مربوط به شرکت در آن درج می گردد برای اطلاع عموم سهامداران منتشر کنند.

ماده ۲۲۳ - آن قسمت از دارائی نقدی شرکت که درآمدت تصفیه مورد احتیاج نیست بین صاحبان سهام به نسبت سهام تقسیم می شود به شرط آنکه حقوق بستانکاران ملحوظ و معادل دیونی که هنوز موعودتادیه آن نرسیده است موضوع شده باشد.

ماده ۲۲۴ - پس از ختم تصفیه و انجام تعهدات و تادیه کلیه دین دارائی شرکت بدوایه مصرف باز پرداخت مبلغ اسمی سهام به سهامداران خواهد رسید و مازاد به ترتیب مقرر در اساسنامه شرکت و در صورتی که اساسنامه ساکت باشد به نسبت سهام بین سهامداران تقسیم خواهد شد.

ماده ۲۲۵ - تقسیم دارائی شرکت بین صاحبان سهام خواه درآمدت تصفیه و خواه پس از آن ممکن نیست مگر آنکه شروع به تصفیه و دعوت بستانکاران قبلاسه مرتبه و هر مرتبه به فاصله یک ماه در روزنامه رسمی و روزنامه کثیرالانتشاری که اطلاعیه ها و آگهی های مربوط به شرکت در آن درج می گردد آگهی شده و لااقل ششماه از تاریخ انتشار اولین آگهی گذشته باشد.

ماده ۲۲۶ - تخلف از ماده ۲۲۵ مدیران تصفیه راسئول خسارت بستانکارانی قرار خواهد داد که طلب خود را دریافت نکرده اند.

ماده ۲۲۷ - مدیران تصفیه مکلفند ظرف یکماه پس از ختم تصفیه مراتب را به مرجع ثبت شرکتها اعلام دارند تا به ثبت رسیده و در روزنامه رسمی و روزنامه کثیرالانتشاری که اطلاعیه ها و آگهی های مربوط به شرکت در آن درج می گردد آگهی شود و نام شرکت از دفتر ثبت شرکتها و دفتر ثبت تجارتي حذف گردد.

ماده ۲۲۸ - پس از اعلام ختم تصفیه مدیران تصفیه باید وجوهی را که باقی مانده است در حساب مخصوصی نزد یکی از بانکهای ایران تودیع و صورت اسمی بستانکاران و صاحبان سهامی را که حقوق خود را استیفاء نکرده اند نیز به آن بانک تسلیم و مراتب را طی آگهی مذکور در همان ماده به اطلاع اشخاص ذینفع برسانند تا برای گرفتن طلب خود به بانک مراجعه کنند. پس از انقضای دهسال از تاریخ انتشار آگهی ختم تصفیه هر مبلغ از وجوه که در بانک باقی مانده باشد در حکم مال بلاصاحب بوده و از طرف بانک با اطلاع دادستان شهرستان محل به خزانه دولت منتقل خواهد شد.

ماده ۲۲۹ - دفاتر و سایر اسناد و مدارک شرکت تصفیه شده باید تا دهسال از تاریخ اعلام ختم تصفیه محفوظ بماند به این منظور مدیران تصفیه باید مقارن اعلام ختم تصفیه به مرجع ثبت شرکتها و دفاتر و اسناد و مدارک مذکور را نیز به مرجع ثبت شرکتها تحویل دهند تا نگهداری و برای مراجعه اشخاص ذینفع آماده باشد.

ماده ۲۳۰ - در صورتی که مدیر تصفیه قصد استعفا از سمت خود را داشته باشد باید مجمع عمومی عادی صاحبان سهام شرکت راجع به اعلام استعفای خود و تعیین جانشین دعوت نماید. در صورتی که مجمع عمومی عادی مزبور تشکیل نشود یا نتواند مدیر تصفیه جدیدی را انتخاب کند و نیز هرگاه مدیر تصفیه توسط دادگاه تعیین شده باشد مدیر تصفیه مکلف است که قصد استعفای خود را به دادگاه اعلام کند و تعیین مدیر تصفیه جدید را از دادگاه بخواهد. در هر حال استعفای مدیر تصفیه تا هنگامی که جانشین او به ترتیب مذکور در این ماده انتخاب نشده و مراتب طبق ماده ۲۰۹ این قانون ثبت و آگهی نشده باشد کما لم یکن است.

ماده ۲۳۱ - در صورت فوت یا حجر یا ورشکستگی مدیر تصفیه اگر مدیران تصفیه متعدد باشند و مدیر تصفیه متوفی یا محجور یا ورشکسته توسط مجمع عمومی شرکت انتخاب شده

باشد مدیریا مدیران تصفیه باقیمانده باید مجمع عمومی عادی شرکت را جهت انتخاب جانشین مدیریت تصفیه متوفی یا محجور یا ورشکسته دعوت نماید و در صورتی که مجمع عمومی عادی مزبور تشکیل نشود یا نتواند جانشین مدیریت تصفیه متوفی یا محجور یا ورشکسته را انتخاب کند یا در صورتی که مدیریت تصفیه متوفی یا محجور یا ورشکسته توسط دادگاه تعیین شده باشد مدیریا مدیران تصفیه باقیمانده مکلفند تعیین جانشین مدیریت تصفیه متوفی یا محجور یا ورشکسته را از دادگاه بخواهند.

اگر امر تصفیه منحصر بعهده يك نفر باشد در صورت فوت یا حجر یا ورشکستگی مدیریت تصفیه در صورتی که مدیریت تصفیه توسط مجمع عمومی شرکت انتخاب شده باشد هر ذینفع می تواند از مرجع ثبت شرکتها بخواهد که مجمع عمومی عادی صاحبان سهام شرکت را جهت تعیین جانشین مدیریت تصفیه مذکور دعوت نماید و در صورتی که مجمع عمومی عادی مزبور تشکیل نگردد یا نتواند جانشین مدیریت تصفیه را انتخاب نماید یا در صورتی که مدیریت تصفیه متوفی یا محجور یا ورشکسته توسط دادگاه تعیین شده باشد هر ذینفع می تواند تعیین جانشین را از دادگاه بخواهد.

بخش ۱۰

حسابهای شرکت

ماده ۲۳۲ - هیئت مدیره شرکت باید پس از انقضای سال مالی صورت دارائی و دیون شرکت را در پایان سال و همچنین ترازنامه و حساب عملکرد و حساب سود و زیان شرکت را به ضمیمه گزارشی درباره فعالیت و وضع عمومی شرکت طی سال مالی مزبور تنظیم کند. اسناد مذکور در این ماده باید اقلابست روز قبل از تاریخ مجمع عمومی عادی سالانه در اختیار بازرسان گذاشته شود. ماده ۲۳۳ - در تنظیم حساب عملکرد و حساب سود و زیان و ترازنامه شرکت باید همان شکل و روشهای ارزیابی که در سال مالی قبل از آن بکار رفته است رعایت شود، با وجود این در صورتی که تغییری در شکل و روشهای ارزیابی سال قبل از آن مورد نظر باشد باید اسناد مذکور به روش شکل و هر دو روش ارزیابی تنظیم گردد تا مجمع عمومی با ملاحظه آنها و با توجه به گزارش هیئت مدیره و بازرسان نسبت به تغییرات پیشنهادی تصمیم بگیرد.

ماده ۲۳۴ - در ترازنامه باید استهلاک اموال و اندوخته های لازم در نظر گرفته شود و لو آنکه پس از وضع استهلاک و اندوخته ها سود قابل تقسیم باقی نماند یا کافی نباشد.

پائین آمدن ارزش دارائی ثابت خواه در نتیجه استعمال خواه بر اثر تغییرات فنی خواه بعلل دیگر باید در استهلاکات منظور گردد. برای جبران کاهش احتمالی ارزش سایر اقلام دارائی و زیانها و هزینه های احتمالی باید ذخیره لازم منظور گردد.

ماده ۲۳۵ - تعهداتی که شرکت آن را تضمین کرده است باید قبل از مبلغ در ذیل ترازنامه آورده شود.

ماده ۲۳۶ - هزینه های تاسیس شرکت باید قبل از تقسیم هرگونه سود مستهلاک شود. هزینه های افزایش سرمایه باید حداکثر تا پنج سال از تاریخی که اینگونه هزینه ها بعمل آمد مستهلاک شود. در صورتی که سهام جدیدی که در نتیجه افزایش سرمایه صادر می شود به قیمتی بیش از مبلغ اسمی فروخته شده باشد هزینه های افزایش سرمایه رامی توان از محل این اضافه ارزش مستهلاک نمود.

ماده ۲۳۷ - سود خالص شرکت در هر سال مالی عبارتست از درآمد حاصل در همان سال مالی منهای کلیه هزینه ها و استهلاکات و ذخیره ها.

ماده ۲۳۸ - از سود خالص شرکت پس از وضع زیانهای وارده در سالهای قبل باید معادل يك بیستم آن بر طبق ماده ۱۴۰ بعنوان اندوخته قانونی موضوع شود. هر تصمیم برخلاف این ماده باطل است.

ماده ۲۳۹ - سود قابل تقسیم عبارتست از سود خالص سال مالی شرکت منهای زیانهای سالهای مالی قبل و اندوخته قانونی مذکوره در ماده ۲۳۸ و سایر اندوخته های اختیاری بعلاوه سود قابل تقسیم سالهای قبل که تقسیم نشده است.

ماده ۲۴۰ - مجمع عمومی پس از تصویب حسابهای سال مالی و احراز اینکه سود قابل تقسیم وجود دارد مبلغی از آن را که باید بین صاحبان تقسیم شود تعیین خواهد نمود. علاوه بر این مجمع عمومی می تواند تصمیم بگیرد که مبالغی از اندوخته هائی که شرکت در اختیار دارد بین صاحبان سهام تقسیم شود در این صورت در تصمیم مجمع عمومی باید صریحا قید شود که مبالغ مورد نظر از کدام يك از اندوخته ها باید برداشت و تقسیم گردد.

هرسودی که بدون رعایت مقررات این قانون تقسیم شود منافع موهوم تلقی خواهد شد. نحوه پرداخت سود قابل تقسیم توسط مجمع عمومی تعیین می شود و اگر مجمع عمومی در خصوص نحوه پرداخت تصمیمی نگرفته باشد هیئت مدیره نحوه پرداخت را تعیین خواهد نمود ولی در هر حال پرداخت سود به صاحبان سهام باید ظرف هشت ماه پس از تصمیم مجمع عمومی راجع به تقسیم سود انجام پذیرد.

ماده ۲۴۱ - بارعایت شرایط مقرر در ماده ۱۳۴ نسبت معینی از سود خالص سال مالی شرکت که ممکن است جهت پاداش هیئت مدیره در نظر گرفته شود به هیچ وجه نباید در شرکت های سهامی عام از پنج درصد سودی که در همان سال به صاحبان سهام پرداخت می شود در شرکت های سهامی خاص از ده درصد سودی که در همان سال به صاحبان سهام پرداخت می شود تجاوز کند. مقررات اساسنامه و هرگونه تصمیمی که مخالف با مفاد این ماده باشد باطل و بلا اثر است .  
ماده ۲۴۲ - در شرکت های سهامی عام هیئت مدیره مکلف است که به حساب های سود و زیان و ترازنامه شرکت گزارش حسابداران رسمی را ضمیمه کند. حسابداران رسمی باید علاوه بر اظهار نظر درباره حساب های شرکت گواهی نمایند کلیه دفاتر و اسناد و صورت حساب های شرکت و توضیحات مورد لزوم در اختیار آنها قرار داشته و حساب های سود و زیان و ترازنامه تنظیم شده از طرف هیئت مدیره وضع مالی شرکت را بنحوصحیح و روشن نشان می دهد.  
تبصره - منظور از حسابداران رسمی مذکور در این ماده حسابداران موضوع فصل هفتم قانون مالیات های مستقیم مصوب اسفند سال ۱۳۴۵ می باشد و در صورتی که بموجب قانون شرایط و نحوه انتخاب حسابداران رسمی تغییر کند و یا عنوان دیگری برای آنان در نظر گرفته شود شامل حسابداران مذکور در این ماده نیز خواهد بود.

بخش ۱۱

مقررات جزائی

- ماده ۲۴۳ - اشخاص زیره حبس تادیبی از سه ماه تا دو سال یا به جزای نقدی از بیست هزار ریال تا بیست هزار ریال یا بهر دو مجازات محکوم خواهند شد.
- ۱ - هرکس که عالم و برخلاف واقع پذیره نویسی سهام را تصدیق کند و یا برخلاف مقررات این قانون اعلامیه پذیره نویسی منتشر نماید و یا مدارک خلاف واقع حاکی از تشکیل شرکت به مرجع ثبت شرکت ها تسلیم کند و یا در تعیین ارزش آورده غیر نقدی تقلب اعمال کند.
  - ۲ - هرکس در ورقه سهم بانام یا گواهینامه موقت سهم مبلغ پرداخت شده را بیش از آنچه که واقعاً پرداخت شده است قید کند.
  - ۳ - هرکس از اعلام مطالبی که طبق مقررات این قانون باید به مرجع ثبت شرکت ها اعلام کند بعضی یا کلاً خودداری نماید و یا مطالب خلاف واقع به مرجع مزبور اعلام دارد.
  - ۴ - هرکس سهام یا قطعات سهام را قبل از به ثبت رسیدن شرکت و یا در صورتی که ثبت شرکت مزورانه انجام گرفته باشد صادر کند.
  - ۵ - هرکس سهام یا قطعات سهام را بدون پذیره نویسی کلیه سرمایه و تادیه حداقل سی و پنج درصد آن و نیز تحویل کلیه سرمایه غیر نقدی صادر کند.
  - ۶ - هرکس قبل از پرداخت کلیه مبلغ اسمی سهم سهام بی نام یا گواهینامه موقت بی نام صادر کند.
- ماده ۲۴۴ - اشخاص زیره حبس تادیبی از سه ماه تا یک سال یا به جزای نقدی از پنجاه هزار ریال تا پانصد هزار ریال یا بهر دو مجازات محکوم خواهند شد -
- ۱ - هرکس عالم سهام یا گواهینامه موقت سهام بدون ذکر مبلغ اسمی صادر کند یا بفروشد یا به معرض فروش گذارد.
  - ۲ - هرکس سهام بی نام را قبل از آنکه تمام مبلغ اسمی آن پرداخت شده باشد بفروشد یا به معرض فروش گذارد.
  - ۳ - هرکس سهام بانام را قبل از آنکه اقسائی و پنج درصد مبلغ اسمی آن پرداخت شده باشد صادر کند یا بفروشد یا به معرض فروش گذارد.
- ماده ۲۴۵ - هرکس عالم در هر یک از عملیات مذکور در ماده ۲۴۴ شرکت کند یا انجام آن عملیات را تسهیل نماید بر حسب مورد به مجازات شریک یا معاون محکوم خواهد شد.

ماده ۲۴۶ - رئیس و اعضاء هیئت مدیره هر شرکت سهامی در صورت ارتکاب هر یک از جرائم زیر به حبس تادیبی از دو ماه تا شش ماه یا به جزای نقدی از سی هزار تا سیصد هزار ریال یا بهر دو مجازات محکوم خواهند شد.

۱ - در صورتی که طرف مهلت مقرر در این قانون قسمت پرداخت نشده مبلغ اسمی سهام شرکت را مطالبه نکنند و یا دو ماه قبل از پایان مهلت مذکور مجمع فوق العاده را جهت تقلیل سرمایه شرکت نامیزان مبلغ پرداخت شده دعوت نمایند.

۲ - در صورتی که قبل از پرداخت کلیه سرمایه شرکت بصورت اوراق قرضه مبادرت کرده یا صدور آن را اجازه دهند.

ماده ۲۴۷ - در مورد بندیک ماده ۲۴۶ در صورتی که هر یک از اعضاء هیئت مدیره قبل از انقضاء مهلت مقرر در جلسه هیئت مزبور صریحاً اعلام کند که باید تکلیف قانونی برای سلب مسئولیت جزائی عمل شود و به این اعلام از طرف سایر اعضاء هیئت مدیره توجه نشود و جرم تحقق پیدا کند عضو هیئت مدیره که تکلیف قانونی را اعلام کرده است مجرم شناخته نخواهد شد سلب مسئولیت جزائی از عضو هیئت مدیره منوط به این است که عضو هیئت مدیره علاوه بر اعلام تکلیف قانونی در جلسه هیئت مزبور مراتب را از طریق ارسال اظهارنامه رسمی به هر یک از اعضاء هیئت مدیره اعلام نماید. در صورتی که جلسات هیئت مدیره بهر علت تشکیل نگردد اعلام از طریق ارسال اظهارنامه رسمی برای سلب مسئولیت جزائی از عضو هیئت مدیره کافی است .

ماده ۲۴۸ - هر کس اعلامیه پذیره نویسی سهام یا اطلاعیه انتشار اوراق قرضه شرکت سهامی را بدون امضای مجاز و نام و نشانی موسسین یا مدیران شرکت منتشر کند به جزای نقدی از ده هزار تا سی هزار ریال محکوم خواهد شد.

ماده ۲۴۹ - هر کس با سوء نیت برای تشویق مردم به تعهد خرید اوراق بهادار شرکت سهامی به صدور اعلامیه پذیره نویسی سهام یا اطلاعیه انتشار اوراق قرضه که متضمن اطلاعات نادرست یا ناقص باشد مبادرت نماید و یا از روی سوء نیت جهت تهیه اعلامیه یا اطلاعیه مزبور اطلاعات نادرست یا ناقص داده باشد به مجازات شروع به کلاهبرداری محکوم خواهد شد و هرگاه اثری بر این اقدامات مترتب شده باشد مرتکب در حکم کلاهبرداری بوده و به مجازات مقرر محکوم خواهد شد.

ماده ۲۵۰ - رئیس و اعضاء هیئت مدیره هر شرکت سهامی عام که قبل از تادیه کلیه سرمایه ثبت شده شرکت و قبل از انقضاء دو سال تمام از تاریخ ثبت شرکت و تصویب دوترازانامه آن توسط مجمع عمومی مبادرت به صدور اوراق قرضه نمایند به جزای نقدی از بیست هزار ریال تا دویست هزار ریال محکوم خواهند شد.

ماده ۲۵۱ - رئیس و اعضاء هیئت مدیره هر شرکت سهامی عام که بدون رعایت مقررات ماده ۵۶ این قانون مبادرت به صدور اوراق قرضه بنماید به حبس تادیبی از سه ماه تا دو سال و جزای نقدی از بیست هزار ریال تا دویست هزار ریال محکوم خواهد شد.

ماده ۲۵۲ - رئیس و اعضاء هیئت مدیره و مدیر عامل هر شرکت سهامی عمومی که نکات مندرج در ماده ۶۰ این قانون را در اوراق قرضه قید ننمایند به جزای نقدی بیست هزار ریال تا دویست هزار ریال محکوم خواهند شد.

ماده ۲۵۳ - اشخاص زیر به حبس تادیبی از سه ماه تا یک سال یا به جزای نقدی از بیست هزار تا دویست هزار ریال یا بهر دو مجازات محکوم خواهند شد.

۱ - هر کس عامد مانع حضور دارنده سهم شرکت در جلسات مجمع عمومی صاحبان سهم بشود.  
۲ - هر کس با خدعه و نیرنگ خود را دارنده سهم یا قطعات سهم معرفی کند و به این طریق در اخذ رای در مجمع عمومی عمومی صاحبان سهام شرکت نماید از آنکه اینکار اشخاص یا توسط دیگری انجام دهد.

ماده ۲۵۴ - رئیس و اعضاء هیئت مدیره شرکت سهامی که حداکثر تا ۶ ماه پس از پایان هر سال مالی مجمع عمومی عادی صاحبان سهام را دعوت نکنند یا مدارک مقرر در ماده ۲۳۲ را بموقع تنظیم و تسلیم نمایند به حبس از دو تا شش ماه یا به جزای نقدی از بیست هزار تا دویست هزار ریال یا بهر دو مجازات محکوم خواهند شد.

ماده ۲۵۵ - رئیس و اعضاء هیئت مدیره هر شرکت سهامی که صورت حاضرین در مجمع را مطابق ماده ۹۹ تنظیم نکنند به جزای نقدی از بیست هزار تا دویست هزار ریال محکوم خواهند شد.

ماده ۲۵۶ - هیئت رئیسه هر مجمع عمومی که صورت جلسه مذکور در ماده ۱۰۵ را تنظیم نکند. به مجازات مذکور در ماده قبل محکوم خواهد شد.

- ماده ۲۵۷ - رئیس و اعضاء هیئت رئیسه هر مجمع عمومی که مقررات راجع به حق رای صاحبان سهام را رعایت نکرده باشند مجازات مذکور در ماده ۲۵۵ محکوم خواهند شد.
- ماده ۲۵۸ - اشخاص زیر به حبس تادیبی از یکسال تا سه سال محکوم خواهند شد :
- ۱ - رئیس و اعضاء هیئت مدیره و مدیر عامل شرکت که بدون صورت دارائی و ترازنامه یا به استناد صورت دارائی و ترازنامه مزور منافع موهومی را بین صاحبان سهام تقسیم کرده باشند .
  - ۲ - رئیس و اعضاء هیات مدیره و مدیر عامل شرکت که ترازنامه غیر واقع به منظور پنهان داشتن وضعیت واقعی شرکت به صاحبان سهام ارائه یا منتشر کرده باشد .
  - ۳ - رئیس و اعضاء هیئت مدیره و مدیر عامل شرکت که اموال یا اعتبارات شرکت را برخلاف منافع شرکت برای مقاصد شخصی یا برای شرکت یا موسسه دیگری که خود بطور مستقیم یا غیرمستقیم در آن ذینفع می باشند مورد استفاده قرار دهند .
  - ۴ - رئیس و اعضاء هیئت مدیره و مدیر عامل شرکت که با سوءنیت از اختیارات خود برخلاف منافع شرکت برای مقاصد شخصی یا بخاطر شرکت یا موسسه دیگری که خود بطور مستقیم یا غیرمستقیم در آن ذینفع می باشند استفاده کنند .
- ماده ۲۵۹ - رئیس و اعضاء هیئت مدیره شرکت که متعمدا مجمع عمومی صاحبان سهام را در هر موقع که انتخاب بازرسان شرکت باید انجام پذیرد به این منظور دعوت نمایند و یا بازرسان شرکت را به مجمع عمومی صاحبان سهام دعوت نکنند به حبس از دو تا شش ماه یا جزای نقدی از بیست هزار تا دویست هزار ریال یا بپرد و مجازات محکوم خواهند شد.
- ماده ۲۶۰ - رئیس و اعضاء هیئت مدیره و مدیر عامل که عامد مانع یا مخل انجام وظایف بازرسان شرکت بشوند یا اسناد و مدارکی را که برای انجام وظایف آنها لازم است در اختیار بازرسان قرار ندهند به حبس تادیبی از سه ماه تا دو سال یا جزای نقدی از بیست هزار ریال تا دویست هزار ریال یا به هردو مجازات محکوم خواهند شد.
- ماده ۲۶۱ - رئیس و اعضاء هیئت مدیره و مدیر عامل هر شرکت سهامی که قبل از به ثبت رسیدن افزایش سرمایه یا در صورتی که ثبت افزایش سرمایه مزورانه یا بدون رعایت تشریفات لازم انجام گرفته باشد سهام یا قطعات سهام جدید صادر و منتشر کنند به جزای نقدی از ده هزار ریال تا یکصد هزار ریال محکوم خواهند شد. و در صورتی که قبل از پرداخت تمامی مبلغ اسمی سهام سابق مبادرت بصدور و انتشار سهام جدید یا قطعات سهام جدید نماید به حبس تادیبی از دو ماه تا شش ماه و به جزای نقدی از بیست هزار تا دویست هزار ریال محکوم خواهند شد.
- ماده ۲۶۲ - رئیس و اعضاء هیئت مدیره و مدیر عامل هر شرکت سهامی که مرتکب جرائم زیر بشوند به جزای نقدی از بیست هزار تا دویست هزار ریال محکوم خواهند شد.
- ۱ - در صورتی که در موقع افزایش سرمایه شرکت به استثنای مواردی که در این قانون پیش بینی شده است حق تقدم صاحبان سهام را نسبت به پذیره نویسی و خرید سهام جدید رعایت نکنند و یا مهلتی را که جهت پذیره نویسی سهام جدید باید در نظر گرفته شود به صاحبان سهام ندهند.
  - ۲ - در صورتی که شرکت قبلا اوراق قرضه قابل تعویض با سهم منتشر کرده باشد حقوق دارندگان اینگونه اوراق قرضه را نسبت به تعویض اوراق آنها با سهام شرکت در نظر گرفته یا قبل از انقضای مدتی که طی آن این قبیل اوراق قرضه قابل تعویض با سهم شرکت است اوراق قرضه جدید قابل تعویض یا قابل تبدیل به سهام منتشر کنند یا قبل از تبدیل یا تعویض اوراق قرضه یا بازپرداخت مبلغ آنها سرمایه شرکت را مستهلک سازند یا آن را از طریق باز خرید سهام کاهش دهند یا اقدام به تقسیم اندوخته کنند یا در نحوه تقسیم منافع تغییراتی بدهند
- ماده ۲۶۳ - رئیس و اعضاء هیئت مدیره و مدیر عامل هر شرکت سهامی که عالمابری سلب حق تقدم از صاحبان سهام نسبت به پذیره نویسی سهام جدید به مجمع عمومی اطلاعات نادرست بدهند یا اطلاعات نادرست را تصدیق کنند به حبس از شش ماه تا سه سال یا به جزای نقدی از یکصد هزار ریال تا یک میلیون ریال یا بهره و مجازات محکوم خواهند شد.
- ماده ۲۶۴ - رئیس و اعضاء هیئت مدیره هر شرکت سهامی که در مورد کاهش سرمایه عالمامقررات زیر را رعایت نکنند به جزای نقدی از بیست هزار ریال تا دویست هزار ریال محکوم خواهند شد -
- ۱ - در صورت عدم رعایت تساوی حقوق صاحبان سهام .
  - ۲ - در صورتی که پیشنهاد راجع به کاهش سرمایه حداقل چهل و پنج روز قبل از تشکیل مجمع عمومی فوق العاده به بازرس شرکت تسلیم نشده باشد.

۲ - در صورتی که تصمیم مجمع عمومی دائر بر تصویب کاهش سرمایه و مهلت و شرایط آن در روزنامه رسمی و روزنامه کثیرالانتشاری که اعلانات مربوط به شرکت در آن نشر می گردد آگهی نشده باشد.

ماده ۲۶۵ - رئیس و اعضاء هیئت مدیره هر شرکت سهامی که در صورت از میان رفتن بیش از نصف سرمایه شرکت بر اثر زیانهای وارده حداکثر تا دو ماه مجمع عمومی فوق العاده صاحبان سهام را دعوت نمایند تا موضوع انحلال یا بقاء شرکت مورد شور و رای واقع شود و حداکثر تا یک ماه نسبت به ثبت و آگهی تصمیم مجمع مذکور اقدام نمایند به حبس از دو ماه تا شش ماه یا به جزای نقدی از ده هزار ریال تا یکصد هزار ریال یا بهر دو مجازات محکوم خواهند شد.

ماده ۲۶۶ - هر کس با وجود منع قانونی عالماسمت بازرسی رادر شرکت سهامی بپذیرد و به آن عمل کند به حبس تا دوی ماه یا شش ماه یا جزای نقدی از بیست هزار تا یکصد هزار ریال یا به هر دو مجازات محکوم خواهد شد.

ماده ۲۶۷ - هر کس در سمت بازرسی شرکت سهامی عالما راجع به اوضاع شرکت به مجمع عمومی در گزارشهای خود اطلاعات خلاف حقیقت بدهد و یا اینگونه اطلاعات را تصدیق کند به حبس تا دوی ماه از سه ماه تا دو سال محکوم خواهد شد .

ماده ۲۶۸ - مدیر یا مدیران تصفیه هر شرکت سهامی که عالما مرتکب جرائم زیر بشوند به حبس تا دوی ماه تا شش ماه یا به جزای نقدی از بیست هزار تا دویست هزار ریال یا به هر دو مجازات محکوم خواهند شد -

۱ - در صورتی که طرف یکماه پس از انتخاب تصمیم راجع به انحلال شرکت و نام و نشانی خود را به مرجع ثبت شرکتها اعلام نکنند.

۲ - در صورتی که تا شش ماه پس از شروع به امر تصفیه مجمع عمومی عادی صاحبان شرکت را دعوت نکرده وضعیت اموال و مطالبات و قروض شرکت و نحوه تصفیه امور شرکت و مدتی را که جهت پایان دادن به امر تصفیه لازم می داند به اطلاع مجمع عمومی نرسانند.

۳ - در صورتی که قبل از خاتمه امر تصفیه همه ساله مجمع عمومی عادی صاحبان سهام شرکت را با رعایت شرایط و تشریفات که در این قانون و اساسنامه شرکت پیش بینی شده است دعوت نکرده صورت دارائی منقول و غیر منقول و ترانزانه و حساب سود و زیان عملیات خود را به ضمیمه گزارشی حاکی از اعمالی که تا آن موقع انجام داده اند به مجمع مذکور تسلیم نکنند.

۴ - در صورتی که در خاتمه دوره تصدی خود بدون آنکه تمدید مدت ماموریت خود را خواستار شوند به عملیات خود ادامه دهند.

۵ - در صورتی که طرف یکماه پس از ختم تصفیه مراتب را به مرجع ثبت شرکتها اعلام نمایند.

۶ - در صورتی که پس از اعلام ختم به تصفیه و جوهی را که باقیمانده است در حساب مخصوصی در یکی از بانکهای ایرانی تودیع ننماید و در صورت اسامی بستانکاران و صاحبان سهامی را که حقوق خود را استیفاء نکرده اند به آن بانک تسلیم نکرده مراتب را طی آگهی ختم تصفیه به اطلاع اشخاص ذینفع نرسانند.

ماده ۲۶۹ - مدیر تصفیه یا مدیران هر شرکت سهامی که مرتکب جرائم زیر شوند به حبس تا دوی ماه از یک سال تا سه سال محکوم خواهند شد -

۱ - در صورتی که اموال یا اعتبارات شرکت در حال تصفیه را برخلاف منافع شرکت یا برای مقاصد شخصی یا برای شرکت یا موسسه دیگری که خود بطور مستقیم یا غیر مستقیم در آن ذینفع می باشند مورد استفاده قرار دهند.

۲ - در صورتی که برخلاف ماده ۲۱۳ به انتقال دارائی شرکت مبادرت کنند یا بدون رعایت حقوق بستانکاران و موضوع کردن قروضی که هنوز موعودتاده آن نرسیده دارائی شرکت را بین صاحبان سهام تقسیم نمایند.

بخش ۱۲

مقررات مختلف مربوط به شرکتها سهامی

ماده ۲۷۰ - هرگاه مقررات قانونی در مورد تشکیل شرکت سهامی یا عملیات آن یا تصمیماتی که توسط هر یک از ارکان شرکت اتخاذ می گردد رعایت نشود بر حسب مورد بنا بدرخواست هر ذینفع بطلان شرکت یا عملیات یا تصمیمات مذکور به حکم دادگاه اعلان خواهد شد لیکن موسسین و مدیران و بازرسان و صاحبان سهام شرکت نمی توانند در مقابل اشخاص ثالث به این بطلان استناد نمایند .

ماده ۲۷۱ - در صورتی که قبل از صدور حکم بطلان شرکت با بطلان عملیات یا تصمیمات آن در مرحله بدوی موجبات بطلان مرتفع شده باشد دادگاه قرار سقوط دعوی بطلان را صادر خواهد کرد.  
ماده ۲۷۲ - دادگاهی که دعوی بطلان نزد آن اقامه شده است می تواند بنا به درخواست مهلتی که از ششماه بیشتر نباشد برای رفع موجبات بطلان تعیین نماید. ابتدای مهلت مذکور تاریخ وصول پرونده از دفتر به دادگاه است. در صورتی که ظرف مهلت مقرر موجبات بطلان برطرف نشده باشد دادگاه حکم مقتضی صادر خواهد کرد.

ماده ۲۷۴ - دادگاهی که حکم بطلان شرکت را صادر می نماید باید ضمن حکم خود یک یا چند نفر را بعنوان مدیر تصفیه تعیین کند تا بر طبق مقررات این قانون انجام وظیفه نمایند.  
ماده ۲۷۵ - در هر مورد که بر اثر انحلال یا بطلان شرکت مدیر تصفیه باید از طرف دادگاه تعیین شود و مدیر یا مدیران تصفیه ای که توسط دادگاه تعیین حاضر به قبول سمت مدیریت تصفیه نباشند دادگاه امر تصفیه را به اداره تصفیه امور ورشکستگی حوزه خود ارجاع می نماید.  
تبصره - تعیین حق الزحمه مدیر یا مدیران تصفیه ای که توسط دادگاه تعیین می شود بعهده دادگاه است .

ماده ۲۷۶ - شخص یا اشخاصی که مجموع سهام آنها حداقل یک پنجم مجموع سهام شرکت باشد می تواند در صورت تخلف یا تقصیر رئیس و اعضاء هیئت مدیره و یا مدیرعامل بنام و از طرف شرکت و به هزینه خود علیه رئیس یا تمام یا بعضی از اعضاء هیئت مدیره و مدیرعامل اقامه دعوی نمایند و جبران کلیه خسارات وارده به شرکت را از آنها مطالبه کنند.  
در صورت محکومیت رئیس یا هر یک از اعضاء هیئت مدیره یا مدیرعامل به جبران خسارات شرکت و پرداخت هزینه دادرسی حکم بنفع شرکت اجراء و هزینه ای که از طرف اقامه کننده دعوی پرداخت شده از مبلغ محکوم به وی مسترد خواهد شد.

ماده ۲۷۷ - مقررات اساسنامه و تصمیمات مجامع عمومی نباید بخوبی از انحاء حق صاحبان سهام رادرمورد اقامه دعوی مسئولیت علیه مدیران شرکت محدود نماید.

ماده ۲۷۸ - شرکت سهامی خاص در صورتی می تواند به شرکت سهامی عام تبدیل شود که اولاً موضوع به تصویب مجمع عمومی فوق العاده شرکت سهامی خاص رسیده باشد ثانیاً سرمایه آن حداقل به میزانی باشد که برای شرکتهای سهامی عام مقرر شده است و یا شرکت سرمایه خود را به میزان مذکور افزایش دهد. ثالثاً دو سال تمام از تاریخ تاسیس و ثبت شرکت گذشته و دوترازانامه آن به تصویب مجمع عمومی صاحبان سهام رسیده باشد. رابعاً اساسنامه آن با رعایت مقررات این قانون در مورد شرکتهای سهامی عام تنظیم یا اصلاح شده باشد.

ماده ۲۷۹ - شرکت سهامی خاص باید ظرف یکماه از تاریخی که مجمع عمومی فوق العاده صاحبان سهام تبدیل شرکت را تصویب کرده است صورت جلسه مجمع عمومی فوق العاده را به ضمیمه مدارک زیر به مرجع ثبت شرکتهای تسلیم کند.

۱ - اساسنامه که برای شرکت سهامی عام تنظیم شده و به تصویب مجمع عمومی فوق العاده رسیده است .

۲ - دوترازانامه و حساب سود و زیان مذکور در ماده ۲۷۸ که به تأیید حسابدار رسمی رسیده باشد.

۳ - صورت دارائی شرکت در موقع تسلیم مدارک به مرجع ثبت شرکتهای که متضمن تقویم کلیه اموال منقول و غیر منقول شرکت بوده و به تأیید کارشناس رسمی وزارت دادگستری رسیده باشد.

۴ - اعلامیه تبدیل شرکت که باید به امضاء دارندگان امضای مجاز شرکت رسیده و مشتمل بر نکات زیر باشد -

الف - نام و شماره ثبت شرکت .

ب - موضوع شرکت و نوع فعالیتهاى آن .

ج - مرکز اصلی شرکت و در صورتی که شرکت شعبی داشته باشد نشانی شعب آن

د - در صورتی که شرکت برای مدت محدود تشکیل شده باشد تاریخ انقضای مدت آن .

ه - سرمایه شرکت و مبلغ پرداخت شده آن .

و - اگر سهام ممتاز منتشر شده باشد تعداد و امتیازات آن .

ز - هویت کامل رئیس و اعضاء هیئت مدیره و مدیرعامل شرکت .

ح - شرایط حضور و حق رای صاحبان سهام در مجامع عمومی .

ط - مقررات اساسنامه راجع به تقسیم سود و تشکیل اندوخته .

ی - مبلغ دیون شرکت و همچنین مبلغ دیون اشخاص ثالث که توسط شرکت تضمین شده است .



ك - ذكرنام روزنامه كثيرالانتشاري كه اطلاعيه ها و آگهي هاي شركت در آن درج مي گردد.

ماده ۲۸۰ - مرجع ثبت شركتها پس از وصول مدارك مذكور در ماده ۲۷۹ و تطبيق مندرجات آنها با اين قانون تبديل شركت راثبت و مراتب رايه هزينه شركت آگهي خواهند نمود.

ماده ۲۸۱ - در آگهي تبديل شركت بايد كلييه مندرجات اعلاميه تبديل شركت ذكر گردد و قيد شود كه اساسنامه شركت و دوتران نامه و حساب سود و زيان آن مربوط به دو سال قبل از اتخاذ تصميم نسبت به تبديل شركت و همچنين صورت دارائي شركت و اموال منقول و غير منقول آن در مرجع ثبت شركتها و در مركز شركت براي مراجعه علاقمندان آماده مي باشند آگهي تبديل شركت بايد علاوه بر روزنامه كثيرالانتشاري كه آگهي هاي شركت در آن درج مي گردد اقلادريك روزنامه كثيرالانتشار ديگر نيز آگهي شود.

ماده ۲۸۲ - شركت سهامي خاص كه بخواهد با افزايش سرمايه به شركت سهامي عام تبديل شود بايد سهام جديد خود را كه در نتيجه افزايش سرمايه بوجود مي آيد با رعايت مواد ۱۷۳ لغايت ۱۸۲ و ماده ۱۸۴ اين قانون براي پذيره نويسي عمومي عرضه نمايد. مرجع ثبت شركتها در اين مورد پس از وصول تقاضا و مدارك مربوط به تبديل شركت سهامي خاص به شركت سهامي عام و تطبيق آنها با مقررات قانون در صورتي كه شركت بتواند با افزايش سرمايه از طريق پذيره - نويسي عمومي به شركت سهامي عام تبديل شود اجازه انتشار اعلاميه نويسي سهام را صادر خواهد نمود. در اعلاميه پذيره نويسي بايد شماره و تاريخ اجازه نامه مزبور قيد گردد.

ماده ۲۸۳ - در صورتي كه سهام جديدي كه به ترتيب مذكور در ماده قبل عرضه شده است تماماتاديه نشود شركت نمي تواند به شركت سهامي تبديل گردد.

ماده ۲۸۴ - شركتهاي سهامي موجود در تاريخ تصويب اين قانون بايد ظرف سه سال از تاريخ اجراي اين قانون بصورت شركت سهامي خاص يا شركت سهامي عام درآيند و وضع خود را با مقررات اين قانون تطبيق دهند يا بنوع ديگري از انواع شركتهاي تجارتي مذكور در قانون تجارت مصوب ارديبهشت ماه ۱۳۱۱ تبديل شوند و الا منحل محسوب خواهند شد و از لحاظ مقررات انحلال مشمول قانون تجارت مصوب ارديبهشت ۱۳۱۱ خواهند بود.

تا هنگامي كه شركتهاي سهامي موجود در تاريخ تصويب اين قانون ظرف سه سال وضع خود را با مقررات اين قانون تطبيق نداده اند تا بقرارات مربوط به شركتهاي سهامي مذكور در قانون تجارت مصوب ارديبهشت ۱۳۱۱ و مقررات اساسنامه خود خواهند بود.

تطبيق وضع شركت با مقررات اين قانون وقتي محقق مي شود كه مرجع ثبت شركتها پس از احراز صحت تطبيق مراتب راثبت و به هزينه شركت آگهي کرده باشد. به استثناي هزينه آگهي اجراي اين ماده در صورت عدم افزايش سرمايه شركت مستلزم پرداخت هيچگونه هزينه ديگري نيست و در صورت افزايش سرمايه هزينه هاي مربوط فقط شامل ميزان افزايش سرمايه مي شود.

ماده ۲۵۸ - تغيير اساسنامه هريك از شركتهاي سهامي موجود در تاريخ تصويب اين قانون به منظور تطبيق وضع آنها با مقررات اين قانون استثنائا ممكن است بموجب تصميم مجمع عمومي عادي صاحبان سهام شركت صورت گيرد مگر در مورد افزايش سرمايه كه بايد به تصويب مجمع عمومي فوق العاده برسد. ترتيب دعوت تشكيل و حد نصاب و اكثريت لازم براي مجامع عادي و فوق العاده به منظور تطبيق وضع شركت با مقررات اين قانون تابع مقررات تجارت مصوب ارديبهشت ۱۳۱۱ در مورد شركتهاي سهامي و همچنين اساسنامه معتبر شركتهاي موجود در تاريخ تصويب اين قانون مي باشد.

ماده ۲۸۶ - براي آنكه شركتهاي سهامي مورد در تاريخ تصويب اين قانون بتوانند بصورت شركت سهامي خاص درآيند بايد اولاً سرمايه آنها حداقل به ميزاني باشد كه براي شركتهاي سهامي خاص مقرر شده است يا سرمايه خود را با رعايت مقررات اين قانون در مورد افزايش سرمايه شركت سهامي خاص به آن ميزان افزايش دهند ثانياً اساسنامه خود را به منظور تطبيق با مقررات اين قانون اصلاح کرده مراتب رايه مرجع ثبت شركتها اعلام نمايند. مرجع ثبت شركتها پس از احراز صحت تطبيق وضع شركت با مقررات اين قانون مراتب را ثبت و به هزينه شركت آگهي خواهند نمود.

ماده ۲۸۷ - براي آنكه شركتهاي سهامي موجود در تاريخ تصويب اين قانون بتوانند بصورت شركت سهامي عام درآيند بايد اولاً سرمايه آنها به ميزاني باشد كه براي شركتهاي سهامي عام مقرر شده است يا سرمايه خود را با رعايت مقررات اين قانون در مورد افزايش سرمايه شركت سهامي عام به آن ميزان افزايش دهند. ثانياً در تاريخ تبديل شركت به شركت سهامي عام يكسال از ثبت شركت

- گذشته ويك ترازنامه آن به تصويب مجمع عمومي عادي رسیده باشد. ثالثا اساسنامه خودرابامقررات این قانون وفق دهند.
- ماده ۲۸۸ - درصورتی که شرکتهای سهامی موجوددرتاریخ تصویب این قانون بخواهندبرای تطبیق وضع خودبامقررات این قانون به افزایش سرمایه مبادرت کننددرصورتی که تمامی مبلغ اسمی سهام قبلی آنها تادیه نشده باشد نسبت مبلغ پرداخت شده قبلی نسبت به هر سهم درموردسهم جدید نیز لازم الرعایه است ودرهرحال این نسبت نمی تواندازسی و پنج درصدمبلغ اسمی سهام کمترباشد. درموارد مذکوردراین ماده رعایت ماده ۱۶۵ این قانون در مورد تادیه تمامی سرمایه قبلی شرکت الزامی نیست .
- ماده ۲۸۹ - شرکتهای سهامی موجوددرتاریخ تصویب این قانون که بخواهند ازطریق افزایش سرمایه به شرکت سهامی عام تبدیل شوندبایدسهم جدید خودرا در نتیجه افزایش سرمایه بوجودمی آیدبرعایت مقررات این قانون برای پذیره نویسی عمومی عرضه نمایند. درصورتی که سهام جدیدی که به ترتیب فوق عرضه شده است تماما تعهدنشود و مبلغی که بایدبرطبق مقررات این قانون تادیه گردد تادیه نشود شرکت نمی تواندبه شرکت سهامی عام تبدیل گردد.
- ماده ۲۹۰ - شرکتهای سهامی موجوددرتاریخ تصویب این قانون که بخواهند به شرکت سهامی عام تبدیل شوندبویه این منظوره افزایش سرمایه مبادرت کنندبایدمدارک زیرابه مرجع ثبت شرکتهاتسلیم نمایند.
- ۱ - اساسنامه ای که برای شرکت سهامی عام به تصویب مجمع عمومی عادی یا فوق العاده رسیده است .
- ۲ - صورت جلسه مجمع عمومی فوق العاده که افزایش سرمایه رامورد تصویب قرار داده است .
- ۳ - صورت دارائی شرکت درموقع تسلیم مدارک به مرجع ثبت شرکتهای. صورت مزبوربایدمتضمن تقویم کلیه اموال منقول و غیرمنقول شرکت بوده به تأییدکارشناس رسمی وزارت دادگستری رسیده باشد.
- ۴ - طرح اعلامیه پذیره نویسی سهام جدیدکه بایدبه ترتیب مقرر در ماده ۱۷۴ این قانون تنظیم شده باشد.
- ۵ - آخرین ترازنامه وحساب سود و زیان شرکت که بایدبه تصویب مجمع عمومی وتاییدحسابداررسمی رسیده باشد.
- ماده ۲۹۱ - مرجع ثبت شرکتهایس ازوصول مدارک مذکوردر ماده قبل و تطبیق مندرجات آنها با قانون اجازه انتشاراعلامیه پذیره نویسی سهام جدید را صادرخواهدنمود.
- ماده ۲۹۲ - کلیه مقررات مذکوردر مواد ۱۷۷ لغایت ۱۸۱ این قانون برای تحقق افزایش سرمایه وتبديل شرکت سهامی به شرکت سهام عام لازم الرعایه است ، درآگهی مربوط ضمن ذکرافزایش سرمایه موضوع تبدیل نیزقیدخواهدشد.
- ماده ۲۹۳ - درصورت عدم تحقق افزایش سرمایه برطبق ماده ۱۸۲ این قانون عمل خواهدشد. درهرصورت شرکت بایددرمهلت مذکوردر ماده ۲۸۴ وضع خودرابا مقررات این قانون تطبیق دهد.
- ماده ۲۹۴ - شرکتهای سهامی موجوددرتاریخ تصویب این قانون که سرمایه آنها حداقل به میزان سرمایه شرکتهای سهامی عام مذکوردراین قانون باشدو بخواهندبه شرکت سهامی عام تبدیل شوندبایدمدارک زیرابه مرجع ثبت شرکتهاتسلیم کنند.
- ۱ - اساسنامه ای که برای شرکت سهامی عام به تصویب مجمع عمومی عادی یا فوق العاده رسیده است .
- ۲ - صورت دارائی شرکت درموقع تسلیم مدارک به مرجع ثبت شرکتهایکه بایدمتضمن تقویم کلیه اموال منقول و غیرمنقول شرکت بوده و به تأیید کارشناس رسمی وزارت دادگستری رسیده باشد.
- ۴ - اعلامیه تبدیل شرکت سهامی به شرکت سهامی عام که بایدبه امضاء دارندگان امضاء مجاز شرکت رسیده ومشتمل برنکات زیرباشد -
- ۵ - آخرین ترازنامه وحساب سود و زیان شرکت که بایدبه تصویب مجمع عمومی وتاییدحسابداررسمی رسیده باشد.
- ماده ۲۹۱ - مرجع ثبت شرکتهایس ازوصول مدارک مذکوردر ماده قبل و تطبیق مندرجات آنها با قانون اجازه انتشاراعلامیه پذیره نویسی سهام جدید را صادرخواهدنمود.

- الف - نام و شماره ثبت شرکت .
- ب - موضوع شرکت و نوع فعاليتهاي آن .
- ج - مرکز اصلي شرکت و در صورتی که شرکت شعبي داشته باشد نشانی شعب آن
- د - در صورتی که شرکت برای مدت محدود تشکیل شده باشد تاریخ انقضاء مدت آن .
- ه - سرمایه شرکت و مبلغ پرداخت شده آن .
- و - اگر سهام ممتاز منتشر شده باشد تعداد و امتيازات آن .
- ز - هویت کامل رئیس و اعضاء هیئت مدیره و مدیر عامل شرکت .
- ح - شرایط حضور و حق رای صاحبان سهام در مجمع عمومی .
- ط - مقررات اساسنامه راجع به تقسیم سود و تشکیل اندوخته .
- ی - مبلغ دیون شرکت و همچنین مبلغ دیون اشخاص ثالث که توسط شرکت تضمین شده است .
- ک - ذکر نام روزنامه کثیرالانتشاری که اطلاعیه ها و آگهی های شرکت در آن درج می گردد .
- ماده ۲۹۵ - مرجع ثبت شرکتها پس از وصول مدارک مذکور در ماده قبل و تطبیق مندرجات آنها با مقررات این قانون تبدیل شرکت سهامی رابه شرکت سهامی عام ثبت و مراتب رابه هزینه شرکت آگهی خواهند نمود .
- ماده ۲۹۶ - در آگهی تبدیل شرکتهای سهامی موجود در تاریخ تصویب این قانون ب شرکت سهامی عام باید کلیه مندرجات اعلامیه شرکت ذکر گردد و قید شود که اساسنامه شرکت و صورت دارائی شرکت و اموال منقول و غیر منقول و آخرین ترازنامه و حساب سود و زیان آن در مرجع ثبت شرکتها و در مرکز شرکت برای مراجعه علاقمندان آماده می باشد . آگهی تبدیل شرکت باید علاوه بر روزنامه کثیرالانتشاری که آگهی های شرکت در آن درج می گردد حداقل در یک روزنامه کثیرالانتشاری دیگر نیز آگهی شود .
- ماده ۲۹۷ - در مواردی که برای تطبیق وضع يك شرکت سهامی با مقررات این قانون یا تبدیل آن به نوع دیگری از انواع شرکتهای تجاری مذکور در قانون تجارت مصوب اردیبهشت ۱۳۱۱ دعوت مجمع عمومی عادی یا فوق العاده صاحبان سهام شرکت یا تسلیم اسناد و مدارک خاصی به مرجع ثبت شرکتها لازم باشد و رئیس و اعضاء هیئت مدیره توجه نشود عضو هیئت مدیره که تکلیف قانونی را اعلام کرده است مسئولیت جزائی و مدنی نخواهد داشت . سلب مسئولیت جزائی و مدنی از عضو هیئت مدیره منوط به اینست که عضو هیئت مدیره علاوه بر اعلام تکلیف قانونی در جلسه هیئت مدیره مزبور مراتب را از طریق ارسال اظهارنامه رسمی به هریک از اعضاء هیئت مدیره اعلام نماید . در صورتی که جلسات هیئت مدیره بهره‌ر علت تشکیل نگردد اعلام از طریق ارسال اظهارنامه رسمی برای سلب مسئولیت جزائی و مدنی از عضو هیئت مدیره کافی است .
- ماده ۲۹۹ - آن قسمت از مقررات قانون تجارت مصوب اردیبهشت ۱۳۱۱ مربوط به شرکتهای سهامی که ناظر بر سایر انواع شرکتهای تجاری می باشد نسبت به آن شرکتهایه قوت خود باقی است .
- ماده ۳۰۰ - شرکتهای دولتی تابع قوانین تاسیس و اساسنامه خود می باشند و فقط نسبت به موضوعاتی که در قوانین و اساسنامه های آنها ذکر نشده تابع مقررات این قانون می شوند .
- لایحه قانونی فوق مشتمل بر سیصد ماده و ۲۸ تبصره در تاریخ روز شنبه بیست و چهارم اسفند ماه یک هزار و سیصد و چهل و هفت به استناد قانون اجازه اجرای موقت لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۳/۹/۱۹ به تصویب کمیسیون خاص مشترک مجلسین رسیده است .

رئیس مجلس شورای ملی  
عبدالله ریاضی

رئیس مجلس سنا  
جعفر شریف امامی

مبحث دوم - شرکت با مسئولیت محدود

ماده ۹۴ - شرکت با مسئولیت محدود شرکتی است که بین دو یا چند نفر برای امور تجاری تشکیل شده و هریک از شرکاء بدون اینکه سرمایه به سهام یا قطعات سهام تقسیم شده باشد فقط تامیازان سرمایه خود در شرکت مسئول قروض و تعهدات شرکت است .

ماده ۹۵ - در اسم شرکت باید عبارت (بامسئولیت محدود) قید شود و الا آن شرکت در مقابل اشخاص ثالث شرکت تضامنی محسوب و تابع مقررات آن خواهد بود.

اسم شرکت نباید متضمن اسم هیچیک از شرکاء باشد و الا شریکی که اسم او در اسم شرکت قید شده در مقابل اشخاص ثالث حکم شریک ضامن در شرکت تضامنی را خواهد داشت .

ماده ۹۶ - شرکت بامسئولیت محدود وقتی تشکیل می شود که تمام سرمایه نقدی تادیه و سهم الشرکه غیر نقدی نیز تقدیم و تسلیم شده باشد.

ماده ۹۷ - در شرکت نامه باید صراحتاً قید شده باشد که سهم الشرکه های غیر نقدی هر کدام به چه میزان تقویم شده است .

ماده ۹۸ - شرکاء نسبت به قیمتی که در حین تشکیل شرکت برای سهم الشرکه های غیر نقدی معین شده در مقابل اشخاص ثالث مسئولیت تضامنی دارند.

ماده ۹۹ - مرور زمان دعاوی ناشی از مقررات فوق ده سال از تاریخ تشکیل شرکت است .

ماده ۱۰۰ - هر شرکت بامسئولیت محدود که برخلاف مواد ۹۶ و ۹۷ تشکیل شده باشد باطل و از درجه اعتبار ساقط است لیکن شرکاء در مقابل اشخاص ثالث حق استناد به این بطلان ندارند.

ماده ۱۰۱ - اگر حکم بطلان شرکت به استناد ماده قبل صادر شود شرکائی که بطلان مستند به عمل آنهاست و هیئت نظار و مدیرهائی که در حین حدوث سبب بطلان یا بلافاصله پس از آن به سرکار بوده و انجام وظیفه نکرده اند در مقابل شرکاء دیگر و اشخاص ثالث نسبت به خسارات ناشیه از این بطلان متضامناً مسئول خواهند بود مدت مرور زمان ده سال از تاریخ حدوث موجب خواهند بود.

ماده ۱۰۲ - سهم الشرکه که شرکاء نمی توانند به شکل اوراق تجارتي قابل انتقال اعم از اسم و بایبی اسم و غیره در آید سهم الشرکه رانمی توان منتقل به غیر نمود مگر با رضایت عده از شرکاء که لااقل سه ربع سرمایه متعلق به آنها بوده و اکثریت عددی نیز داشته باشند.

ماده ۱۰۳ - انتقال سهم الشرکه بعمل نخواهد آمد مگر بموجب سند رسمی .

ماده ۱۰۴ - شرکت بامسئولیت محدود بوسیله يك یا چند نفر مدیر موظف یا غیر موظف که از بین شرکاء یا از خارج برای مدت محدود یا نامحدود معین می شوند اداره می گردد.

ماده ۱۰۵ - مدیران شرکت کلیه اختیارات لازمه را برای نمایندگی و اداره شرکت خواهند داشت مگر اینکه در اساسنامه غیر این ترتیب مقرر شده باشد هر قراردادی راجع به محدود کردن اختیارات مدیران که در اساسنامه تصریح به آن نشده در مقابل اشخاص ثالث باطل و کان لم یکن است .

ماده ۱۰۶ - تصمیمات راجع به شرکت باید به اکثریت لااقل نصف سرمایه اتخاذ شود ، اگر در دفعه اول این اکثریت حاصل نشد باید تمام شرکاء مجدداً دعوت شوند در این صورت تصمیمات به اکثریت عددی شرکاء اتخاذ می شود اگر چه اکثریت مزبور دارای نصف سرمایه نباشد ، اساسنامه شرکت می تواند ترتیبی برخلاف مراتب فوق مقرر دارد.

ماده ۱۰۷ - هر يك از شرکاء به نسبت سهمی که در شرکت دارد دارای رای خواهد بود مگر اینکه اساسنامه ترتیب دیگری مقرر داشته باشد.

ماده ۱۰۸ - روابط بین شرکاء تابع اساسنامه است اگر در اساسنامه راجع به تقسیم نفع و ضرر مقررات خاصی نباشد تقسیم مزبور به نسبت سرمایه شرکاء بعمل خواهد آمد.

ماده ۱۰۹ - هر شرکت بامسئولیت محدود که عده شرکاء آن بیش از دوازده نفر باشد باید دارای هیئت نظار بوده و هیئت مزبور لااقل سالی يك مرتبه مجمع عمومی شرکاء را تشکیل دهد. هیئت نظار باید بلافاصله بعد از انتخاب شدن تحقیق کرده و اطمینان حاصل کند که دستور مواد ۹۶ و ۹۷ رعایت شده است .

هیئت نظار می تواند شرکاء را برای انعقاد مجمع عمومی فوق العاده دعوت نماید.

مقررات مواد ۱۶۵ و ۱۶۷ و ۱۶۸ و ۱۷۰ در مورد شرکتهای بامسئولیت محدود نیز رعایت خواهد شد.

ماده ۱۱۰ - شرکاء نمی توانند تبعیت شرکت را تغییر دهند مگر به اتفاق آراء.

ماده ۱۱۱ - هر تغییر دیگری راجع به اساسنامه باید با اکثریت عددی شرکاء که لااقل سه ربع سرمایه را نیز دارا باشند بعمل آید مگر اینکه در اساسنامه اکثریت دیگری مقرر شده باشد.

ماده ۱۱۲ - در هیچ مورد اکثریت شرکاء نمی تواند شریکی را مجبور به ازدیاد سهم الشرکه خود کند.

ماده ۱۱۳ - مفاد ماده ۷۸ این قانون راجع به تشکیل سرمایه احتیاطی در شرکت های بامسئولیت محدود نیز لازم الرعایه است .

ماده ۱۱۴ - شرکت بامسئولیت محدود در موارد ذیل منحل می شود -

الف - در مورد فقرات ۱ و ۲ و ماده ۹۳

ب - در صورت تصمیم عده از شرکاء که سهم الشرکه آنها بیش از نصف سرمایه شرکت باشد.

ج - در صورتی که بواسطه ضررهای وارده نصف سرمایه شرکت از بین رفته و یکی از شرکاء تقاضای انحلال کرده و محکمه دلائل اوراموجه دیده و سایر شرکاء حاضر نباشند سهمی را که در صورت انحلال به او تعلق می گیرد پرداخته و او را از شرکت خارج کنند.

د - در مورد فوت یکی از شرکاء اگر بموجب اساسنامه پیش بینی شده باشد ماده ۱۱۵ - اشخاص ذیل کلاه بردار محسوب می شوند -

الف - موسسین و مدیرانی که برخلاف واقع پرداخت تمام سهم الشرکه نقدی و تقویم و تسلیم سهم الشرکه غیر نقدی را در اوراق و اسنادی که باید برای ثبت شرکت بدهند اظهار کرده باشند.

ب - کسانی که به وسایل متقلبانه سهم الشرکه غیر نقدی را بیش از قیمت واقعی آن تقویم کرده باشند.

ج - مدیرانی که بانبودن صورت دارائی یابه استناد صورت دارائی مزور منافع موهومی را بین شرکاء تقسیم کنند.

مبحث سوم - شرکت تضامنی

ماده ۱۱۶ - شرکت تضامنی شرکتی است که در تحت اسم مخصوص برای امور تجاری بین دو یا چند نفر بامسئولیت تضامنی تشکیل می شود - اگر دارائی شرکت برای تادیه تمام قروض کافی نباشد هر یک از شرکاء مسئول پرداخت تمام قروض شرکت است .

قراری که بین شرکاء برخلاف این ترتیب داده شده باشد در مقابل اشخاص کان لم یکن خواهد بود.

ماده ۱۱۷ - در اسم شرکت تضامنی باید عبارت ( شرکت تضامنی ) و لا اقل اسم یک نفر از شرکاء ذکر شود. در صورتی که اسم شرکت مشتمل بر اسمی تمام شرکاء نباشد باید بعد از اسم شریک یا شرکائی که ذکر شده است عبارتی از قبیل ( و شرکاء ) یا ( و برادران ) قید شود.

ماده ۱۱۸ - شرکت تضامنی وقتی تشکیل می شود که تمام سرمایه نقدی تادیه و سهم الشرکه غیر نقدی نیز تقویم و تسلیم شده باشد.

ماده ۱۱۹ - در شرکت تضامنی منافع به نسبت سهم الشرکه بین شرکاء تقسیم می شود مگر آنکه شرکت نامه غیر از این ترتیب را مقرر داشته باشد.

ماده ۱۲۰ - در شرکت تضامنی شرکاء باید لا اقل یک نفر از میان خود یا از خارج بسمت مدیری معین نمایند.

ماده ۱۲۱ - حدود مسئولیت مدیر یا مدیران شرکت تضامنی همان است که در ماده ۵۱ مقرر شده است .

ماده ۱۲۲ - در شرکتهای تضامنی اگر سهم الشرکه یک یا چند نفر غیر نقدی باشد باید سهم الشرکه مزبور قبلاً به تراضی تمام شرکاء تقویم شود.

ماده ۱۲۳ - در شرکت تضامنی هیچیک از شرکاء نمی تواند سهم خود را به دیگری منتقل کند مگر به رضایت تمام شرکاء.

ماده ۱۲۴ - مادام که شرکت تضامنی منحل نشده مطالبه قروض آن باید از خود شرکت به عمل آید و پس از انحلال طلبکاران شرکت می تواند برای وصول مطالبات خود به هر یک از شرکاء که بخواهند و یا به تمام آنها رجوع کنند ، در هر حال هیچیک از شرکاء نمی توانند به استناد اینکه میزان قروض شرکت از میزان سهم او در شرکت تجاوز می نماید از تادیه قروض شرکت امتناع ورزد. فقط در روابط بین شرکاء مسئولیت هر یک از آنها در تادیه قروض شرکت به نسبت سرمایه خواهد بود که در شرکت گذاشته است آنها در صورتی که در شرکت - نامه ترتیب دیگری اتخاذ نشده باشد.

ماده ۱۲۵ - هر کس بعنوان شریک ضامن در شرکت تضامنی موجودی داخل شود متضامناً با سایر شرکاء مسئول قروضی هم خواهند بود که شرکت قبل از ورود او داشته اعم از اینکه در اسم شرکت تغییری داده شده یا نشده باشد. هر قراری که بین شرکاء برخلاف این ترتیب داده شده باشد در مقابل اشخاص ثالث کان لم یکن خواهد بود.

ماده ۱۲۶ - هرگاه شرکت تضامنی منحل شود مادام که قروض شرکت از دارائی آن تادیه نشده هیچیک از طلبکاران شخصی شرکاء حقی در آن دارائی نخواهند داشت . اگر دارائی شرکت برای پرداخت قروض آن کفایت نکند طلبکاران شرکت حق دارند بقیه طلب خود را از تمام یا فرد در شرکاء ضامن مطالبه کنند ولی در این مورد طلبکاران شرکت بر طلبکاران شخصی شرکاء حق تقدم نخواهند داشت .

- ماده ۱۲۷ - به ورشکستگی شرکت تضامنی بعد از انحلال نیز می توان حکم داد مشروط به اینکه دارائی شرکت تقسیم نشده باشد.
- ماده ۱۲۸ - ورشکستگی شرکت ملازمه قانونی با ورشکستگی شرکاء و ورشکستگی بعضی از شرکاء ملازمه قانونی با ورشکستگی شرکت ندارد.
- ماده ۱۲۹ - طلبکاران شخصی شرکاء حق ندارند طلب خود را از دارائی شرکت تامین یا وصول کنند ولی می توانند نسبت به سهمیه مدیون خود از منافع شرکت سهمی که در صورت انحلال شرکت ممکن است به مدیون مزبور تعلق گیرد هر اقدام قانونی که مقتضی باشد بعمل آورند. طلبکاران شخصی شرکاء در صورتی که نتوانسته باشند طلب خود را از دارائی شخصی مدیون خود وصول کنند و سهم مدیون از منافع شرکت کافی برای تادیه طلب آنها نباشد می توانند انحلال شرکت را تقاضا نمایند (اعم از اینکه شرکت برای مدت محدود یا غیر محدود تشکیل شده باشد) مشروط بر اینکه لا اقل ششماه قبل قصد خود را به وسیله اظهارنامه رسمی به اطلاع شرکت رسانیده باشند در این صورت شرکت یا بعضی از شرکاء می توانند مادام که حکم نهائی انحلال صادر نشده با تادیه طلب داتین مزبور تا حد دارائی مدیون در شرکت یا با جلب رضایت آنان بطریق دیگر از انحلال شرکت جلوگیری کنند.
- ماده ۱۳۰ - نه مدیون شرکت می تواند در مقابل طلبی که ممکن است از یکی از شرکاء داشته باشد استناد به تهاثر کندنه خود شریک می تواند در مقابل قرضی طلبکار او به شرکت داشته باشد به تهاثر استناد نماید. معذک کسی که طلبکار شرکت و مدیون به یکی از شرکاء بوده و پس از انحلال شرکت طلب اول وصول مانده در مقابل آن شریک حق استناد به تهاثر خواهد داشت .
- ماده ۱۳۱ - در صورت ورشکستگی یکی از شرکاء و همچنین در صورتی که یکی از طلبکاران شخصی یکی از شرکاء بموجب ماده ۱۲۹ انحلال شرکت را تقاضا کرد سایر شرکاء می توانند سهمی آن شریک را از دارائی شرکت نقد تادیه کرده و او را از شرکت خارج کنند.
- ماده ۱۳۲ - اگر در نتیجه ضررهای وارده سهم شرکت که شرکاء کم شود مادام که این کمبود جبران نشده تادیه هر نوع منفعت به شرکاء ممنوع است .
- ماده ۱۳۳ - جز در مورد فوق هیچیک از شرکاء را شرکت نمی تواند تادیه تکمیل سرمایه که بعثت ضررهای وارده کم شده است ملزم کرده و با او را مجبور نماید بیش از آنچه که در شرکت نامه مقرر شده است به شریک سرمایه دهد.
- ماده ۱۳۴ - هیچ شریکی نمی تواند بدون رضایت سایر شرکاء (بحساب شخص خود یا بحساب شخص ثالث) تجارتی از نوع تجارت شرکت نموده و بعنوان شریک ضامن یا شریک با مسئولیت محدود در شرکت دیگری که نظیر آن تجارت را دارد داخل شود.
- ماده ۱۳۵ - هر شرکت تضامنی می تواند با تصویب تمام شرکاء به شرکت سهامی مبدل گردد در این صورت رعایت تمام مقررات راجعه به شرکت سهامی حتمی است .
- ماده ۱۳۶ - شرکت تضامنی در موارد ذیل منحل می شود -
- الف - در مورد فقرات ۱ و ۲ و ۳ ماده ۹۲.
- ب - در صورت تراضی تمام شرکاء
- ج - در صورتی که یکی از شرکاء به دلایلی انحلال شرکت را از محکمه تقاضا نماید و محکمه آن دلایل را موجه دانسته حکم به انحلال بدهد.
- د - در صورت فسخ یکی از شرکاء مطابق ماده ۱۳۷.
- ه - در صورت ورشکستگی یکی از شرکاء مطابق ماده ۱۳۸.
- و - در صورت فوت یا محجوریت یکی از شرکاء مطابق مواد ۱۳۹ و ۱۴۰.
- تبصره - در مورد بند "ج" هرگاه دلایل انحلال منحصر مربوط به شریک یا شرکاء معین باشد محکمه می تواند به تقاضای سایر شرکاء بجای انحلال حکم اخراج آن شریک یا شرکای معین را بدهد.
- ماده ۱۳۷ - فسخ شرکت در صورتی ممکن است که در اساسنامه این حق از شرکاء سلب نشده و ناشی از قصداً ضرر نباشد تقاضای فسخ باید ششماه قبل از فسخ کتابا به شرکاء اعلام شود. اگر موافق اساسنامه باید سال به سال به حساب شرکت رسیدگی شود فسخ در موقع ختم محاسبه سالانه بعمل می آید.
- ماده ۱۳۸ - در مورد ورشکستگی یکی از شرکاء انحلال وقتی صورت می گیرد که مدیر تصفیه کتابتاً تقاضای انحلال شرکت را نموده و از تقاضای مزبور شش ماه گذشته و شرکت مدیر تصفیه را از تقاضای انحلال منصرف نکرده باشد.

ماده ۱۳۹ - در صورت فوت یکی از شرکاء بقاء شرکت موقوف به رضایت سایر شرکاء و قائم مقام متوفی خواهد بود.

اگر سایر شرکاء به بقاء شرکت تصمیم نموده باشند قائم مقام متوفی باید یک ماه از تاریخ فوت رضایت یا عدم رضایت خود را راجع به بقاء شرکت کتبا اعلام نماید در صورتی که قائم مقام متوفی رضایت خود را اعلام نمود نسبت به اعمال شرکت در مدت مزبور از نفع و ضرر شریک خواهد بود ولی در صورت اعلام عدم رضایت در منافع حاصله در مدت مذکور شریک بوده و نسبت به ضرر آن مدت سهم نخواهد بود.

سکوت تا انقضای یکماه در حکم اعلام رضایت است .

ماده ۱۴۰ - در مورد مجوریت یکی از شرکاء مطابق مدلول ماده فوق عمل خواهد شد.

مبحث چهارم

در شرکت مختلط غیر سهامی

ماده ۱۴۱ - شرکت مختلط غیر سهامی شرکتی است که برای امور تجاری در تحت اسم مخصوصی بین یک یا چند نفر شریک ضامن و یک یا چند نفر شریک با مسئولیت محدود بدون انتشار سهام تشکیل می شود. شریک ضامن مسئول کلیه قروضی است که ممکن است علاوه بردارائی شرکت پیدا شود شریک با مسئولیت محدود کسی است که مسئولیت او فقط تا میزان سرمایه ایست که در شرکت گذارده و یا پایستی بگذارد. در اسم شرکت باید عبارت ( شرکت مختلط) و لا اقل اسم یکی از شرکاء ضامن قید شود.

ماده ۱۴۲ - روابط بین شرکاء با رعایت مقررات ذیل تابع شرکت نامه خواهد بود.

ماده ۱۴۳ - هر یک از شرکاء با مسئولیت محدود که اسمش جزء اسم شرکت باشد در مقابل طلبکاران شرکت شریک ضامن محسوب خواهد شد. هر قراری که برخلاف این ترتیب بین شرکاء داده شده باشد در مقابل اشخاص ثالث بی اثر است .

ماده ۱۴۴ - اداره شرکت مختلط غیر سهامی بعهده شریک یا شرکای ضامن و حدود اختیارات آنها همان است که در مورد شرکاء شرکت تضامنی مقرر است .

ماده ۱۴۵ - شریک با مسئولیت محدود به عنوان شریک حق اداره کردن شرکت را دارنده اداره امور شرکت از وظایف او است .

ماده ۱۴۶ - اگر شریک با مسئولیت محدود معامله ای برای شرکت کند در مورد تعهدات ناشیه از آن معامله در مقابل طرف معامله حکم شریک ضامن را خواهد داشت مگر اینکه تصریح کرده باشد معامله را به سمت وکالت از طرف شرکت انجام می دهد.

ماده ۱۴۷ - هر شریک با مسئولیت محدود حق نظارت در امور شرکت داشته و می تواند از روی دفاتر و اسناد شرکت برای اطلاع شخص خود راجع به وضعیت مالی شرکت صورت خلاصه ترتیب دهد. هر قراردادی که بین شرکاء برخلاف این ترتیب داده شود از درجه اعتبار ساقط است .

ماده ۱۴۸ - هیچ شریک با مسئولیت محدود نمی تواند بدون رضایت سایر شرکاء شخص ثالثی را با انتقال تمام یا قسمتی از سهم شرکت خود به او داخل در شرکت کند.

ماده ۱۴۹ - اگر یک یا چند نفر از شرکاء با مسئولیت محدود حق خود را در شریک بدون اجازه سایرین کلایا بعهده شخص ثالثی واگذار نمایند شخص مزبور نه حق دخالت در اداره شرکت و نه حق تفتیش در امور شرکت را خواهد داشت .

ماده ۱۵۰ - در مورد تعهداتی که شرکت مختلط غیر سهامی ممکن است قبل از ثبت شرکت کرده باشد شریک با مسئولیت محدود در مقابل اشخاص ثالث در حکم شریک ضامن خواهد بود مگر ثابت نماید که اشخاص مزبور از محدود بودن مسئولیت او اطلاع داشته اند.

ماده ۱۵۱ - شریک ضامن را وقتی می توان شخصاً برای قروض شرکت تعقیب نمود که شرکت منحل شده باشد.

ماده ۱۵۲ - هرگاه شرکت بطریقی غیر از ورشکستگی منحل شود شریک با مسئولیت محدود هنوز تمام یا قسمتی از سهم شرکت را در اختیار داشته و یا پس از تادیه مسترد داشته است طلبکاران شرکت حق دارند معادل آنچه که از بابت سهم شرکت باقی مانده است مستقیماً بر علیه شریک با مسئولیت محدود اقامه دعوی نمایند.

اگر شرکت ورشکست شود حق مزبور را مدیریت تصفیه خواهد داشت .

ماده ۱۵۳ - اگر در نتیجه قرارداد با شرکاء ضامن و یا در اثر برداشت قبلی از سرمایه شرکت با مسئولیت محدود از سهم شرکت خود که به ثبت رسیده است بکاهد این تقلیل مادام که به ثبت نرسیده

و برطبق مقررات راجعه به نشر شرکتها منتشر نشده است در مقابل طلبکاران شرکت معتبر نبوده و طلبکاران مزبور می توانند برای تعهداتی که از طرف شرکت قبل از ثبت و انتشار تقلیل سرمایه بعمل آمده است تادیه همان سرمایه اولیه شریک بامسئولیت محدود را مطالبه نمایند.

ماده ۱۵۴ - به شریک بامسئولیت محدود فرع نمی توان دادمگرد صورتی موجب کسر سرمایه اودر شرکت نشود اگر در نتیجه ضررهای وارده سهم شرکت شریک بامسئولیت محدود کسر شده مادام که این کمبود جبران نشده تادیه هر بربح یا منفعتی به او ممنوع است .

هرگاه وجهی برخلاف حکم فوق تادیه گردید شریک بامسئولیت محدود تا معادل وجه دریافتی مسئول تعهدات شرکت است مگردر موردی که با حسن نیت و به اعتبار بیلان مرتبی وجهی گرفته باشد.

ماده ۱۵۵ - هرکس بعنوان شریک بامسئولیت محدود در شرکت مختلط غیر سهامی موجودی داخل شود تا معادل سهم شرکت خود مسئول قروضی خواهد بود که شرکت قبل از ورود او داشته خواه اسم شرکت عوض شده یا نشده باشد. هر شرطی که برخلاف این ترتیب باشد در مقابل اشخاص ثالث کان لم یکن خواهد بود.

ماده ۱۵۶ - اگر شرکت مختلط غیر سهامی ورشکست شود دارائی شرکت بین طلبکاران خود شرکت تقسیم شده و طلبکاران شخصی شرکاء در آن حقی ندارند ، سهم شرکت شرکاء بامسئولیت محدود نیز جزو دارائی شرکت نیز محسوب است .

ماده ۱۵۷ - اگر دارائی شرکت برای تادیه تمام قروض آن کافی نباشد طلبکاران آن حق دارند بقیه طلب خود را از دارائی شخصی تمام یا هر یک از شرکاء ضامن وصول کنند در این صورت بین طلبکاران شرکت و طلبکاران شخصی شرکاء ضامن تفاوتی نخواهد بود.

ماده ۱۵۸ - در صورت ورشکستگی یکی از شرکاء بامسئولیت محدود خود شرکت یا طلبکاران آن با طلبکاران شخصی شریک مزبور متمسواوی الحقوق خواهند بود.

ماده ۱۵۹ - مقررات مواد ۱۲۹ و ۱۳۰ در شرکتها مختلط غیر سهامی نیز لازم الرعایه است .

ماده ۱۶۰ - اگر شریک ضامن بیش از یک نفر باشد مسئولیت آنها در مقابل طلبکاران و روابط آنها با یکدیگر تابع مقررات راجع به شرکتها تضامنی است .

ماده ۱۶۱ - مقررات مواد ۱۳۶ ، ۱۳۷ ، ۱۳۸ ، ۱۳۹ ، ۱۴۰ در مورد شرکتها مختلط غیر سهامی نیز جاری است .

مرگ یا محجوریت یا ورشکستگی شریک یا شرکاء بامسئولیت محدود موجب انحلال شرکت نمی شود.

مبحث پنجم

شرکت مختلط سهامی

ماده ۱۶۲ - شرکت مختلط سهامی شرکتی است که در تحت اسم مخصوصی بین یک عدد شرکاء سهامی و یک یا چند نفر شریک ضامن تشکیل می شود.

شرکاء سهامی کسانی هستند که سرمایه آنها بصورت سهام یا قطعات سهام متمسواوی القیمه درآمده و مسئولیت آنها تا میزان همان سرمایه است که در شرکت دارند.

شریک ضامن کسی است که سرمایه او بصورت سهام در نیامده و مسئول کلیه قروضی است که ممکن است علاوه بر دارائی شرکت پیدا شود در صورت تعدد شریک ضامن مسئولیت آنها در مقابل طلبکاران و روابط آنها با یکدیگر تابع مقررات شرکت تضامنی خواهد بود.

ماده ۱۶۳ - در اسم شرکت باید عبارت ( شرکت مختلط) و لا اقل اسم یکی از شرکاء ضامن قید شود.

ماده ۱۶۴ - مدیریت شرکت مختلط سهامی مخصوص به شریک یا شرکاء ضامن است .

ماده ۱۶۵ - در هر یک از شرکتها مختلط سهامی هیئت لاقل مرکب از سه نفر از شرکاء برقراری شود و این هیئت را مجمع عمومی شرکاء بلافاصله بعد از تشکیل قطعی شرکت و قبل از هر اقدامی در امور شرکت معین می کند ، انتخاب هیئت بر حسب شرائط مقرر در اساسنامه شرکت تجدید می شود و در هر صورت اولین هیئت نظار برای یکسال انتخاب خواهد شد.

ماده ۱۶۶ - اولین هیئت نظار باید بعد از انتخاب شدن بلافاصله تحقیق و اطمینان حاصل کند که تمام مقررات مواد ۲۸ ، ۲۹ ، ۲۸ ، ۴۱ ، ۵۰ این قانون رعایت شده است .

ماده ۱۶۷ - اعضاء هیئت نظار از جهت اعمال اداری و نتایج حاصله از آن هیچ مسئولیتی ندارند لیکن هر یک از آنها در انجام ماموریت خود بر طبق قوانین معموله مملکتی مسئول اعمال و تقصیرات خود می باشند.



ماده ۱۶۸ - اعضاء هيئت نظاردفاتر و صندوق و كليہ اسناد شرکت راتحت تدقيق در آورده همه ساله راپرتي به مجمع عمومي مي دهند و هرگاه در تنظيم صورت دارائي بي ترتيبی و خطائي مشاهده نماينده در راپرت مذکور ذکر نموده و اگر مخالفتي با پيشنهاد مدير شرکت در تقسيم منافع داشته باشند دلائل خود را بيان مي کنند.

ماده ۱۶۹ - هيئت نظار مي تواند شرکاء را براي انعقاد مجمع عمومي دعوت نمايد و با موافقت راي مجمع مزبور بر طبق فقره (ب) ماده ۱۸۱ شرکت رامنحل کند.

ماده ۱۷۰ - تا پانزده روز قبل از انعقاد مجمع عمومي هر صاحب سهمي مي تواند (خود يا نماينده او) در مرکز اصلي شرکت حاضر شده از صورت بيلان و صورت دارائي و راپورت هيئت نظار اطلاع حاصل کند.

ماده ۱۷۱ - ورشکستگي هيچيك از شرکاء ضامن موجب انحلال شرکت نخواهد شد مگر در مورد ماده ۱۳۸.

ماده ۱۷۲ - حکم مواد ۱۲۴ و ۱۳۴ در مورد شرکت مختلط سهامی و شرکاء ضامن آن جاري است .

ماده ۱۷۳ - هرگاه شرکت مختلط سهامی و ورشکست شود شرکاء سهامی تمام قيمت سهام خود را نپرداخته باشند مدير تصفيه آنچه را که بر عهده آنها باقي است وصول مي کند.

ماده ۱۷۴ - اگر شرکت بطريقي غير از ورشکستگي منحل شده هيک از طلبکاران شرکت مي تواند بهر يك از شرکاء سهامی که از بابت قيمت سهام خود مديون شرکت است رجوع کرده در حدود بدهي آن شريك طلب خود را مطالبه نمايند مادام که شرکت منحل نشده طلبکاران براي وصول طلب خود حق رجوع به هيچيك از شرکاء سهامی ندارند.

ماده ۱۷۵ - اگر شرکت مختلط و ورشکست شد تا قروض شرکت از دارائي آن تاديه نشده طلبکاران شخصي شرکاء ضامن حقي به دارائي شرکت ندارد.

ماده ۱۷۶ - مفاد مواد ۲۸ ، ۲۹ ، ۲۸ ، ۲۹ ، ۲۸ ، ۲۹ ، ۴۱ ، ۵۰ شامل شرکت مختلط سهامی است .

ماده ۱۷۷ - هر شرکت مختلط سهامی که برخلاف مواد ۲۸ ، ۲۹ ، ۲۹ ، ۳۹ ، ۵۰ تشكيل شود باطل است ليکن شرکاء نمي توانند در مقابل اشخاص خارج به اين بطلان استناد نمايند.

ماده ۱۷۸ - هرگاه شرکت بر حسب ماده قبل محکوم به بطلان شود مطابق ماده ۱۰۱ رفتار خواهد شد.

ماده ۱۷۹ - مفاد مواد ۸۴ ، ۸۵ ، ۸۶ ، ۸۷ اين قانون در شرکتهای مختلط نیز بايد رعایت شود.

ماده ۱۸۰ - مفاد مواد ۸۹ ، ۹۰ ، ۹۱ ، ۹۲ اين قانون در مورد شرکت مختلط نیز لازم الرعايه است .

ماده ۱۸۱ - شرکت مختلط در موارد ذيل منحل مي شود -

(الف) در مورد فقرات ۱ ، ۲ ، ۳ ماده ۹۳ (ب) بر حسب تصميم مجمع عمومي در صورتی که در اساسنامه اين حق براي مجمع مذکور تصريح شده باشد (ج) بر حسب تصميم مجمع عمومي و رضایت شرکاء ضامن (د) در صورت فوت يا محجوريت يکي از شرکاء ضامن مشروط بر اين که انحلال شرکت در اين مورد در اساسنامه تصريح شده باشد.

در مورد فقرات (ب) و (ج) حکم ماده ۷۲ جاري است .

ماده ۱۸۲ - هرگاه در اساسنامه براي مجمع عمومي حق تصميم به انحلال معين نشده و بين مجمع عمومي و شرکاء ضامن راجع به انحلال موافقت حاصل نشود و محکمه دلائل طرفداران انحلال را موجه بيند حکم به انحلال خواهد داد. همين حکم در موردی نیز جاري است که يکي از شرکاء ضامن به دلائلي انحلال شرکت را از محکمه تقاضا نموده و محکمه آن دلائل را موجه به بيند.

مبحث ششم  
شرکت نسبي

ماده ۱۸۳ - شرکت نسبي شرکتي است که براي امور تجارتي در تحت اسم مخصوص بين دو يا چند نفر تشكيل و مسئوليت هر يك از شرکاء به نسبت سرمايه اي است که در شرکت گذاشته .

ماده ۱۸۴ - در اسم شرکت نسبي عبارت ( شرکت نسبي ) و لا اقل اسم يك نفر از شرکاء بايد ذکر شود در صورتی که اسم شرکت مشتمل بر اسمي تمام شرکاء نباشد بعد از اسم شريك يا شرکائي که ذکر شده عبارتي از قبل " شرکاء " و " برادران " ضروري است .

ماده ۱۸۵ - دستور ماده ۱۱۸ ، ۱۱۹ ، ۱۲۰ ، ۱۲۱ ، ۱۲۲ ، ۱۲۳ در مورد شرکت نسبي براي تاديه تمام قروض شرکت کافي نباشد هيک از شرکاء به نسبت سرمايه که در شرکت داشته مسئول تاديه قروض شرکت است .

ماده ۱۸۷ - مادام که شرکت نسبی منحل نشده مطالبه قروض آن بایداز خود شرکت بعمل آید فقط پس از انحلال طلبکاران می توانند با رعایت ماده فوق به فرد فرد شرکاء مراجعه کنند.  
ماده ۱۸۸ - هرکس بعنوان شریک ضامن در شرکت نسبی موجودی داخل شود به نسبت سرمایه که در شرکت می گذارد مسئول قروضی هم خواهد بود که شرکت قبل از ورود او داشته اعم از اینکه در اسم شرکت تغییری داده شده باشد یا نشده باشد قرار شرکاء برخلاف این ترتیب نسبت به اشخاص ثالث اثر ندارد.  
ماده ۱۸۹ - مفاد ماده ۱۲۶ (جز مسئولیت شرکاء که به نسبت سرمایه آنها است) و مواد ۱۲۷ و ۱۲۶ در شرکتهای نسبی نیز جاری است .  
مبحث هفتم

شرکتهای تعاونی تولید و مصرف

ماده ۱۹۰ - شرکت تعاونی تولید شرکتی است که بین عده از ارباب حرف تشکیل می شود و شرکاء مشاغل خود را برای تولید و فروش اشیاء یا اجناس بکار می برند.  
ماده ۱۹۱ - اگر در شرکت تولید یک عدد از شرکاء در خدمت دائمی شرکت نبوده یا از اهل حرفه که موضوع عملیات شرکت است نباشند لااقل دوثلث اعضاء اداره کننده شرکت بایداز شرکائی انتخاب شوند که حرفه آنها موضوع عملیات شرکت است .  
ماده ۱۹۲ - شرکت تعاونی مصرف شرکتی است که برای مقاصد ذیل تشکیل می شود -  
۱ - فروش اجناس لازمه برای مصارف زندگانی اعم از اینکه اجناس مزبوره را شرکاء ایجاد کرده یا خریده باشند.  
۲ - تقسیم نفع و ضرر بین شرکاء به نسبت خرید هر یک از آنها.  
ماده ۱۹۳ - شرکت تعاونی اعم از تولید یا مصرف ممکن است مطابق اصول شرکت سهامی یا بر طبق مقررات مخصوصی که با تراضی شرکاء ترتیب داده شده باشد تشکیل بشود ولی در هر حال مفاد مواد ۳۲ و ۳۳ لازم الرعایه است .  
ماده ۱۹۴ - در صورتی که شرکت تعاونی تولید یا مصرف مطابق اصول شرکت سهامی تشکیل شود حداقل سهام یا قطعات سهام ده ریال خواهد بود و هیچیک از شرکاء نمی توانند در مجمع عمومی بیش از یک رای داشته باشد.

فصل دوم

در مقررات راجعه به ثبت شرکتهای و نشر شرکتنامه ها

ماده ۱۹۵ - ثبت کلیه شرکتهای مذکور در این قانون الزامی و تابع جمیع مقررات قانون ثبت شرکتهای است .  
ماده ۱۹۶ - اسناد و نوشتهجاتی که برای به ثبت رسانیدن شرکت لازم است در نظامنامه وزارت عدلیه معین می شود.  
ماده ۱۹۷ - در ظرف ماه اول تشکیل هر شرکت خلاصه شرکت نامه و منضمات آن طبق نظامنامه وزارت عدلیه اعلان خواهد شد.  
ماده ۱۹۸ - اگر به علت عدم رعایت دستور دو ماده فوق بطلان عملیات شرکت اعلام شده هیچیک از شرکاء نمی توانند بطلان را در مقابل اشخاص ثالثی که با آنها معامله کرده اند عذر قرار دهند.  
ماده ۱۹۹ - هرگاه شرکت در چندین حوزه شعبه داشته باشد مقررات مواد ۱۹۵ ، ۱۹۷ بایده قسمی که در نظامنامه وزارت عدلیه معین می شود در هر حوزه جداگانه انجام گردد.  
ماده ۲۰۰ - در هر موقع که تصمیماتی برای تغییر اساسنامه شرکت یا تمدید مدت شرکت زائد بر مدت مقرری انحلال شرکت (حتی در مواردی که انحلال به واسطه انقضای مدت شرکت صورت می گیرد) و تعیین کیفیت تفریح حساب یا تبدیل شرکاء یا خروج بعضی از آنها از شرکت یا تغییر اسم شرکت اتخاذ شود مقررات مواد ۱۹۵ و ۱۹۷ لازم الرعایه است .  
همین ترتیب در موقع هر تصمیمی که نسبت به مورد معین در ماده ۱۷۹ این قانون اتخاذ می شود رعایت خواهد شد.  
ماده ۲۰۱ - در هر گونه اسناد و صورت حسابها و اعلانات و نشریات و غیره که بطور خطی یا چاپی از طرف شرکت های مذکور در این قانون به استثنای شرکتهای تعاونی صادر می شود سرمایه شرکت صریحاً باید ذکر گردد و اگر تمام سرمایه پرداخته نشده قسمتی که پرداخته شده نیز باید صریحاً معین شود شرکت متخلف به جزای نقدی از دو بیست تا سه هزار ریال محکوم خواهد شد.

تبصره - شرکتهای خارجی نیز که بوسیله شعبه یانماینده در ایران اشتغال به تجارت دارند در مورد اسناد و صورت حسابها و اعلانات و نشریات خود در ایران مشمول مقررات این ماده خواهند بود.

فصل سوم

در تصفیه امور شرکتهای

ماده ۲۰۲ - تصفیه امور شرکتهای پس از انحلال موافق مواد ذیل خواهد بود مگر در مورد ورشکستگی که تابع مقررات مربوطه به ورشکستگی است .

ماده ۲۰۳ - در شرکتهای تضامنی و نسبی و مختلط سهامی و غیر سهامی امر تصفیه بامدییریا مدیران شرکت است مگر آنکه شرکاء ضامن اشخاص دیگری را از خارج یا ازین خود برای تصفیه معین نمایند.

ماده ۲۰۴ - اگر از طرف یک یا چند شریک ضامن تعیین اشخاص مخصوص برای تصفیه تقاضا شد و سایر شرکاء ضامن آن تقاضا را پذیرفتند محکمه بدایت اشخاصی را برای تصفیه معین خواهد کرد.

ماده ۲۰۵ - در هر مورد که اشخاصی غیر از مدیران شرکت برای تصفیه معین شوند اسامی آنها باید در اداره ثبت اسناد ثبت و اعلان گردد.

ماده ۲۰۶ - در شرکتهای مختلط (سهامی و غیر سهامی) شرکاء غیر ضامن حق دارندیک یا چند نفر برای نظارت در امور تصفیه معین نمایند.

ماده ۲۰۷ - وظیفه متصدیان تصفیه خاتمه دادن بکارهای جاری و اجرای تعهدات و وصول مطالبات و تقسیم دارائی شرکت است به ترتیب مقرر در مواد ۲۰۸ - ۲۰۹ - ۲۱۰ - ۲۱۱ - ۲۱۲ .

ماده ۲۰۸ - اگر برای اجرای تعهدات شرکت معاملات جدیدی لازم شود متصدیان تصفیه انجام خواهند داد.

ماده ۲۰۹ - متصدیان تصفیه حق دارند شخصایا به توسط وکیل از طرف شرکت محاکمه کنند.

ماده ۲۱۰ - متصدی تصفیه وقتی حق اصلاح و تعیین حکم دارد که شرکاء ضامن به او اجازه داده باشند ، مواردی که به حکم قانون حکمیت اجباری است از این قانون مستثنی است .

ماده ۲۱۱ - آن قسمت از دارائی شرکت که در مدت تصفیه محل احتیاج نیست بطور موقت بین شرکاء تقسیم می شود ولی متصدیان تصفیه باید معادل قروضی که هنوز موعودتادیه آن نرسیده است و همچنین معادل مبلغی که در حساب بین شرکاء مورد اختلاف است موضوع نمایند.

ماده ۲۱۲ - متصدیان تصفیه حساب شرکاء را نسبت به هم و سهم هر یک از شرکاء را از نفع و ضرر معین می کنند ، رفع اختلاف در تقسیم به محکمه بدایت رجوع می شود.

ماده ۲۱۳ - در شرکتهای سهامی و شرکتهای بامسئولیت محدود و شرکتهای تعاونی امر تصفیه بعهده مدیران شرکت است مگر آنکه اساسنامه یا اکثریت مجمع عمومی شرکت به ترتیب دیگری مقرر داشته باشد.

ماده ۲۱۴ - وظیفه و اختیارات متصدیان تصفیه در شرکت سهامی و شرکتهای بامسئولیت محدود و تعاونی به ترتیبی است که در ماده ۲۰۷ مقرر شده با این تفاوت که حق اصلاح و تعیین حکم برای متصدیان تصفیه این شرکتهای (به استثنای مورد حکمیت اجباری) فقط وقتی خواهد بود که اساسنامه یا مجمع عمومی این حق را به آنها داده باشد.

ماده ۲۱۵ - تقسیم دارائی شرکتهای مذکور در ماده فوق بین شرکاء خواه در ضمن مدت تصفیه خواه پس از ختم آن ممکن نیست مگر آنکه قبلا سه مرتبه در مجله رسمی و یکی از جراید اعلان و یکسال از تاریخ انتشار اولین اعلان در مجله گذشته باشد.

ماده ۲۱۶ - تخلف از ماده قبل متصدیان تصفیه را مسئول خسارت طلبکارانی قرار خواهد داد که به طلب خود نرسیده اند.

ماده ۲۱۷ - دفاتر هر شرکتی که منحل شده بانظر مدیریت ثبت اسناد در محل معینی از تاریخ ختم تصفیه تاده سال محفوظ خواهد ماند.

ماده ۲۱۸ - هر شرکتی مجاز است در اساسنامه خود برای تصفیه ترتیب دیگری مقرر دارد ولی در هر حال آن مقررات نباید مخالف مواد ۲۰۷ - ۲۰۸ - ۲۰۹ - ۲۱۰ - ۲۱۵ - ۲۱۶ - ۲۱۷ و قسمت اخیر ماده ۲۱۱ باشد.

فصل چهارم

مقررات مختلفه

ماده ۲۱۹ - مدت مرور زمان در دعاوی اشخاص ثالث بر علیه شرکاء یا وراث آنها راجع به معاملات شرکت (در مواردی که قانون شرکاء یا وراث آنها رامستول قراردادها) پنج سال است .  
مبداء مرور زمان روزی است که انحلال شرکت یا کناره گیری شریک یا اخراج اواز شرکت در اداره ثبت به ثبت رسیده و در مجله رسمی اعلان شده باشد.  
در صورتی که طلب پس از ثبت و اعلان قابل مطالبه شده باشد مرور زمان از روزی شروع می شود که طلبکار حق مطالبه پیدا کرده .

تبصره - دعوانی که سنخاتایع مرور زمان کوتاهتری بوده یا بموجب این قانون مرور زمان طولانی تری برای آن معین شده از مقررات این ماده مستثنی است .  
ماده ۲۲۰ - هر شرکت ایرانی که فعلا وجود داشته یا در آتی تشکیل شود یا اشتغال به امور تجاری خود را بصورت یکی از شرکتهای مذکور در این قانون در نیآورده و مطابق مقررات مربوط به آن شرکت عمل ننماید شرکت تضامنی محسوب شده و احکام راجع به شرکتهای تضامنی در مورد آن اجرامی گردد هر شرکت تجاری ایرانی مذکور در این قانون و هر شرکت خارجی که بر طبق قانون ثبت شرکتهای مصوب خرداد ماه ۱۳۱۰ مکلف به ثبت است باید کلیه اسناد و صورت حسابها و اعلانات و نشریات خطی و چاپی خود در ایران تصریح نماید که در تحت چه نمره در ایران به ثبت رسیده و الا محکوم به جزای نقدی از دو بیست تا دوهزار ریال خواهد شد ، این مجازات علاوه بر مجازاتی است که در قانون ثبت شرکتهای برای عدم ثبت مقرر شده .

ماده ۲۲۱ - اگر شرکت سهام یا اوراق استقراضی داشته باشد که مطابق اساسنامه شرکت یا تصمیم مجمع عمومی قیمت آنها بطریق قرعه باید تادیه شود و قبل از تادیه قیمت آن سهام یا اوراق منافعی که به آنها تعلق گرفته پرداخته شده باشد شرکت در موقع تادیه اصل قیمت نمی تواند منافع تادیه شده را استرداد نماید.

ماده ۲۲۲ - هر شرکت تجاری می تواند در اساسنامه خود قید کند که سرمایه اولیه خود را به وسیله تادیه اقساط بعدی از طرف شرکاء یا قبول شریک جدید زیاد کرده و یا به واسطه برداشت از سرمایه آن را تقلیل دهد در اساسنامه حداقلی که تا آن میزان می توان سرمایه اولیه را تقلیل داد صراحتا معین می شود. کمتر از عشر سرمایه اولیه شرکت را حداقل قرار دادن ممنوع است .  
(باب چهارم)

برات - فته طلب - چک

فصل اول - برات

مبحث اول صورت برات

ماده ۲۲۳ - برات علاوه بر امضاء یا مهر برات دهنده باید دارای شرایط ذیل باشد -

۱ - قید کلمه (برات) در روی ورقه .

۲ - تاریخ تحریر (روز و ماه و سال)

۳ - اسم شخصی که باید برات را تادیه کند.

۴ - تعیین مبلغ برات .

۵ - تاریخ تادیه وجه برات .

۶ - مکان تادیه وجه برات اعم از اینکه محل اقامت محل علیه باشد یا محل دیگر.

۷ - اسم شخصی که برات در وجه یا حواله کرده یا پرداخته می شود.

۸ - تصریح به اینکه نسخه اول یا دوم یا سوم یا چهارم الخ است .

ماده ۲۲۴ - برات ممکن است بحواله کرد شخص دیگر باشد یا بحواله کرد خود برات دهنده .

ماده ۲۲۵ - تاریخ تحریر و مبلغ برات با تمام حروف نوشته می شود. اگر مبلغ بیش از یکدفعه به تمام حروف نوشته شده و بین آنها اختلاف باشد مبلغ کمتر منطاعتبار است اگر مبلغ با حروف و رقم

هر دو نوشته شده و بین آنها اختلاف باشد مبلغ با حروف معتبر است .

ماده ۲۲۶ - در صورتی که برات متضمن یکی از شرایط اساسی مقرر در فقرات ۲ - ۳ - ۴ - ۵ - ۶ - ۷ -

۸ - ماده ۲۲۳ نباشد مشمول مقررات راجعه به بروات تجاری نخواهد بود.

ماده ۲۲۷ - برات ممکن است به دستور و حساب شخص دیگری صادر شود.

مبحث دوم

در قبول و نکول

ماده ۲۲۸ - قبولی برات در خود برات با قید تاریخ نوشته شده امضاء یا مهر می شود.

در صورتی که برات به وعده از رویت باشد تاریخ قبولی با تمام حروف نوشته خواهد شد.

اگر قبولی بدون تاریخ نوشته شد تاریخ برات تاریخ رویت حساب می شود.  
ماده ۲۲۹ - هر عبارتی که محال علیه در برات نوشته امضاء یا مهر کند قبولی محسوب است مگر اینکه صریحاً عبارت مشعر بر عدم قبول باشد.  
اگر عبارت فقط مشعر بر عدم قبول یک جزء از برات باشد بقیه وجه برات قبول شده محسوب است.  
در صورتی که محال علیه بدون تحریر هیچ عبارتی برات را امضاء یا مهر نماید برات قبول شده محسوب می شود.

ماده ۲۳۰ - قبول کننده برات ملزم است وجه آن را سر وعده تادیه نماید.  
ماده ۲۳۱ - قبول کننده حق نکول ندارد.  
ماده ۲۳۲ - ممکن است قبولی منحصر به یک قسمت از وجه برات باشد در این صورت دارنده برات باید برای بقیه اعتراض نماید.  
ماده ۲۳۳ - اگر قبولی مشروط به شرط نوشته شد برات نکول شده محسوب می شود ولی معذراً قبول کننده به شرط در حدود شرطی که نوشته مسئول پرداخت وجه برات است .  
ماده ۲۳۴ - در قبولی براتی که وجه آن در خارج از محل اقامت قبول کننده باید تادیه شود تصریح به مکان تادیه ضروری است .

ماده ۲۳۵ - برات باید به محض ارائه یا منتهی در ظرف ۲۴ ساعت از تاریخ ارائه قبول یا نکول شود.  
ماده ۲۳۶ - نکول برات باید بموجب تصدیق نامه که رسماً تنظیم می شود محقق گردد تصدیق نامه مزبور موسوم است به اعتراض (پروتست) نکول .  
ماده ۲۳۷ - پس از اعتراض نکول ظهر نویسها و برات دهنده به تقاضای دارنده برات باید ضامنی برای تادیه وجه آن در سر وعده بدهند یا وجه برات را به انضمام مخارج اعتراض نامه و مخارج برات رجوعی (اگر باشد) فوراً تادیه نمایند.

ماده ۲۳۸ - اگر بر علیه کسی که براتی را قبول کرده ولی وجه آن را نپرداخته اعتراض عدم تادیه شود دارنده براتی نیز که همان شخص قبول کرده ولی هنوز موعد پرداخت آن نرسیده است می تواند از قبول کننده تقاضا نماید که برای پرداخت وجه آن ضامن دهد یا پرداخت آن را به نحو دیگری تضمین کند.  
مبحث سوم

در قبولی شخص ثالث

ماده ۲۳۹ - هرگاه براتی نکول شد و اعتراض بعمل آمد شخص ثالثی می تواند آنرا بنام برات دهنده یا یکی از ظهر نویس ها قبول کند قبولی شخص ثالث باید در اعتراض نامه قید شده و به امضاء او برسد.  
ماده ۲۴۰ - بعد از قبولی شخص ثالث نیز تا برات تادیه نشده کلیه حقوقی که برای دارنده برات از نکول آن در مقابل برات دهنده و ظهر نویسها حاصل می شود محفوظ خواهد بود.

مبحث چهارم

در وعده برات

ماده ۲۴۱ - برات ممکن است به رویت باشد یا به وعده یک یا چند روز یا یک یا چند ماه از رویت برات ، یا به وعده یک یا چند روز یا یک یا چند ماه از تاریخ برات ممکن است پرداخت به روز معینی موکول شده باشد.

ماده ۲۴۲ - هرگاه برات بی وعده قبول شد باید فوراً پرداخته شود.

ماده ۲۴۳ - موعد پرداخت براتی که یک یا چند روز یا یک یا چند ماه از رویت وعده دارد به وسیله تاریخ قبولی یا تاریخ اعتراض نامه نکول معین می شود.

ماده ۲۴۴ - اگر موعد پرداخت برات با تعطیل رسمی تصادف کرد باید روز بعد از تعطیل تادیه شود.  
تبصره - همین قاعده در مورد سایر اوراق تجارتي نیز رعایت خواهد شد.

مبحث پنجم

ظهر نویسی

ماده ۲۴۵ - انتقال برات به وسیله ظهر نویسی بعمل می آید.

ماده ۲۴۶ - ظهر نویسی باید به امضاء ظهر نویس برسد ممکن است در ظهر نویسی تاریخ واسم کسی که برات به او انتقال داده می شود قید گردد.

ماده ۲۴۷ - ظهر نویسی حاکی از انتقال برات است مگر اینکه ظهر نویس وکالت در وصول را قید نموده باشد که در این صورت انتقال برات واقع نشده ولی دارنده برات حق وصول ولدی الاقتضاء حق

اعتراض واقعه دعوي براي وصول خواهد داشت جزدرومباردي كه خلاف اين دربرات تصريح شده باشد.

ماده ٢٤٨ - هرگاه ظهرنويس درظهرنويس تاريخ مقدمي قيدكندمزور شناخته مي شود. مبحث ششم

مسئوليت

ماده ٢٤٩ - برات دهنده كسي كه برات راقبول کرده وظهرنويسهادر مقابل دارنده برات مسئوليت تضامني دارند.

دارنده برات درصورت عدم تاديه واعتراض مي تواندبهركدام از آنها كه بخواهدمنفرداياه چندنفريابه تمام آنهامجتمعارجوع نمايد.

همين حق راهريك ازظهرنويسهانسبت به برات دهنده وظهرنويسهاي ماقبل خوددارد.

اقامه دعوي برعليه يك ياچندنفرزمسئولين موجب اسقاط حق رجوع به سايرمسئولين برات نيست ، اقامه كنده دعوي ملزم نيست ترتيب ظهرنويسه راازحيث تاريخ رعايت كندضامني كه ضمانت برات دهنده يا محال عليه ياطهرنويسه راكرده فقط باكسي مسئوليت تضامني داردكه از او ضمانت نموده است .

ماده ٢٥٠ - هريك ازمسئولين تاديه برات مي تواندپرداخت رابه تسليم برات واعتراضنامه وصورتي حساب متفرعات ومخارج قانوني كه بايدپردازد موكول كند.

ماده ٢٥١ - هرگاه چندنفرازمسئولين برات ورشكست شونددارنده برات مي توانددرهريك ازغرمایادرتمام غرمابراي وصول تمام طلب خود(وجه برات ومتفرعات ومخارج قانوني) داخل شودتاينكه طلب خودراكاملأصول نمايد مديرتصفيه هيچيك ازورشكستگان نمي تواندبراي وجهي كه به صاحب چنين طلب پرداخته مي شودبه مديرتصفيه ورشكسته ديگررجوع نمايدمگر درصورتی كه مجموع وجهي كه اذارائي تمام ورشكستگان به صاحب طلب تخصيص مي يابديش از ميزان طلب اوباشددراين صورت مازادبايده ترتيب تاريخ تعهدتاميزان وجهي كه هرکدام پرداخته اندجزءدارائي ورشكستگان محسوب گرددكه به ساير ورشكسته هاحق رجوع دارند.

تبصره - مفاد اين ماده درمورد ورشكستگي هرچندنفري نيزكه براي پرداخت يك دين مسئوليت تضامني داشته باشندمرععي خواهدبود.

مبحث هفتم

درپرداخت

ماده ٢٥٢ - پرداخت برات بانوع پولي كه درآن معين شده بعمل مي آيد.

ماده ٢٥٣ - اگر دارنده برات به برات دهنده ياكسي كه برات به اومنتقل کرده است پولي غيرازآن نوع كه دربرات تعيين شده است بدهدوآن برات در نتيجه نكول يامتناع ازقبول وياعدم تاديه اعتراض شوددارنده برات مي تواندازدهنده برات يانتقال دهنده نوع پولي راكه داده بانوع پولي كه دربرات معين شده مطالبه كندولي ازسايرمسئولين وجه برات جزنوع پولي كه در برات معين شده قابل مطالبه نيست .

ماده ٢٥٤ - برات به وعده بايدروزآخر وعده پرداخته شود.

ماده ٢٥٥ - روزويت دربرواتي كه به وعده ازويت است وروزصدور برات دربرواتي كه به وعده ازتاريخ صدوراست حساب نخواهدشد.

ماده ٢٥٦ - شخصي كه وجه برات راقبل ازموعدتاديه نموده درمقابل اشخاصي كه نسبت به وجه برات حقي دارنده مسئول است .

ماده ٢٥٧ - اگر دارنده برات به كسي كه قبول نوشته مهلتي براي پرداخت بدهدبه ظهرنويس هاي ماقبل خودوبرات دهنده كه به مهلت مزبوررضاييت نداده اندحق رجوع نخواهدداشت .

ماده ٢٥٨ - شخصي كه درسروعه وجه برات راامي پردازدبري الذمه محسوب مي شودمگرآنكه وجه برات قانونادرندواوتوقيف شده باشد.

ماده ٢٥٩ - پرداخت وجه برات ممكن است به موجب نسخه ثاني يا ثالث يارباع الخ ، به عمل آيددرصورتی كه درروي آن نسخه قيدشده باشدكه پس از پرداخت وجه بموجب اين نسخه نسخ ديگرازاعتبارساقط است .

ماده ٢٦٠ - شخصي كه وجه برات رابرحسب نسخه بپردازدكه درروي آن قبولي نوشته نشده درمقابل شخصي كه نسخه قبولي شده راداردمسئول پرداخت وجه آن است .

ماده ۲۶۱ - در صورت گم شدن براتی که هنوز قبول نشده است صاحب آن می تواند وصول وجه آن را بر حسب نسخه ثانی یا ثالث یا رابع الخ تقاضا کند.

ماده ۲۶۲ - اگر نسخه مفقود نسخه باشد که قبولی در روی آن نوشته شده تقاضای پرداخت از روی نسخه های دیگر فقط بموجب امر محکمه پس از دادن ضامن بعمل می آید.

ماده ۲۶۳ - اگر شخصی که برات را گم کرده اعم از این که قبولی نوشته شده یا نشده باشد می تواند نسخه ثانی یا ثالث یا رابع الخ را تحصیل نماید پس از اثبات اینکه برات متعلق به او است می تواند با دادن ضامن تادیه وجه آن را بموجب امر محکمه مطالبه کند.

ماده ۲۶۴ - اگر با وجود تقاضای که در مورد مواد ۲۶۱ و ۲۶۲ و ۲۶۳ بعمل آمده است از تادیه وجه برات امتناع شود صاحب برات مفقود می تواند تمام حقوق خود را به موجب اعتراضنامه محفوظ بدارد.

ماده ۲۶۵ - اعتراضنامه مذکور در ماده فوق باید در ظرف بیست و چهار ساعت از تاریخ وعده برات تنظیم شده و در مواعید و ترتیبی که در این قانون برای ابلاغ اعتراضنامه معین شده است به برات دهنده و ظهرنویسها ابلاغ گردد

ماده ۲۶۶ - صاحب برات مفقود برای تحصیل نسخه ثانی باید به ظهرنویسی که بلافاصله قبل از او بوده است رجوع نماید.

ظهرنویس مزبور ملزم است به صاحب برات اختیار مراجعه به ظهرنویس ماقبل خود داده و راهنمایی کند و همچنین هر ظهرنویسی باید اختیار وجوه به ظهرنویس ماقبل خود بدهد تا به برات دهنده برسد ، مخارج این اقدامات بر عهده برات مفقود خواهد بود.

ظهرنویس در صورت امتناع از دادن اختیار مسئول تادیه وجه برات و خساراتی است که بر صاحب برات مفقود وارد شده است .

ماده ۲۶۷ - در صورتی که ضامن برات مفقود (رجوع به مواد ۲۶۲ و ۲۶۳) مدتی برای ضمانت خود معین نکرده باشد مدت ضمانت سه سال است و هرگاه در ظرف این سه سال رسماً مطالبه یا اقامه دعوی نشده باشد دیگر از این حیث دعوی بر علیه او در محکمه مسموع نخواهد بود.

ماده ۲۶۸ - اگر مبلغی از وجه برات پرداخته شود به همان اندازه برات - دهنده و ظهرنویسها بری می شوند و دارنده برات فقط نسبت به بقیه می تواند اعتراض کند.

ماده ۲۶۹ - محاکم نمی تواند بدون رضایت صاحب برات برای تادیه وجه برات مهلتی بدهند.

مبحث هشتم

تادیه وجه برات به واسطه شخص ثالث

ماده ۲۷۰ - هر شخص ثالثی می تواند از طرف برات دهنده یا یکی از ظهرنویسها وجه برات اعتراض شده را کارسازی نماید دخالت شخص ثالث و پرداخت وجه باید در اعتراضنامه یاد ذیل آن قید شود.

ماده ۲۷۱ - شخص ثالثی که وجه برات را پرداخته دارای تمام حقوق و وظایف دارنده برات است .

ماده ۲۷۲ - اگر وجه برات را شخص ثالث از طرف برات دهنده پرداخت تمام ظهرنویسها بری الذمه می شوند و اگر پرداخت وجه از طرف یکی از ظهرنویسها بعمل آید ظهرنویس های بعد از او بری الذمه اند.

ماده ۲۷۳ - اگر دو شخص متفقاً هر یک از جانب یکی از مسئولین برات برای پرداخت وجه حاضر شوند پیش نهاد آن کسی پذیرفته است که تادیه وجه از طرف او عده زیادتری از مسئولین را بری الذمه می کند اگر خود محال علیه پس از اعتراض برای تادیه وجه حاضر شود بر هر شخص ثالثی ترجیح دارد.

مبحث نهم

حقوق و وظایف دارنده برات

ماده ۲۷۴ - نسبت به برواتی که وجه آن باید در ایران به رویت یا به وعده از رویت تادیه شود اعم از اینکه برات در ایران صادر شده باشد یا در خارج دارنده برات مکلف است پرداخت یا قبولی آن را در ظرف یکسال از تاریخ برات مطالبه نماید و الا حق رجوع به ظهرنویسها و همچنین به برات دهنده که وجه برات را به محال علیه رسانیده است نخواهد داشت .

ماده ۲۷۵ - اگر در برات اعم از اینکه در ایران صادر شده باشد یا در خارج برای تقاضای قبولی مدت بیشتری یا کمتری مقرر شده باشد حق دارنده برات باید در همان مدت قبولی برات را تقاضا نماید و الا حق رجوع به ظهرنویسها و برات دهنده که وجه برات را به محال علیه رسانیده است نخواهد داشت .

ماده ۲۷۶ - اگر ظهرنویسی برای تقاضای قبولی مدتی معین کرده باشد دارنده برات باید در مدت مزبور تقاضای قبولی نماید و الا در مقابل آن ظهرنویس نمی تواند از مقررات مربوطه به بروات استفاده کند.

ماده ۲۷۷ - هرگاه دارنده برات به رویت پایه وعده که در یکی از شهرهای ایران صادر و یا بدو در ممالک خارجه تادیه شود در مواعید مقرر در مواد فوق . قبولی نوشتن یا پرداخت وجه را مطالبه نکرده باشد مطابق مقررات همان مواد حق اوساقت خواهد شد.

ماده ۲۷۸ - مقررات فوق مانع نخواهد بود که بین دارنده برات و برات - دهنده و ظهرنویسها قرارداد دیگری مقرر گردد.

ماده ۲۷۹ - دارنده برات باید روز وعده وجه برات را مطالبه کند.

ماده ۲۸۰ - امتناع از تادیه وجه برات باید در ظرف ده روز از تاریخ وعده به وسیله نوشته ای که اعتراض عدم تادیه نامیده می شود معلوم گردد.

ماده ۲۸۱ - اگر روز دهم تعطیل باشد اعتراض روز بعد آن بعمل خواهد آمد.

ماده ۲۸۲ - نه فوت محال علیه و نه ورشکستگی او نه اعتراض نکولی دارنده برات را از اعتراض عدم تادیه مستغنی نخواهد کرد.

ماده ۲۸۳ - در صورتی که قبول کننده برات قبل از وعده ورشکست شود حق اعتراض برای دارنده برات باقی است .

ماده ۲۸۴ - دارنده براتی که به علت عدم تادیه اعتراض شده است باید در ظرف ده روز از تاریخ اعتراض عدم تادیه را به وسیله اظهارنامه رسمی یا مراسله سفارشی دو قبضه به کسی که برات را به او واگذار نموده اطلاع دهد.

ماده ۲۸۵ - هر یک از ظهرنویسها نیز باید در ظرف ده روز از تاریخ دریافت اطلاع نامه فوق آن را به همان وسیله به ظهرنویس سابق خود اطلاع دهد.

ماده ۲۸۶ - اگر دارنده براتی که بایستی در ایران تادیه شود و بعلت عدم پرداخت اعتراض شده بخوهد از حقی که ماده ۲۴۹ برای او مقرر داشته استفاده کند باید در ظرف یکسال از تاریخ اعتراض اقامه دعوی نماید. (اصلاحی ۵۸/۱۰/۲۶).

تبصره - هرگاه محل اقامت مدعی علیه خارج از محلی باشد که وجه برات باید در آنجا پرداخته شود برای هر شش فرسخ یک روز اضافه خواهد شد.

ماده ۲۸۷ - در مورد برواتی که باید در خارجه تادیه شود اقامه دعوی بر علیه برات دهنده و یا ظهرنویسهای مقیم ایران در ظرف دو سال از تاریخ اعتراض باید بعمل آید. (۵۸/۱۰/۲۶)

ماده ۲۸۸ - هر یک از ظهرنویسها بخوهد از حقی که در ماده ۲۴۹ به او داده شده استفاده نماید باید مواعیدی که به موجب مواد ۲۸۶ و ۲۸۷ مقرر است اقامه دعوی کند و نسبت به او موعد از فردای ابلاغ احضاریه محکمه محسوب است و اگر وجه برات را بدون اینکه بر علیه او اقامه دعوی شده باشد تادیه نماید از فردای روز تادیه محسوب خواهد شد.

ماده ۲۸۹ - پس از انقضای مواعید مقرر در مواد فوق دعوی دارنده برات بر ظهرنویسها و همچنین دعوی هر یک از ظهرنویسها برید سابق خود در محکمه پذیرفته نخواهد شد.

ماده ۲۹۰ - پس از انقضای مواعید فوق دعوی دارنده و ظهرنویسهای برات بر علیه برات دهنده نیز پذیرفته نمی شود مشروط بر اینکه برات دهنده ثابت نماید در سر وعده وجه برات را به محال علیه رسانیده و در این صورت دارنده برات فقط حق مراجعه به محال علیه خواهد داشت .

ماده ۲۹۱ - اگر پس از انقضای مواعیدی که برای اعتراض و ابلاغ اعتراض - نامه یا برای اقامه دعوی مقرر است برات دهنده یا هر یک از ظهرنویسها به طریق محاسبه یا عنوان دیگری وجهی را که برای تادیه برات به محال علیه رسانیده بود مسترد دارد دارنده برات برخلاف مقررات دو ماده قبل حق خواهد داشت که بر علیه دریافت کننده وجه اقامه دعوی نماید

مبحث دهم

در اعتراض (پروتست)

- ماده ۲۹۲ - اعتراض در موارد ذیل بعمل می آید -
- ۱ - در مورد نکول .
  - ۲ - در مورد امتناع از قبول یا نکول .
  - ۳ - در مورد عدم تادیه .



- اعتراض نامه باید در يك نسخه تنظيم و بموجب امر محكمه بدایت به توسط مامور اجراء به محل اقامت اشخاص ذیل ابلاغ شود -
- ۱ - مجال عليه .
  - ۲ - اشخاصي که در برات براي تاديه وجد عند الاقتضاء معين شده اند.
  - ۳ - شخص ثالثي که برات را قبول کرده است .
- اگر در محلي که اعتراض بعمل مي آید محكمه بدایت نباشد و وظايف او با رعایت ترتيب بعهدہ امين صلح يارئيس ثبت اسناد يا حاکم محل خواهد بود.
- ماده ۲۹۴ - اعتراضنامه بايد مراتب ذیل را دارا باشد -
- ۱ - سواد کامل برات با کليه محتويات آن اعم از قبولي و ظهرنويسي و غيره .
  - ۲ - امر به تاديه وجه برات .
- مامور اجراء بايد حضور يا غياب شخصي که بايد وجه برات را بدهد و علل امتناع از تاديه يا قبول و همچنين علل عدم امکان امضاء يا امتناع از امضاء را در ذیل اعتراضنامه قيد و امضاء کند.
- ماده ۲۹۵ - هيچ نوشته اي نمي تواند از طرف دارنده برات جاي گير اعتراضنامه شود مگر در مواد مندرجه در مواد ۲۶۱ - ۲۶۲ - ۲۶۳ راجع به مفقود شدن برات .
- ماده ۲۹۶ - مامور اجراء بايد سواد صحيح اعتراضنامه را به محل اقامت اشخاص مذکور در ماده ۲۹۳ بدهد.
- ماده ۲۹۷ - دفتر محكمه يا دفتر مقاماتي که وظيفه محكمه را انجام مي دهند بايد مفاد اعتراضنامه را روزه روزه ترتيب تاريخ و نمره در دفتر مخصوصي که صفحات آن به توسط رئيس محكمه ياقائم مقام او نمره و امضاء شده است ثبت نمايند در صورتی که محل اقامت برات دهنده يا ظهرنويس اولي در روي برات قيد شده باشد دفتر محكمه بايد آنهارا توسط کاغذ سفارشي از علل امتناع از تاديه مستحضر سازد.
- مبحث يازدهم  
برات رجوعي
- ماده ۲۹۸ - برات رجوعي براتي است که دارنده برات اصلي پس از اعتراض براي دريافت وجه آن و مخارج صدور اعتراضنامه و تفاوت نرخ بعهدہ برات دهنده يا يکي از ظهرنويسها صادر مي کند.
- ماده ۲۹۹ - اگر برات رجوعي بعهدہ برات دهنده اصلي صادر شود تفاوت بين نرخ مکان تاديه برات اصلي و نرخ مکان صدور آن بعهدہ او خواهد بود و اگر برات رجوعي به عهدہ يکي از ظهرنويسها صادر شود مشارالیه بايد از عهدہ تفاوت نرخ مکاني که برات اصلي را در آن جامعايله يا تسليم کرده است و نرخ مکاني که برات رجوعي در آنجا صادر شده است برآيد.
- ماده ۳۰۰ - به برات رجوعي بايد صورت حسابي (حساب بازگشت) ضميمه شود ، در صورت حساب مزبور مراتب ذیل قيد مي گردد -
- ۱ - اسم شخصي که برات رجوعي بعهدہ او صادر شده است .
  - ۲ - مبلغ اصلي برات اعتراض شده .
  - ۳ - مخارج اعتراضنامه و ساير مخارج معموله از قبيل حق العمل صراف و دلال و وجه تمير و مخارج پست و غيره .
- ۴ - مبلغ تفاوت نرخهاي مذکور در ماده (۲۹۹)
- ماده ۳۰۱ - صورت حساب مذکور در ماده قبل بايد توسط دو نفر تاجر تصديق شود و علاوه لازم است برات اعتراض شده و سواد مصدقي از اعتراض نامه به صورت حساب مزبور ضميمه گردد.
- ماده ۳۰۲ - هرگاه برات رجوعي بعهدہ يکي از ظهرنويسها صادر شود علاوه بر مراتب مذکور در مواد ۳۰۰ و ۳۰۱ بايد تصديق نامه که تفاوت بين نرخ مکان تاديه برات اصلي و مکان صدور آن رامعين نمايد ضميمه شود.
- ماده ۳۰۳ - نسبت به يك برات صورت حساب بازگشت متعدد نمي توان ترتيب داد و اگر برات رجوعي بعهدہ يکي از ظهرنويسها صادر شده باشد حساب بازگشت متواليابه توسط ظهرنويسها پرداخته مي شود تا به برات دهنده اولي برسد.
- تحميلات براتهاي رجوعي را نمي توان تماما بريکنفر و ارد ساخت هريك از ظهرنويسها و برات دهنده اولي فقط عهدہ داريك خرج است .

ماده ۳۰۴ - خسارت تاخیرتادیه مبلغ اصلی برات که بواسطه عدم تادیه اعتراض شده است از روزاعتراض و خسارت تاخیرتادیه مخارج اعتراض و مخارج برات رجوعي فقط از روزاقامه دعوي محسوب مي شود.

مبحث دوازدهم

قوانین خارجی

ماده ۳۰۵ - درمورد برواتي که در خارج ایران صادر شده شرایط اساسي برات تابع قوانین مملکت صدوراست .

هر قسمت از سایر تعهدات براتي (تعهدات ناشی از ظهرنویسی ضمانت قبولی و غیره) نیز که در خارج بوجود آمده تابع قوانین مملکتی است که تعهد در آن جا وجود پیدا کرده است معذالك اگر شرایط اساسي برات مطابق قانون ایران موجود یا تعهدات براتي موافق قانون ایران صحیح باشد کسانی که در ایران تعهداتی کرده اند حق استناد به این ندارند که شرایط اساسي برات یا تعهدات براتي مقدم بر تعهدات آنها مطابق با قوانین خارجی نیست .

ماده ۳۰۶ - اعتراض و بطور کلی هر اقدامی که برای حفظ حقوق ناشیه از برات و استفاده از آن در خارج باید بعمل آید تابع قوانین مملکتی خواهد بود که آن اقدام باید در آنجا بشود.

فصل دوم

درفته طلب

ماده ۳۰۷ - فته طلب سندی است که بموجب آن امضاءکننده تعهد می کند مبلغی در موعد معین یا عندالمطالبه در وجه حامل یا شخص معین و یا به حواله کرد آن شخص کارسازي نماید.

ماده ۳۰۸ - فته طلب علاوه بر امضاء یا مهر باید دارای تاریخ و متضمن مراتب ذیل باشد -

۱ - مبلغی که باید تادیه شود با تمام حروف .

۲ - گیرنده وجه .

۳ - تاریخ پرداخت .

ماده ۳۰۹ - تمام مقررات راجع به بروات تجارتي (از مبحث چهارم الي آخر فصل اول این باب) در مورد فته طلب نیز لازم الرعایه است .

فصل سوم

چك

ماده ۳۱۰ - چك نوشته ای است که بموجب آن صادرکننده وجوهی را که در نزد محال علیه دارد کلاً یا بعضاً مسترد یا به دیگری واگذار می نماید.

ماده ۳۱۱ - در چك باید محل و تاریخ صدور قید شده و به امضای صادرکننده برسد ، پرداخت وجه نباید وعده داشته باشد.

ماده ۳۱۲ - چك ممکن است در وجه حامل یا شخص معین یا به حواله کرد باشد ممکن است به صرف امضاء در ظهر به دیگری منتقل شود.

ماده ۳۱۳ - وجه چك باید به محض ارائه کارسازي شود.

ماده ۳۱۴ - صدور چك ولو اینکه از محلی به محل دیگر باشد ذاتاً عمل تجارتي محسوب نیست لیکن مقررات این قانون از ضمانت صادرکننده و ظهرنویسها و اعتراض و اقامه دعوي و ضمان و مفقود شدن راجع به بروات شامل چك نیز خواهد بود.

ماده ۳۱۵ - اگر چك در همان مکانی که صادر شده است باید تادیه گردد دارنده چك باید در ظرف پانزده روز از تاریخ صدور وجه آن را مطالبه کند و اگر از يك نقطه به نقطه دیگر ایران صادر شده باشد باید در ظرف چهل و پنج روز از تاریخ صدور چك مطالبه شود.

اگر دارنده چك در ظرف مواعید مذکوره در این ماده پرداخت وجه آن را مطالبه نکند دیگری دعوي او بر علیه ظهرنویس مسموع نخواهد بود و اگر وجه چك به سببی که مربوط به محال علیه است از بین برود دعوي دارنده چك بر علیه صادرکننده نیز در محکم مسموع نیست .

ماده ۳۱۶ - کسی که وجه چك را دریافت می کند باید ظهر آن را امضاء یا مهر نماید اگرچه چك در وجه حامل باشد.

ماده ۳۱۷ - مقررات راجع به چك هائی که در ایران صادر شده است در مورد چك هائی که از خارج صادر شده و باید در ایران پرداخته شود نیز رعایت خواهد شد لیکن مهلتی که در ظرف آن دارنده چك

می تواند وجه چك را مطالبه کند چهار ماه از تاریخ صدور است .

فصل چهارم

درمورزمان

ماده ۳۱۸ - دعاوی راجعه به برات وفته طلب وچك كه ازطرف تجاربراي امورتجارتی صادرشده پس ازانقضای پنج سال ازتاریخ صدوراعتراضنامه ویا آخرین تعقیب قضائی درمحاکم مسموع نخواهدبودمگراینكه درطرف این مدت رسمااقراریدین واقع شده باشدكه دراین صورت مبداءمورزمان ازتاریخ اقرارمحسوب است .

درصورت عدم اعتراض مدت مورزمان ازتاریخ انقضامهلت اعتراض شروع می شود.  
تبصره - مفاداین ماده درموردبروات وچك وفته طلبهائی كه قبل از تاریخ اجرای قانون تجارت مصوب ۲۵دلو۱۳۰۳و۱۲فروردین ۱۳۰۴خرداد۱۳۰۴ صادرشده است قابل اجراءنبوده واین اسنادازحیث مورزمان تابع مقررات مربوطه مورزمان راجع به اموال منقوله است .

ماده ۳۱۹ - اگروجه برات یافته طلب یاچك را نتوان به واسطه حصول مرور زمان پنج سال مطالبه كرددارنده برات یافته طلب یاچك می تواندناحصول مورزمان اموال منقوله وجه آن راازكسی كه به ضرراواستفاده بلاجهت کرده است مطالبه نماید.

تبصره - حكم فوق درموردی نیزجاری است كه برات یافته طلب یاچك یکی ازشرایط اساسی مقرردراین قانون رافاقدباشد.

باب پنجم

اسناددروجه حامل

ماده ۳۲۰ - دارنده هر سنددروجه حامل مالك و برای مطالبه وجه آن محق محسوب می شودمگردرصورت ثبوت خلاف معذلك اگر مقامات صلاحیتدارقضائی یا پلیس تادیبه وجه آن سندرامنع كندتادیبه وجه به حامل مدیون رانسبت به شخص ثالثی كه ممكنست سندمتعلق به اوباشدبري نخواهدكرد.

ماده ۳۲۱ - جزدرموردی كه حكم بطلان سندصادرشده مدیون سنددروجه حامل مكلف به تادیبه نیست مگردرمقابل اخذسند.

ماده ۳۲۲ - درصورت گم شدن سنددروجه حامل كه دارای ورقه های كوپین یا دارای ضمیمه ای برای تجدیداوراق كوپین باشدوهمچنین درصورت گم شدن سنددر وجه حامل كه خودسندبه دارنده آن حق میدهدریخ یا منفعتی رامرتبادریافت كند برای اصدارحكم بطلان مطابق مقررات ذیل عمل خواهدشد.

ماده ۳۲۳ - مدعی بایددرمحكمه محل اقامت مدیون معلوم نمایدسنددر تصرف او بوده وفعلاگم شده است اگر مدعی فقط اوراق كوپین یا ضمیمه مربوط به سند خود راگم کرده باشدبرازخودسندكافیست .

ماده ۳۲۴ - اگر محكمه ادعای مدعی را بنابر اوضاع و احوال قابل اعتماد دانست بایدبوسیله اعلان درجراپدیه دارنده مجهول سنداخطار كند ، هرگاه از تاریخ انتشار اولین اعلان تا سه سال سند را برانتمود حكم بطلان آن صادر خواهد شد محكمه می تواند لدی الاقتضاء مدتی بیش از سه سال تعیین كند.

ماده ۳۲۵ - به تقاضای مدعی محكمه می تواند به مدیون قدغن كند كه وجه سند را به كسی پردازد مگر پس از گرفتن ضامن یا تامینی كه محكمه تصویب نماید.

ماده ۳۲۶ - درمورد گم شدن اوراق كوپین هائی كه در ضمن جریان دعوی لازم التادیبه می شود به ترتیب مقرر در مواد ۳۲۲ و ۳۲۳ عمل خواهد شد.

ماده ۳۲۷ - اخطار مذکور در ماده ۳۲۴ باید سه دفعه در مجله رسمی منتشر شود. محكمه می تواند بعلاوه اعلان درجراپدید دیگر را نیز مقرر دارد.

ماده ۳۲۸ - اگر پس از اعلان فوق سند مفقود ابراز شود محكمه به مدعی مهلت متناسبی داده و اخطار خواهد كرد كه هرگاه تا انقضای مهلت دعوی خود را تعقیب و دلائل خود را اظهار نكند محكوم شده و سند به ابراز كننده آن مسترد خواهد گردید.

ماده ۳۲۹ - اگر در طرف مدتی كه مطابق ماده ۳۲۴ مقرر و اعلان سند ابراز نگردد محكمه حكم بطلان آن را صادر خواهد نمود.

ماده ۳۳۰ - ابطال سند فوراً به وسیله درج در مجله رسمی و هروسیله دیگری كه محكمه مقتضی بداند به اطلاع عموم خواهد رسید.

ماده ۳۳۱ - پس از صدور حكم ابطال مدعی حق دارد تقاضا كند بخرج اوسند جدیدی لدی الاقتضاء اوراق كوپین تازه به او بدهند اگر سند حال شده باشد مدعی حق تقاضای تادیبه خواهد داشت .

ماده ۳۳۳ - هرگاه سندگم شده از اسناد مذکور در ماده ۳۳۲ نباشد به ترتیب ذیل رفتار خواهد شد -  
محکمه در صورتی که ادعای مدعی سبق تصرف و گم کردن سند را قابل اعتماد دید حکم می  
دهد مدیون وجه سند را فوراً در صورتی که حال باشد و سپس از انقضای اجل در صورت موجل بودن ، به  
صندوق عدلیه بسپارد.

ماده ۳۳۳ - اگر قبل از انقضای مدت مرور زمانی که وجه سند مفقود پس از آن مدت قابل مطالبه  
نیست سند برابر شد مطابق ماده ۳۲۸ رفتار و الا وجهی که در صندوق عدلیه امانت گذاشته شده به  
مدعی داده می شود.

ماده ۳۳۴ - مقررات این باب شامل اسکناس نیست .

باب ششم

دلالتی

فصل اول - کلیات

ماده ۳۳۵ - دلالت کسی است که در مقابل اجرت واسطه انجام معاملاتی شده یا برای کسی که  
میخواهد معاملات را نمایند طرف معامله پیدامی کند. اصولاً قرارداد دلالتی تابع مقررات راجع به وکالت  
است .

ماده ۳۳۶ - دلالت می تواند در رشته های مختلف دلالتی نموده و شخصانیز تجارت کند.

ماده ۳۳۷ - دلالت باید در نهایت صحت و اوری صداقت طرفین معامله را از جزئیات راجعه به معاملات  
مطلع سازد و لوی اینکه دلالتی را فقط برای یکی از طرفین بکند دلالت در مقابل هر یک از طرفین مسئول  
تقلب و تقصیرات خود می باشد ماده ۳۳۸ - دلالت نمی تواند عوض یکی از طرفین معامله قبض وجه  
یا تادیبه دین نماید و اینکه تعهدات آنها را بموقع اجراء گذارد مگر اینکه اجازه نامه مخصوصی داشته باشد.

ماده ۳۳۹ - دلالت مسئول تمام اشیاء و اسنادی است که در ضمن معاملات به او داده شده  
مگر اینکه ثابت نماید که ضایع یا تلف شدن اشیاء یا اسناد مزبور مربوط به شخص او نبوده است .  
ماده ۳۴۰ - در موردی که فروش از روی نمونه باشد دلالت باید نمونه مال التجاره را تا موقع ختم معامله  
نگاه بدارد مگر اینکه طرفین معامله او را از این قید معاف دارند.

ماده ۳۴۱ - دلالت می تواند در زمان واحد برای چند آمد در یک رشته یا رشته های مختلف دلالتی  
کند ولی در این صورت باید آمربین را از این ترتیب و امور دیگری که ممکن است موجب تغییر رای  
آنها شود مطلع نماید.

ماده ۳۴۲ - هرگاه معامله به توسط دلالت واقع و نوشتهجات و اسنادی راجع به آن معامله بین طرفین  
به توسط آوردن بدل شود در صورتی که امضاها راجع به اشخاصی باشد که به توسط او معامله را کرده  
اند دلالت ضامن صحت و اعتبار امضاهای نوشتهجات و اسناد مزبور است .

ماده ۳۴۳ - دلالت ضامن اعتبار اشخاصی که برای آنها دلالتی می کند و ضامن اجرای معاملاتی که به  
توسط او می شود نیست .

ماده ۳۴۴ - دلالت در خصوص ارزش یا جنس مال التجاره ای که مورد معامله بوده مسئول نیست  
مگر اینکه ثابت شود تقصیر از جانب او بوده .

ماده ۳۴۵ - هرگاه طرفین معامله یا یکی از آنها به اعتبار تعهد شخص دلالت معامله نمود دلالت ضامن  
معامله است .

ماده ۳۴۶ - در صورتی که دلالت در نفس معامله منتفع یا سهیم باشد باید به طرفی که این نکته  
را نمی داند اطلاع دهد و الا مسئول خسارات وارده بوده و علاوه به پانصدتاسه هزار ریال جزای نقدی  
محکوم خواهد شد.

ماده ۳۴۷ - در صورتی که دلالت در معامله سهیم باشد با آمد خود متضامن مسئول اجرای  
تعهد خواهد بود.

فصل دوم

اجرت دلالت و مخارج

ماده ۳۴۸ - دلالت نمی تواند حق دلالتی را مطالبه کند مگر در صورتی که معامله به راهنمایی  
یا وساطت او تمام شده باشد.

ماده ۳۴۹ - اگر دلالت برخلاف وظیفه خود نسبت به کسی که به او ماموریت داده برفع طرف  
دیگر معامله اقدام نماید و یا برخلاف عرف تجارتي محل از طرف مزبور وجهی دریافت و یا وعده وجهی  
را قبول کند مستحق اجرت و مخارجی که کرده نخواهد بود. بعلاوه محکوم به مجازات مقرر برای خیانت  
در امانت خواهد شد.

ماده ۳۵۰ - هرگاه معامله مشروط به شرط تعلیقي باشد دلالت پس از حصول شرط مستحق اجرت خواهد بود.

ماده ۳۵۱ - اگر شرط شده باشد مخارجي که دلال می کند به اوداده شود دلالت مستحق اخذ مخارج خواهد بود ولو آنکه معامله سرنگیرد.

همین ترتیب در موردی نیز جاری است که عرف تجارتي محل به پرداخت مخارجي که دلال کرده حکم کند.

ماده ۳۵۲ - در صورتی که معامله به رضایت طرفین بابه واسطه یکی از خیارات قانونی فسخ بشود حق مطالبه دلالي از دلال سلب نمی شود مشروط بر اینکه فسخ معامله مستند به دلال نباشد.

ماده ۳۵۳ - دلالي معاملات ممنوعه اجرت ندارد.

مواد ۳۵۴ و ۳۵۵ - باتوجه به ماده ۱۳ قانون دلالان مصوب سال ۱۳۱۷ و آئین نامه دلالان معاملات ملکی مصوب سال ۱۳۱۹ با اصلاحیه های بعدی ، نسخ گردید

فصل سوم - دفتر

ماده ۳۵۶ - هر دلال باید دفتری داشته و کلیه معاملاتي را که به دلالي او انجام گرفته به ترتیب ذیل در آن ثبت نماید -

- ۱ - اسم متعاملین
- ۲ - مالي که موضوع معامله است .
- ۳ - نوع معامله .
- ۴ - شرایط معامله با تشخیص به اینکه تسلیم موضوع معامله فوري است یا به وعده است .
- ۵ - عوض مالي که باید پرداخته شود و تشخیص اینکه فوري است یا به وعده است وجه نقد است یا مال التجاره یا برات در صورتی که برات باشد به رویت است یا به وعده .
- ۶ - امضاء طرفین معامله مطابق مقررات نظام نامه وزارت عدلیه .

دفتر دلالي تابع کلیه مقررات راجع به دفاتر تجارتي است .

باب هفتم

حق العمل کاري ( کمیسیون )

ماده ۳۵۷ - حق العمل کار کسی است که به اسم خود و لوی به حساب دیگری ( آمر ) معاملاتي کرده و در مقابل حق العملی دریافت می دارد.

ماده ۳۵۸ - جز در مواردی که بموجب مواد ذیل استثناء شده مقررات راجعه به وکالت در حق العمل کاري نیز رعایت خواهد شد.

ماده ۳۵۹ - حق العمل کار باید آمر را از جریان اقدامات خود مستحضر داشته و مخصوصاً در صورت انجام ماموریت این نکته را به فوری به او اطلاع دهد.

ماده ۳۶۰ - حق العمل کار مکلف به بیمه کردن اموالی که موضوع معامله است نیست مگر اینکه آمر دستور داده باشد.

ماده ۳۶۱ - اگر مال التجاره ای که برای فروش نزد حق العمل کار ارسال شده دارای عیوب ظاهری باشد حق العمل کار باید برای محفوظ داشتن حق رجوع بر علیه متصدی حمل و نقل و تعیین میزان خسارت بحری ( آواری ) به وسائل مقتضیه و محافظت مال التجاره اقدامات لازمه بعمل آورده و آمر را از اقدامات خود مستحضر کند و الا مسئول خسارات ناشیه از این غفلت خواهد بود.

ماده ۳۶۲ - اگر حق العمل کار مال التجاره را به کمتر از حد اقل قیمتی که آمر معین کرده بفروش رساند مسئول تفاوت خواهد بود مگر اینکه ثابت نماید از ضرر بیشتری احتراز کرده و تحصیل اجازه آمر در موقع مقدور نبوده است .

ماده ۳۶۴ - اگر حق العمل کار تقصیر کرده باشد باید از عهده کلیه خساراتی نیز که از عدم رعایت دستور آمر ناشی شده برآید.

ماده ۳۶۵ - اگر حق العمل کار مال التجاره را به کمتر از قیمتی که آمر معین بخرد یا به بیشتر از قیمتی که آمر تعیین نموده به فروش برساند حق استفاده از تفاوت نداشته و باید آن را در حساب آمر محسوب دارد.

ماده ۳۶۶ - اگر حق العمل کار بدون رضایت آمر مالی رابه نسیه بفروشد یا پیش قسطی دهد ضررهای ناشیه از آن متوجه خود او خواهد بود معذک اگر فروش نسیه داخل در عرف تجارتي محل باشد حق العمل کار ماذون به آن محسوب مي شود مگر در صورت دستور مخالف آمر.  
ماده ۳۶۷ - حق العمل کار در مقابل آمر مسئول پرداخت وجوه و بانجام سایر تعهدات طرف معامله نیست مگر اینکه مجاز در معامله به اعتبار نبوده و یا مشخصات طرف معامله را کرده و یا عرف تجارتي بلد او را مسئول قرار دهد.

ماده ۳۶۸ - مخارجي که حق العمل کار کرده و برای انجام معامله و نفع آمر لازم بوده و همچنین هر مساعده که به نفع آمر داده باشد باید اصل و منفعه به حق العمل کار مسترد شود.  
حق العمل کار مي تواند مخارج انبارداری و حمل و نقل را نیز به حساب آمر گذارد.  
ماده ۳۶۹ - وقتی حق العمل کار مستحق حق العمل مي شود که معامله اجراء شده و یا عدم اجرائي آن مستند به فعل آمر باشد نسبت به اموري که در نتیجه علل دیگری انجام پذیر نشده حق العمل کار برای اقدامات خود فقط مستحق اجرائي خواهد بود که عرف و عادت محل معین مي نماید.  
ماده ۳۷۰ - اگر حق العمل کار نادرستی کرده و مخصوصاً موردی که به حساب آمر قیمتی علاوه بر قیمت خرید و یا کمتر از قیمت فروش محسوب دارد مستحق حق العمل نخواهد بود علاوه در دو صورت اخیر آمر مي تواند خود حق العمل کار را خریداری و فروشنده محسوب کند.

تبصره - دستور فوق مانع از اجرائي مجازاتی که برای خیانت در امانت مقرر است نیست .  
ماده ۳۷۱ - حق العمل کار در مقابل آمر برای وصول مطالبات خود از او نسبت به اموالی که موضوع معامله بوده و بانسبت به قیمتی که اخذ کرده حق حبس خواهد داشت .  
ماده ۳۷۲ - اگر فروش مال ممکن نشده و یا آمر اجازه فروش رجوع کرده و مال التجاره را بییش از حد متعارف نزد حق العمل کار بگذارد حق العمل کار مي تواند آنرا با نظارت مدعی العموم بدایت محل یا نماینده او بطریق مزایده به فروش برساند. اگر آمر در محل نبوده و در آنجا نماینده نیز نداشته باشد فروش بدون حضور او یا نماینده او بعمل خواهد آمد ولی در هر حال قبلاً باید به او اخطار به رسمی ارسال گردد مگر اینکه اموال از جمله اموال سریع الفساد باشد.

ماده ۳۷۳ - اگر حق العمل کار مامور به خرید یا فروش مال التجاره یا اسناد تجارتي یا سایر اوراق بهاداری باشد که مظنه بورسی یا بازاری دارد مي تواند چیزی را که مامور به خرید آن بوده خود شخصاً به عنوان فروشنده تسلیم بکند و یا چیزی را که مامور به فروش آن بوده شخصاً بعنوان خریدار نگاهدارد مگر اینکه آمر دستور مخالفی داده باشد.

ماده ۳۷۴ - در مورد ماده فوق حق العمل کار باید قیمت را بر طبق مظنه بورسی یا نرخ بازار در روزی که وکالت خود را انجام مي دهد منظور دارد و حق خواهد داشت که هم حق العمل و هم مخارج عادیه حق العمل کاری را برداشت کند.

ماده ۳۷۵ - در هر موردی که حق العمل کار شخصاً مي تواند خریداری و فروشنده واقع شود اگر انجام معامله رابه آمر بدون تعیین طرف معامله اطلاع دهد خود طرف معامله محسوب خواهد شد.  
ماده ۳۷۶ - اگر آمر از امر خود رجوع کرده و حق العمل کار قبل از ارسال خبر معامله از این رجوع مستحضر گردد دیگر نمی تواند شخصاً خریداری و فروشنده واقع شود.

باب هشتم

قرارداد حمل و نقل

ماده ۳۷۷ - متصدی حمل و نقل کسی است که در مقابل اجرت حمل اشیاء رابه عهده مي گیرد.  
ماده ۳۷۸ - قرارداد حمل و نقل تابع مقررات وکالت خواهد بود مگر در مواردی که ذیلاً استثناء شده باشد

ماده ۳۷۹ - ارسال کننده باید نکات ذیل رابه اطلاع متصدی حمل و نقل برساند - آدرس صحیح مرسل الیه ، محل تسلیم مال ، عده عدل ، یابسته و طرز عدل بندی ، وزن و محتوي عدلها ، مدتی که مال باید در آن مدت تسلیم شود راهی را که حمل باید از آن را بعمل آید ، قیمت اشیائی که گرانهاست خسارات ناشیه از عدم تعیین نکات فوق و یا از تعیین آنها به غلط متوجه ارسال کننده خواهد بود.

ماده ۳۸۰ - ارسال کننده باید مواظبت نماید که مال التجاره بطرز مناسبی عدل بندی شود.  
خسارات بحري ( آواری ) ناشی از عیوب عدل بندی بعهد ارسال کننده است .

ماده ۳۸۱ - اگر عدل بندی عیب ظاهری داشته و متصدی حمل و نقل مال را بدون قید عدم مسئولیت قبول کرده باشد مسئول آواری خواهد بود.

ماده ۳۸۲ - ارسال کننده می تواند مادام که مال التجاره در دست متصدی حمل و نقل است آن را با پرداخت مخارجی که متصدی حمل و نقل کرده و خسارات او پس بگیرد.

ماده ۳۸۳ - در موارد ذیل ارسال کننده نمی تواند از حق استرداد مذکور در ماده ۳۸۲ استفاده کند :

۱ - در صورتی که برنامه ای توسط ارسال کننده تهیه و به وسیله متصدی حمل و نقل به مرسل الیه تسلیم شده باشد.

۲ - در صورتی که متصدی حمل و نقل رسیدی به ارسال کننده داده و ارسال - کننده نتواند آن را پس دهد.

۳ - در صورتی که متصدی حمل و نقل به مرسل الیه اعلام کرده باشد که مال التجاره به مقصد رسیده و باید آنرا تحویل گیرد.

۴ - در صورتی که پس از وصول مال التجاره به مقصد مرسل الیه تسلیم آن را تقاضا کرده باشد. در این موارد متصدی حمل و نقل باید مطابق دستور مرسل الیه عمل کند. معذالک اگر متصدی حمل و نقل رسیدی به ارسال کننده داده مادام که مال التجاره به مقصد نرسیده مکلف به رعایت دستور مرسل الیه نخواهد بود مگر اینکه رسید به مرسل الیه تسلیم شده باشد.

ماده ۳۸۴ - اگر مرسل الیه مال التجاره را قبول نکند و یا مخارج و سایر مطالبات متصدی حمل و نقل بابت مال التجاره تادیه نشود و یا به مرسل الیه دسترسی نباشد متصدی حمل و نقل باید مراتب را به اطلاع ارسال کننده رسانیده و مال التجاره را موقتاً نزد خود بطور امانت نگاه داشته و یا نزد هر ثالثی امانت گذارد و در هر دو صورت مخارج و هر نقص و عیب بعهد ارسال کننده خواهد بود. اگر ارسال کننده و یا مرسل الیه در مدت مناسبی تکلیف مال التجاره را معین نکند متصدی حمل و نقل می تواند مطابق ماده ۳۶۲ آن را بفروشد.

حتی المقدور ارسال کننده و مرسل الیه را باید از اینکه مال التجاره بفروش خواهد رسید مسبق نمود.

ماده ۳۸۶ - اگر مال التجاره تلف یا گم شود متصدی حمل و نقل مسئول قیمت آن خواهد بود مگر اینکه ثابت نماید تلف یا گم شدن مربوط به جنس خود مال التجاره یا مستند به تقصیر ارسال کننده یا مرسل الیه و یا ناشی از تعلیماتی بوده که یکی از آنها داده اند و یا مربوط به حوادثی بوده که هیچ متصدی مواظبی نیز نمی توانست از آن جلوگیری نماید. قرارداد طرفین می تواند برای میزان خسارت مبلغی کمتر یا بالاتر از قیمت کامل مال التجاره معین نماید.

ماده ۳۸۷ - در مورد خسارات ناشیه از تاخیر تسلیم یا نقص یا خسارات بحری (آواری) مال التجاره نیز متصدی حمل و نقل در حدود ماده فوق مسئول خواهد بود.

خسارات مزبور نمی تواند از خساراتی که ممکن بود در صورت تلف شدن تمام مال التجاره حکم به آن شود تجاوز نماید مگر اینکه قرارداد طرفین خلاف این ترتیب را مقرر داشته باشد.

ماده ۳۸۸ - متصدی حمل و نقل مسئول حوادث و تقصیراتی است که در مدت حمل و نقل واقع شده اعم از اینکه خود مباشرت به حمل و نقل کرده و یا حمل و نقل کننده دیگری را مأمور کرده باشد. بدیهی است که در صورت اخیر حق رجوع او به متصدی حمل و نقلی که از جانب او مأمور شده محفوظ است.

ماده ۳۸۹ - متصدی حمل و نقل باید به محض وصول مال التجاره مرسل الیه را مستحضر نماید.

ماده ۳۹۰ - اگر مرسل الیه میزان مخارج و سایر وجوهی را که متصدی حمل و نقل بابت مال التجاره مطالبه می نماید قبول نکند حق تقاضای تسلیم مال التجاره را نخواهد داشت مگر اینکه مبلغ متنازع فیه را تا ختم اختلاف در صندوق عدلیه امانت گذارد.

ماده ۳۹۱ - اگر مال التجاره بدون هیچ قیدی قبول و کرایه آن تادیه شود دیگر بر علیه متصدی حمل و نقل دعوی پذیرفته نخواهد شد مگر در مورد تدلیس یا تقصیر عمده بعلاوه متصدی حمل و نقل مسئول آواری غیر ظاهر نیز خواهد بود در صورتی که مرسل الیه آن آواری را در مدتی که مطابق اوضاع و احوال رسیدگی مال التجاره ممکن بود بعمل آید و یا بایستی بعمل آمده باشد مشاهده کرده و فوراً پس از مشاهده به متصدی حمل و نقل اطلاع دهد. در هر حال این اطلاع باید منتهاتماً هشت روز بعد از تحویل گرفتن مال التجاره داده شود.

ماده ۳۹۲ - در هر موردی که بین متصدی حمل و نقل و مرسل الیه اختلاف باشد محکمه صلاحیت دار محل می تواند به تقاضای یکی از طرفین امر دهد مال التجاره نزد ثالثی امانت گذارده شده و یا لای الاقتضاء فروخته شود. در صورت اخیر فروش باید پس از تنظیم صورت مجلسی حاکی از آنکه مال التجاره در چه حال بوده بعمل آید.

بوسیله پرداخت تمام مخارج و جوهی که بابت مال التجاره ادعای شود و یاسپردن آن به صندوق عدلیه از فروش مال التجاره می توان جلوگیری کرد.

ماده ۳۹۳ - نسبت به دعوی خسارت برعلیه متصدی حمل و نقل مدت مرور زمان یک سال است. مبداء این مدت در صورت تلف یا گم شدن مال التجاره و یا تاخیر در تسلیم روزی است که تسلیم بایستی در آن روز بعمل آمده باشد و در صورت خسارات بحری (آواری) روزی که مال به مرسل الیه تسلیم شده .

ماده ۳۹۴ - حمل و نقل بوسیله پست تابع مقررات این باب نیست .

باب نهم

قائم مقام تجارتي وسایر نمایندگان تجارتي

ماده ۳۹۵ - قائم مقام تجارتي کسی است که رئیس تجارتخانه او را برای انجام کلیه امور مربوطه به تجارت خانه یا یکی از شعب آن نایب خود قرارداد داده و امضای او برای تجارتخانه الزام آوراست . سمت مزبور ممکن است کنباداده شود یا عملاً.

ماده ۳۹۶ - تجدید اختیارات قائم مقام تجارتي در مقابل اشخاصی که از آن اطلاع نداشته اند معتبر نیست .

ماده ۳۹۷ - قائم مقامی تجارتي ممکن است به چند نفر مجتمعا داده شود یا قید اینکه تا تمام امضاء نکنند تجارتخانه ملزم نخواهد شد ولی در مقابل اشخاص ثالثی که از این قید اطلاع نداشته اند فقط در صورتی می توان از آن استفاده کرد که این قید مطابق مقررات وزارت عدلیه به ثبت رسیده و اعلان شده باشد.

ماده ۳۹۸ - قائم مقام تجارتي بدون اذن رئیس تجارتخانه نمی تواند کسی را در کلیه کارهای تجارت خانه نایب خود قرارداد دهد.

ماده ۳۹۹ - عزل قائم مقام تجارتي که وکالت او به ثبت رسیده و اعلان شده باید مطابق مقررات وزارت عدلیه به ثبت رسیده و اعلان شود و الا در مقابل ثالثی که از عزل مطلع نبوده وکالت باقی محسوب می شود.

ماده ۴۰۰ - بافوت یا حجر رئیس تجارتخانه قائم مقام تجارتي معزل نیست با انحلال شرکت قائم مقام تجارتي معزل است .

ماده ۴۰۱ - وکالت سایر کسانی که در قسمتی از امور تجارت خانه یا شعبه تجارتخانه سمت نمایندگی دارند تابع مقررات عمومی راجع به وکالت است .

باب دهم

ضمانت

ماده ۴۰۲ - ضامن وقتی حق دارد از مضمون له تقاضا نماید که بدو به مدیون اصلی رجوع کرده و در صورت عدم وصول طلب به او رجوع نماید که بین طرفین (خواه ضمن قرارداد مخصوص خواه در خود ضمانت نامه) این ترتیب مقرر شده باشد.

ماده ۴۰۳ - در کلیه مواردی که بموجب قوانین یا موافق قراردادهای خصوصی ضمانت تضامنی باشد طلبکار می تواند به ضامن و مدیون اصلی مجتمعا رجوع کرده یا پس از رجوع به یکی از آنها و عدم وصول طلب خود برای تمام یا بقیه طلب به دیگری رجوع نماید.

ماده ۴۰۴ - حکم فوق در موردی نیز جاری است که چند نفر به موجب قرارداد یا قانون متضامنا مسئول انجام تعهدی باشند.

ماده ۴۰۵ - قبل از رسیدن اجل دین اصلی ضامن ملزم به تادیه نیست و لو این که بواسطه ورشکستگی یا فوت مدیون اصلی دین موجل احوال شده باشد.

ماده ۴۰۶ - ضمان حال از قاعده فوق مستثنی است .

ماده ۴۰۷ - اگر حق مطالبه دین اصلی مشروط به اخطار قبلی است این اخطار نسبت به ضامن نیز باید بعمل آید.

ماده ۴۰۸ - همین که دین اصلی به نحوی از انحاء ساقط شد ضامن نیز بری می شود.

ماده ۴۰۹ - همین که دین حال شد ضامن می تواند مضمون له را به دریافت طلب یا انصراف از ضمان ملزم کند و لو ضمان موجل باشد.

ماده ۴۱۰ - استنکاف مضمون له از دریافت طلب یا امتناع از تسلیم وثیقه اگر دین باوثیقه بوده ضامن را فوراً و بخودی خود بری خواهد ساخت .



ماده ۴۱۱ - پس از آنکه ضامن دین اصلی را پرداخت مضمون له بایست تمام اسناد و مدارک را که برای رجوع ضامن به مضمون عنه لازم و مفید است به اوداده و اگر دین اصلی با وثیقه باشد آن را به ضامن تسلیم نماید ، اگر دین اصلی وثیقه غیر منقول داشته مضمون عنه مکلف به انجام تشریفات است که برای انتقال وثیقه به ضامن لازم است .

باب یازدهم - در ورشکستگی  
فصل اول در کلیات

به قانون تصفیه امور ورشکستگی که بعداً تصویب شده مراجعه شود  
ماده ۴۱۲ - ورشکستگی تاجریا شرکت تجاری در نتیجه توقف از تادیه وجوهی که بر عهده او است حاصل می شود. حکم ورشکستگی تاجری را که حین الفوت در حال توقف بوده تادیه سال بعد از مرگ او نیز می توان صادر نمود.

فصل دوم

در اعلان ورشکستگی و اثرات آن

ماده ۴۱۳ - تاجر باید در ظرف ۳ روز از تاریخ وقفه که در تادیه قروض یا سایر تعهدات نقدی او حاصل شده است توقف خود را به دفتر محکمه بدایت محل اقامت خود اظهار نموده صورت حساب دارائی و کلیه دفاتر تجاری خود را به دفتر محکمه مزبور تسلیم نماید.

ماده ۴۱۴ - صورت حساب مذکور در ماده فوق باید مورخ بوده و به امضاء تاجر رسیده و متضمن مراتب ذیل باشد -

۱ - تعداد و تقویم کلیه اموال منقول و غیر منقول تاجر متوقف بطور مشروح .

۲ - صورت کلیه قروض و مطالبات .

۳ - صورت نفع و ضرر و صورت مخارج شخصی .

در صورت توقف شرکتهای تضامنی ، مختلط یا نسبی اسامی و محل اقامت کلیه شرکاء ضامن نیز باید ضمیمه شود.

ماده ۴۱۵ - ورشکستگی تاجر حکم محکمه بدایت در موارد ذیل اعلام می شود -

الف - بر حسب اظهار خود تاجر .

ب - بموجب تقاضای یک یا چند نفر از طلبکارها .

ج - بر حسب تقاضای مدعی العموم .

ماده ۴۱۶ - محکمه باید در حکم خود تاریخ توقف تاجر را معین نماید و اگر در حکم معین نشد تاریخ توقف محسوب است .

ماده ۴۱۷ - حکم ورشکستگی بطور موقت اجرامی شود.

ماده ۴۱۸ - تاجر ورشکسته از تاریخ صدور حکم از مداخله در تمام اموال خود حتی آنچه که ممکن است در مدت ورشکستگی عاید او گردد ممنوع است . در کلیه اختیارات و حقوق مالی ورشکسته که استفاده از آن موثر در تادیه دیون او باشد مدیریت تصفیه قائم مقام قانونی ورشکسته بوده و حق دارد بجای او از اختیارات و حقوق مزبوره استفاده کند .

ماده ۴۱۹ - از تاریخ حکم ورشکستگی هر کس نسبت به تاجر ورشکسته دعوائی از منقول یا غیر منقول داشته باشد باید بر مدیریت تصفیه اقامه یا بر طرفیت او تعقیب کند ، کلیه اقدامات اجرائی نیز مشمول همین دستور خواهد بود .

ماده ۴۲۰ - محکمه هر وقت صلاح بداند می تواند در مورد تاجر ورشکسته راه عنوان شخص ثالث در دعوی مطروحه اجازه دهد .

ماده ۴۲۱ - همین که حکم ورشکستگی صادر شد قروض موجب بارعایت تخفیفات مقتضیه نسبت به مدت قروض حال مبدل می شود .

ماده ۴۲۲ - هرگاه تاجر ورشکسته فته طلبی داده یا براتی صادر کرده که قبول نشده یا براتی را قبولی نوشته سایر اشخاصی که مسئول تادیه وجه فته طلب یا برات می باشند باید بارعایت تخفیفات مقتضیه نسبت به مدت وجه آن را نقداً بپردازند یا تادیه آن را در سر وعده تامین نمایند .

ماده ۴۲۳ - هرگاه تاجر بعد از توقف معاملات ذیل را بنماید باطل و بلا اثر خواهد بود -

۱ - هر صلح محاباتی یا هبه و بطور کلی هر نقل و انتقال بلا عوض اعم از این که راجع به منقول یا غیر منقول باشد .

۲ - تادیه هر قرض اعم از حال یا موجدل بهر وسیله که بعمل آمده باشد .

۳ - هر معامله که مالی از اموال منقول یا غیر منقول تاجر را مفید نماید و بضرر طلبکاران تمام شود .

ماده ۴۲۴ - هرگاه در نتیجه اقامه دعوی از طرف مدیریت تصفیه یا طلبکاری بر اشخاصی که با تاجر طرف معامله بوده یا بر قائم مقام قانونی آنها ثابت شود تاجر متوقف قبل از تاریخ توقف خود برای فرار از ادای دین یا برای اضرار به طلبکارها معامله نموده که متضمن ضرری بیش از ربع قیمت حین معامله بوده است آن معامله قابل فسخ است مگر اینکه طرف معامله قبل از صدور حکم فسخ تفاوت قیمت را بپردازد دعوی فسخ در ظرف دو سال از تاریخ وقوع معامله در محکمه پذیرفته می شود.

ماده ۴۲۵ - هرگاه محکمه بموجب ماده قبل حکم فسخ معامله را صادر نماید محکوم علیه باید پس از قطعی شدن حکم مالی را که موضوع معامله بوده است عینا به مدیریت تصفیه تسلیم و قیمت حین معامله آن را قبل از آنکه دارائی تاجر به غرامت تقسیم شود دریافت دارد و اگر عین مال مزبور در تصرف او نباشد تفاوت قیمت را خواهد داد.

ماده ۴۲۶ - اگر در محکمه ثابت شود که معامله بطور صوری یا مسبوق به تبانی بوده است آن معامله خود بخود باطل و عین و منافع مالی که موضوع معامله بوده مسترد و طرف معامله اگر طلبکار شود جزو غرما حصه خواهد بود.

#### فصل سوم

#### در تعیین عضوناظر

ماده ۴۲۷ - در حکمی که بموجب آن ورشکستگی تاجر اعلام می شود محکمه یک نفر را به سمت عضوناظر معین خواهد کرد.

ماده ۴۲۸ - عضوناظر مکلف به نظارت در اداره امور راجعه به ورشکستگی و سرعت جریان آنست .

ماده ۴۲۹ - تمام منازعات ناشیه از ورشکستگی را که حل آن از صلاحیت محکمه است عضوناظر به محکمه راپورت خواهد داد.

ماده ۴۳۰ - شکایت از تصمیمات عضوناظر فقط در مواردی ممکن است که این قانون معین نموده .

ماده ۴۳۱ - مرجع شکایت محکمه است که عضوناظر است رامعین کرده .

ماده ۴۳۲ - محکمه همیشه می تواند عضوناظر را تبدیل و دیگری را بجای او بگمارد.

#### فصل چهارم

در اقدام بمهر و موم و سایر اقدامات اولیه نسبت بورشکسته

ماده ۴۳۳ - محکمه در حکم ورشکستگی امر به مهر و موم رانیز میدهد.

ماده ۴۳۴ - مهر و موم باید فوراً به توسط عضوناظر بعمل آید مگر در صورتی که بعقیده عضو مزبور برداشتن صورت دارائی تاجر در یک روز ممکن باشد در این صورت باید فوراً شروع به برداشتن صورت شود.

ماده ۴۳۵ - اگر تاجر ورشکسته به مفاد ماده ۴۱۳ و ۴۱۴ عمل نکرده باشد محکمه در حکم ورشکستگی قرار توقیف تاجر را خواهد داد.

ماده ۴۳۶ - قرار توقیف ورشکسته در مواقعی نیز داده خواهد شد که معلوم گردد بواسطه اقدامات خود از اداره و تسویه شدن عمل ورشکستگی می خواهد جلوگیری کند.

ماده ۴۳۷ - در صورتی که تاجر مقروض فرار کرده یا تمام یا قسمتی از دارائی خود را مخفی نموده باشد امین صلح می تواند بر حسب تقاضای یک یا چند نفر از طلبکاران فوراً اقدام به مهر و موم نماید و باید بلافاصله این اقدام خود را به مدعی العموم اطلاع دهد.

ماده ۴۳۸ - انبارها و حجره ها و صندوق و اسناد و دفاتر و نوشتهجات و اسباب و اثاثیه تجارتخانه و منزل تاجر باید مهر و موم شود.

ماده ۴۳۹ - در صورت ورشکستگی شرکتها تضامنی مختلط یا نسبی اموال شخصی شرکاء تضامن مهر و موم نخواهد شد مگر اینکه حکم ورشکستگی آنها نیز در ضمن حکم ورشکستگی شرکت یا بموجب حکم جداگانه صادر شده باشد.

تبصره - در مورد این ماده و ماده فوق مستثنیات دین از مهر و موم معاف است .

#### فصل پنجم

#### در مدیریت تصفیه

ماده ۴۴۰ - محکمه در ضمن حکم ورشکستگی یا منتهاد ظرف پنج روز پس از صدور حکم یک نفر را به سمت مدیریت تصفیه معین می کند.

ماده ۴۴۱ - اقدامات مدیریت تصفیه برای تهیه صورت طلبکاران و اخطار به آنها و مدتی که در آن مدت طلبکاران باید خود را معرفی نمایند و بطور کلی وظایف مدیریت تصفیه علاوه بر آن قسمتی که بموجب این قانون معین شده بر طبق نظامنامه ای که طرف وزارت عدلیه تنظیم می شود معین خواهد شد.

ماده ۴۴۲ - میزان حق الزحمه مدیریت تصفیه رامحکمه در حدود مقررات وزارت عدلیه معین خواهد کرد.  
فصل ششم در وظایف مدیریت تصفیه

مبحث اول در کلیات

ماده ۴۴۳ - اگر مهروموم قبل از تعیین مدیریت تصفیه بعمل نیامده باشد مدیر مزبور تقاضای انجام آن را خواهد نمود.

ماده ۴۴۴ - عضوناظر به تقاضای مدیریت تصفیه به اجازه می دهد که اشیاء ذیل را از مهروموم مستثنی کرده و اگر مهروموم شده است از توقیف خارج نماید.

۱ - البسه و اثاثیه و اسبابی که برای حوائج ضروری تاجرو رشکسته و خانواده اولزم است .  
۲ - اشیائی که ممکن است قریباً ضایع شود یا کسر قیمت حاصل نماید.

۳ - اشیائی که برای بکار انداختن سرمایه تاجرو رشکسته و استفاده از آن لازم است در صورتی که توقیف آنها موجب خسارت ارباب طلب باشد. اشیاء مذکور در فقره ثانیه و ثالثه باید فوراً تقویم و صورت آن برداشته شود.

ماده ۴۴۵ - فروش اشیائی که ممکن است قریباً ضایع شده یا کسر قیمت حاصل کند و اشیائی که نگاهداشتن آنها مفید نیست و همچنین بکار انداختن سرمایه تاجرو رشکسته با اجازه عضوناظر به توسط مدیریت تصفیه بعمل می آید.

ماده ۴۴۶ - دفتر دارمحکمه دفاتر تاجرو رشکسته را به اتفاق عضوناظر یا امین صلحی که آنها را مهروموم نموده است از توقیف خارج کرده پس از آنکه ذیل دفاتر را بست آنها را به مدیریت تصفیه تسلیم می نماید.

دفتر دار باید در صورت مجلس کیفیت دفاتر را بطور خلاصه قید کند ، اوراق هم که وعده آنها نزدیک است یا باید قبولی آنها نوشته شود و یا نسبت به آنها باید اقدامات تأمینیه بعمل آید از توقیف خارج شده در صورت مجلس ذکر و به مدیریت تصفیه تحویل می شود تا وجه آن را وصول نماید و فهرستی که از مدیریت تصفیه گرفته می شود به عضوناظر تسلیم می گردد ، سایر مطالبات را مدیریت تصفیه در مقابل قبضی که می دهد وصول می نماید مراسلاتی که به اسم تاجرو رشکسته می رسد به مدیریت تصفیه تسلیم و به توسط او بازمی شود و اگر خود ورشکسته حاضر باشد در باز کردن مراسلات می تواند شرکت کند.

ماده ۴۴۷ - تاجرو رشکسته در صورتی که وسیله دیگری برای اعاشه نداشته باشد می تواند نفقه خود و خانواده اش را از دارائی خود درخواست کند. در این صورت عضوناظر نفقه و مقدار آن را با تصویب محکمه معین می نماید.

ماده ۴۴۸ - مدیریت تصفیه تاجرو رشکسته را برای بستن دفاتر احضار می نماید برای حضور او منتها چهل و هشت ساعت مهلت داده می شود در صورتی که تاجر حاضر نشد یا حضور عضوناظر اقدام بعمل خواهد آمد ، تاجرو رشکسته می تواند در موقع کلیه عملیات تأمینیه حاضر باشد.

ماده ۴۴۹ - در صورتی که تاجرو رشکسته صورت دارائی خود را تسلیم ننموده باشد مدیریت تصفیه آن را فوراً بوسیله دفاتر او اسناد مشارالیه و سایر اطلاعاتی که تحصیل می نماید تنظیم می کند.

ماده ۴۵۰ - عضوناظر مجاز است که راجع به تنظیم صورت دارائی و نسبت به اوضاع و احوال ورشکستگی از تاجرو رشکسته و شاگرد ها و مستخدمین او و همچنین از اشخاص دیگر توضیحات بخواهد و باید از تحقیقات مذکوره صورت مجلس ترتیب دهد.

مبحث دوم

در رفع توقیف و ترتیب صورت دارائی

ماده ۴۵۱ - مدیریت تصفیه پس از تقاضای رفع توقیف شروع به تنظیم صورت دارائی و تاجرو رشکسته را هم در این موقع احضار می کند ولی عدم حضور او مانع از عمل نیست .

ماده ۴۵۲ - مدیریت تصفیه به تدریجی که رفع توقیف می شود صورت دارائی را در دو نسخه تهیه می نماید.

یکی از نسختهین به دفتر محکمه تسلیم شده و دیگری در نزد او می ماند.

ماده ۴۵۳ - مدیریت تصفیه می تواند برای تهیه صورت دارائی و تقویم اموال از اشخاصی که لازم بداند استمداد کند صورت اشیائی که موافق ماده ۴۴۴ در تحت توقیف نیامده ولی قبلاً تقویم شده است ضمیمه صورت دارائی خواهد شد.

ماده ۴۵۴ - مدیریت تصفیه باید در ظرف پانزده روز از تاریخ ماموریت خود صورت خلاصه از وضعیت ورشکستگی و همچنین از علل و اوضاعی که موجب آن شده و نوع ورشکستگی که ظاهر بنظر می

آید ترتیب داده بعضوناطر بدهد ، عضوناطر صورت مزبور را فوراً به مدعی العموم ابتدائی محل تسلیم می نماید.

ماده ۴۵۵ - صاحب منصبان پارکه می توانند فقط بعنوان نظارت بمنزل تاجرو رشکسته رفته و درجین برداشتن صورت دارائی حضور بهم رسانند مامورین پارکه در هر موقع حق دارند بدفاتر و اسناد و نوشتجات مربوط به ورشکستگی مراجعه کنند این مراجعه نباید باعث تعطیل جریان امر باشد.

مبحث سوم

درفروش اموال و وصول مطالبات

ماده ۴۵۶ - پس از تهیه شدن صورت دارائی تمام مال التجاره و وجه نقد و اسناد طلب و دفاتر و نوشتجات و اثاثیه (بغیر از مستثنیات دین) و اشیاء تاجرو رشکسته به مدیریت تصفیه تسلیم میشود.

ماده ۴۵۷ - مدیریت تصفیه بانظارت عضوناطر به وصول مطالبات مداومت می نماید و همچنین می تواند با اجازه مدعی العموم و نظارت عضوناطر به فروش اثاث البیت و مال التجاره تاجر مباشرت نماید لیکن قبلاً باید اظهارات تاجرو رشکسته را استماع یا لافل مشارالیه را برای دادن توضیحات احضار کند ترتیب فروش بموجب نظامنامه وزارت عدلیه معین خواهد شد.

ماده ۴۵۸ - نسبت به تمام دعاوی که هیئت طلبکارها در آن ذینفع می باشند مدیریت تصفیه با اجازه عضوناطر می تواند دعاوی را به صلح خاتمه دهد اگر چه دعاوی مزبوره راجع به اموال غیر منقول باشد و در این مورد تاجرو رشکسته باید احضار شده باشد.

ماده ۴۵۹ - اگر موضوع صلح قابل تقویم نبوده یا بیش از پنج هزار ریال باشد صلح لازم الاجرا نخواهد بود مگر اینکه محکمه آن صلح را تصدیق نماید در موقع تصدیق صلح نامه تاجرو رشکسته احضار می شود و در هر صورت مشارالیه حق دارد که به صلح اعتراض کند ، اعتراض ورشکسته در صورتی که صلح راجع به اموال غیر منقول باشد برای جلوگیری از صلح کافی خواهد بود تا محکمه تکلیف صلح را معین نماید.

ماده ۴۶۰ - وجوهی که به توسط مدیریت تصفیه دریافت می شود باید فوراً به صندوق عدلیه محل تسلیم گردد. صندوق مزبور حساب مخصوصی برای عمل ورشکسته اعم از عایدات و مخارج بازمی کند و وجه مزبور از صندوق مسترد نمی گردد مگر به حواله عضوناطر و تصدیق مدیریت تصفیه .

مبحث چهارم

در اقدامات تأمینیه

ماده ۴۶۱ - مدیریت تصفیه مکلف است از روز شروع به ماموریت اقدامات تأمینیه برای حفظ حقوق تاجرو رشکسته نسبت به مدیونین او بعمل آورد.

مبحث پنجم

در تشخیص مطالبات طلبکارها

ماده ۴۶۲ - پس از صدور حکم ورشکستگی طلبکارها مکلفند در مدتی که به موجب اخطار مدیریت تصفیه در حدود نظامنامه وزارت عدلیه معین شده ، اسناد طلب خود یا سواد مصدق آن را به انضمام

فهرستی که کلیه مطالبات آنها را معین می نماید به دفتر دار محکمه تسلیم کرده قبض دریافت دارند.

ماده ۴۶۳ - تشخیص مطالبات طلبکارها در ظرف سه روز از تاریخ انقضای مهلت مذکور در ماده قبل

شروع شده بدون وقفه در محل و روز و ساعاتی که از طرف عضوناطر معین می گردد به ترتیبی که

در نظامنامه معین خواهد شد تعقیب می شود. ماده ۴۶۴ - هر طلبکاری که طلب او تشخیص

یا جز صورت حساب دارائی منظور شده می تواند در حین تشخیص مطالبات سایر طلبکارها حضور بهم

رسانیده و نسبت به طلبهائی که سابقاً تشخیص شده یا فعلاً در تحت رسیدگی است اعتراض نماید

، همین حق را خود تاجرو رشکسته هم خواهد داشت .

ماده ۴۶۵ - محل اقامت طلبکارها و وکلای آنها در صورت مجلس تشخیص مطالبات معین و بعلاوه

توصیف مختصری از سند داده می شود و تعیین قلم خوردگی یا تراشیدگی یا الحاقات بین

السطور نیز باید در صورت مجلس قید و این نکته مسلم شود که طلب مسلم یا متنازع فیه است .

ماده ۴۶۶ - عضوناطر می تواند به نظر خود امر به ابراز دفاتر طلبکارها دهد یا از محکمه محل

تقاضا نماید صورتی از دفاتر طلبکارها استخراج کرده و نزد او بفرستد.

ماده ۴۶۷ - اگر طلب مسلم و قبول شد مدیریت تصفیه در روی سند عبارت ذیل را نوشته امضاء می

نماید و عضوناطر نیز آن را تصدیق می کند.

"جز و قروض ... مبلغ ... قبول شد به تاریخ ..."

هر طلبکار باید در ظرف مدت و به ترتیبی که بموجب نظامنامه وزارت عدلیه معین می شود التزام بدهد طلبی را که اظهار کرده طلب حقیقی و بدون قصد استفاده نامشروع است .  
ماده ۶۶۸ - اگر طلب متنازع فيه واقع شد عضو ناظر می تواند محل قضیه را به محکمه رجوع و محکمه باید فوراً از روی راپورت عضو ناظر رسیدگی نماید محکمه می تواند امر دهد که با حضور عضو ناظر تحقیق در امر بعمل آید و اشخاصی را که می توانند راجع به این طلب اطلاعاتی دهند عضو ناظر احضار یا از آنها کسب اطلاع کند.

ماده ۶۶۹ - در موقعی که اختلاف راجع به تشخیص طلبی به محکمه رجوع شده و قضیه طوری باشد که محکمه نتواند در ظرف پانزده روز حکم صادر کند باید بر حسب اوضاع امر دهد که انعقاد مجلس هیئت طلبکارها برای ترتیب قرارداد ارفاقی به تاخیر افتد و یا اینکه منتظر نتیجه رسیدگی نشده و مجلس مزبور منعقد شود. ماده ۶۷۰ - محکمه می تواند در صورت تصمیم به انعقاد مجلس قرارداد دهد که صاحب طلب متنازع فيه معادل مبلغی که محکمه در قرار مزبور معین می کند موقتاً طلبکار شناخته شده در مذاکرات هیئت طلبکارها برای مبلغ مذکور شرکت نماید.

ماده ۶۷۱ - در صورتی که طلبی مورد تعقیب جزائی واقع شده باشد محکمه می تواند قرار تاخیر مجلس را بدهد ولی اگر تصمیم به عدم تاخیر مجلس نمود نمی تواند صاحب آن طلب را موقتاً جزو طلبکاران قبول نماید و مادام که محاکم صالحه حکم خود را نداده اند طلبکار مزبور نمی تواند بهیچ وجه در عملیات راجعه به ورشکستگی شرکت کند.

ماده ۶۷۲ - پس از انقضای مهلت های معین در مواد ۶۶۲ و ۶۶۷ به ترتیب قرارداد ارفاقی و به سایر عملیات راجعه به ورشکستگی مداومت می شود.

ماده ۶۷۳ - طلبکارهایی که در موعد معینه حاضر نشده و مطابق ماده ۶۶۲ عمل نکرده نسبت به عملیات و تشخیصات و تصمیماتی که راجع به تقسیم وجوه قبل از آمدن آنها بعمل آمده حق هیچگونه اعتراضی ندارند ولی در تقسیماتی که ممکن است بعد از عمل آید جزء غرما حساب می شود بدون اینکه حق داشته باشند حصه را که در تقسیمات سابق به آنها تعلق می گرفت از اموالی که هنوز تقسیم نشده مطالبه نمایند.

ماده ۶۷۴ - اگر اشخاصی نسبت به اموال متصرفی تاجر ورشکسته دعوی خیراتی دارند و صرف نظر از آن نمی کنند باید آن را در حین تصفیه عمل ورشکستگی ثابت نمود و بموقع اجراء گذارند.

ماده ۶۷۵ - حکم فوق درباره دعوی خیراتی نیز مجری خواهد بود که تاجر ورشکسته نسبت به اموال متصرفی خود یا دیگران دارد مشروط بر اینکه ضرر طلبکارها نباشد.

فصل هفتم  
در قرارداد ارفاقی و تصفیه حساب تاجر ورشکسته

مبحث اول

در دعوت طلبکارها و مجمع عمومی آنها

ماده ۶۷۶ - عضو ناظر در ظرف هشت روز از تاریخ موعدی که بموجب نظامنامه مذکور در ماده ۶۶۷ معین شده به توسط دفتر دار محکمه کلیه طلبکارهایی را که طلب آنها تشخیص و تصدیق یا موقتاً قبول شده است برای مشاوره در انعقاد قرارداد ارفاقی دعوت می نماید ، موضوع دعوت مجمع طلبکارها در رقعه های دعوت و اعلانات مندرجه درجراید باید تصریح شود.

ماده ۶۷۷ - مجمع عمومی مزبور در محل و روز و ساعتی که از طرف عضو ناظر معین شده است در تحت ریاست مشارالیه منعقد می شود. طلبکارهایی که طلب آنها موقتاً قبول گردیده یا وکیل ثابت الوکاله آنها حاضر می شوند تاجر ورشکسته نیز به این مجمع احضار می شود مشارالیه باید مشخصاً حاضر گردد و فقط وقتی می تواند اعزام وکیل نماید که عذر موجه داشته و صحت آن به تصدیق عضو ناظر رسیده باشد.

ماده ۶۷۸ - مدیر تصفیه به مجمع طلبکارها راپورتی از وضعیت ورشکستگی و اقداماتی که بعمل آمده و عملیاتی که با استحضار تاجر ورشکسته شده است می دهد راپورت مزبوره امضاء مدیر تصفیه رسیده به عضو ناظر تقدیم می شود و عضو ناظر باید از کلیه مذاکرات و تصمیمات مجمع طلبکارها صورت مجلس ترتیب دهد.

مبحث دوم در قرارداد ارفاقی

فقره اول در ترتیب قرارداد ارفاقی

ماده ۴۷۹ - قرارداد ارفاقي بين تاجر ورشكسته و طلبكارهاي او منعقد نمي شود مگر پس از اجراي مراسمي كه در فوق مقرر شده است .

ماده ۴۸۰ - قرارداد ارفاقي فقط وقتي منعقد مي شود كه لاقل نصف بعلاوه يك نفر از طلبكارها با داشتن لاقل سه ربع از كليه مطالباتي كه مطابق مبحث پنجم از فصل ششم تشخيص و تصديق شده يا موقتاً قبول گشته است در آن قرارداد شركت نموده باشند و الا بلا اثر خواهد بود.

ماده ۴۸۱ - هرگاه در مجلس قرارداد ارفاقي اكثریت طلبكارها عددا حاضر شوند ولي از حيث مبلغ داراي سه ربع از مطالبات نباشند يا آنكه داراي سه ربع از مطالبات باشند ولي اكثریت عددي راجحاً نباشند نتیجه حاصله از آن مجلس معلق و قرار انعقاد مجلس ثاني براي يك هفته بعد داده مي شود.

ماده ۴۸۲ - طلبكارهائي كه در مجلس اول خود يا وكيل ثابت الوكاله آنها حاضر بوده و صورت مجلس را امضاء نموده اند مجبور نيستند در مجلس ثاني حاضر شوند مگر آنكه بخواهند در تصميم خود تغيير ي دهند ولي اگر حاضر نشدند تصميمات سابق آنها به اعتبار خود باقي است ، اگر در جلسه ثاني اكثریت عددي و مبلغی مطابق ماده ۴۸۰ تکميل شود قرارداد ارفاقي قطعي خواهد بود.

ماده ۴۸۳ - اگر تاجر بعنوان ورشكسته به تقليب محكوم شده باشد قرارداد ارفاقي منعقد نمي شود در موقعي كه تاجر بعنوان ورشكسته به تقليب تعقيب مي شود لازم است طلبكارها دعوت شوند و معلوم كنند كه آيا با احتمال حصول برائت تاجر و انعقاد قرارداد ارفاقي تصميم خود را در امر مشارالیه به زمان حصول نتیجه رسيدگي به تقليب موكل خواهند كرد يا تصميم فوري خواهند گرفت اگر بخواهند تصميم را موكل به زمان بعد نمايند بايد طلبكارهاي حاضر از حيث عده و مبلغ اكثریت معين در ماده ۴۸۰ راجحاً باشند چنانچه در انقضاي مدت و حصول نتیجه رسيدگي به تقليب بناي انعقاد قرارداد ارفاقي شود قواعدي كه به موجب مواد قبل مقرر است در اين موقع نيز بايد معمول گردد.

ماده ۴۸۴ - اگر تاجر بعنوان ورشكستگي به تقصير محكوم شود انعقاد قرارداد ارفاقي ممكن است ليكن در صورتي كه تعقيب تاجر شروع شده باشد طلبكارهائي توانستند حصول نتیجه تعقيب و بارعايت مقررات ماده قبل تصميم در قرارداد را به تاخير بيانندازند.

ماده ۴۸۵ - كليه طلبكارها كه حق شركت در انعقاد قرارداد ارفاقي داشته اند مي توانند راجع به قرارداد اعتراض كنند ، اعتراض بايد موجه بوده و در ظرف يك هفته از تاريخ قرارداد به مدير تصفيه و خود تاجر ورشكسته ابلاغ شود و الا از درجه اعتبار ساقط خواهد بود مدير تصفيه و تاجر ورشكسته به اولين جلسه محكمه كه بعمل ورشكستگي رسيدگي مي كند حاضر مي شوند.

ماده ۴۸۶ - قرارداد ارفاقي بايد به تصديق محكمه برسد و هر يك از طرفين قرارداد مي توانند تصديق آن را از محكمه تقاضا نمايند محكمه نمي تواند قبل از انقضاي مدت يك هفته مذکور در ماده قبل تصميمي راجع به تصديق اتخاذ نمايد هرگاه در ظرف اين مدت از طرف طلبكارهائي كه حق اعتراض دارند اعتراضاتي بعمل آمده باشد محكمه بايد در موضوع اعتراضات و تصديق قرارداد ارفاقي حكم واحد صادر كند اگر اعتراضات تصديق شود نسبت به تمام اشخاص ذينفع بلا اثر مي شود.

ماده ۴۸۷ - قبل از آنكه محكمه در باب تصديق قرارداد ارفاقي دهد عضو ناظر بايد راپورتي كه متضمن كيفيت ورشكستگي و امكان قبول قرارداد باشد به محكمه تقديم نمايد.

ماده ۴۸۸ - در صورت عدم رعايت قواعد مقرر در محكمه از تصديق قرارداد ارفاقي امتناع خواهد نمود.

فقره دوم

دراثرات قرارداد ارفاقي

ماده ۴۸۹ - همين كه قرارداد ارفاقي تصديق شدند نسبت به طلبكارهائي كه در اكثریت بوده

اندياد در ظرف ده روز از تاريخ تصديق آن را امضاء نموده اند قطعي خواهد بود ولي طلبكارهائي كه جزواكثریت نبوده و قرارداد را هم امضاء نكرده اند مي توانند سهم خود را موافق آنچه از دارائي تاجر به طلب كارها مي رسد دريافت نمايند ليكن حق ندارند راتيه از دارائي تاجر ورشكسته بقيه طلب خود را مطالبه كنند مگر پس از تاديه تمام طلب كساني كه در قرارداد ارفاقي شركت داشته يان در ظرف ده روز ميزور امضاء نموده اند.

ماده ۴۹۰ - پس از تصديق شدن قرارداد ارفاقي دعوي بطلان نسبت به آن قبول نمي شود مگر اينكه پس از تصديق مكشوف شود كه در ميزان دارائي يا مقدار قروض حيله بكاررفته و قدر حقيقي قلمداد نشده است .

ماده ۴۹۱ - همین که حکم محکمه راجع به تصدیق قرارداد قطعی شد مدیریت تصفیه صورت حساب کاملی با حضور عضو ناظر به تاجر ورشکسته می دهد که در صورت عدم اختلاف بسته می شود. مدیریت تصفیه کلیه دفاتر و اسناد و نوشتجات و همچنین دارائی ورشکسته را به استثنای آنچه که بایده طلبکارانی که قرارداد ارفاقی را امضاء نکرده اند داده شود به مشارالیه رد کرده رسید می گیرد و پس از آنکه قراردادیه سهم طلبکاران مذکور را در اموریت مدیریت تصفیه ختم می شود ، از تمام این مراتب عضو ناظر صورت مجلس تهیه می نماید و ما موریتش خاتمه می یابد. در صورت تولید اختلاف محکمه رسیدگی کرده حکم مقتضی خواهد داد.

فقره سوم

در ابطال یا فسخ قرارداد ارفاقی

ماده ۴۹۲ - در موارد ذیل قرارداد ارفاقی باطل است -

۱ - در مورد محکومیت تاجر به ورشکستگی به تقلب .

۲ - در مورد ماده ۴۹۰.

ماده ۴۹۳ - اگر محکمه حکم بطلان قرارداد ارفاقی را بدهد ضمانت ضامن یا ضامن ها (در صورتی که باشد) بخودی خود ملغی می شود.

ماده ۴۹۴ - اگر تاجر ورشکسته شرایط قرارداد ارفاقی را اجراء نکند. ممکن است برای فسخ قرارداد مزبور بر علیه او اقامه دعوی نمود.

ماده ۴۹۵ - در صورتی که اجرای تمام یا قسمتی از قرارداد ارفاقی یا چند نفر ضمانت کرده باشند طلب کارهایی توانند اجرای تمام یا قسمتی از قرارداد را که ضامن دارد از او بخواهند و در مورد اخیر آن قسمت از قرارداد که ضامن نداشته فسخ می شود ، در صورت تعدد ضامن مسئولیت آنها تضامنی است .

ماده ۴۹۶ - اگر تاجر ورشکسته پس از تصدیق قرارداد بعنوان ورشکستگی به تقلب تعقیب شده در تحت توقیف یا حبس در آید محکمه می تواند هر قسم وسائل تأمینیه را که مقتضی بدانند اتخاذ کند ولی به محض صدور قرار منع تعقیب یا حکم تبرئه وسائل مزبوره مرتفع می شود.

ماده ۴۹۷ - پس از صدور حکم ورشکستگی به تقلب یا حکم ابطال یا فسخ قرارداد ارفاقی محکمه یک عضو ناظر بیک مدیریت تصفیه معین می کند.

ماده ۴۹۸ - مدیریت تصفیه می تواند دارائی تاجر را توقیف و مهر و موم نماید مدیریت تصفیه فوراً از روی صورت دارائی سابق اقدام به رسیدگی اسناد و نوشتجات نموده و اگر لازم باشد متممی برای صورت دارائی ترتیب می دهد ، مدیریت تصفیه باید فوراً به وسیله اعلان در روزنامه طلبکارهای جدید را اگر باشند دعوت نماید که در ظرف یکماه اسناد مطالبات خود را برای رسیدگی ابراز کنند ، در اعلان مزبور مفاد قرار محکمه که بموجب آن مدیریت تصفیه معین شده است باید درج شود.

ماده ۴۹۹ - بدون فوت وقت به اسنادی که مطابق ماده قبل ابراز شده رسیدگی می شود ، نسبت به مطالباتی که سابقاً تشخیص یا تصدیق شده است رسیدگی جدید بعمل نمی آید ، مطالباتی که تمام یا قسمتی از آنها بعد از تصدیق پرداخته شده است موضوع می شود.

ماده ۵۰۰ - معاملات تاجر ورشکسته پس از صدور حکم راجع به تصدیق قرارداد ارفاقی تا صدور حکم بطلان یا فسخ قرارداد مزبور نموده باطل نمی شود مگر در صورتی که معلوم شود به قصداً صادر بوده و به ضرر طلبکاران هم باشد.

ماده ۵۰۱ - در صورت فسخ یا ابطال قرارداد ارفاقی دارائی تاجرین طلبکاران ارفاقی و اشخاصی که بعد از قرارداد ارفاقی طلبکار شده اند به غرماً تقسیم می شود.

ماده ۵۰۲ - اگر طلبکاران ارفاقی بعد از توقف تاجر تا زمان فسخ یا ابطال چیزی گرفته اند ما خودی آنها از وجهی که به ترتیب غرماً به آنها می رسد کسر خواهد شد.

ماده ۵۰۳ - هرگاه تاجر ورشکست و امرش منتهی به قرارداد ارفاقی گردید و تا بیادون اینکه قرارداد مزبور ابطال یا فسخ شود ورشکست شد مقررات دو ماده قبل در ورشکستگی ثانوی لازم الاجراء است .

مبحث سوم

در تفریغ حساب و ختم عمل ورشکستگی

ماده ۵۰۴ - اگر قرارداد ارفاقی منعقد نشد مدیریت تصفیه فوراً به عملیات تصفیه و تفریغ عمل

ورشکستگی شروع خواهد کرد.

ماده ۵۰۵ - در صورتی که اکثریت مذکور در ماده ۴۸۰ موافقت نماید محکمه مبلغی را برای اعاشه ورشکسته در حدود مقررات ماده ۴۴۷ معین خواهد کرد.

ماده ۵۰۶ - اگر شرکت تضامنی ، مختلط یا نسبت ورشکست شود طلبکارها می توانند قرارداد اوراقی را با شرکت یا منحصرأبایک یا چند نفر از شرکاء ضامن منعقد نمایند در صورت ثانی دارائی شرکت تابع مقررات این میحث و به غرما تقسیم می شود ولی دارائی شخصی شرکائی که با آنها قرارداد اوراقی منعقد شده است به غرما تقسیم نخواهد شد شریک یا شرکاء ضامن که با آنها قرارداد خصوصی منعقد شده نمی تواند تعهد حصه نمایند مگر از اموال شخصی خودشان شریکی که با او قرارداد مخصوص منعقد شده از مسئولیت تضامنی مبرا است .

ماده ۵۰۷ - اگر طلبکارها بخواهند تجارت تاجر ورشکسته را ادامه دهند می توانند برای این امر وکیل یا عامل مخصوصی انتخاب نموده یا خود مدیر تصفیه این ماموریت را بدهند .

ماده ۵۰۸ - در ضمن تصمیمی که وکالت مذکور در ماده فوق مقرر می دارد باید مدت حدود وکالت و همچنین میزان وجهی که وکیل می تواند برای مخارج لازمه پیش خود نگاهدارد معین گردد ، تصمیم مذکور اتخاذ نمی شود مگر با حضور عضو ناظر و با اکثریت سه ربع

از طلبکارها عدا و مبلغا خود تاجر ورشکسته و همچنین طلبکارهای مخالف (بارعایت ماده ۴۷۳) می توانند نسبت به این تصمیم در محکمه اعتراض نمایند این اعتراض اجرای تصمیم را به تاخیر نمی اندازد .

ماده ۵۰۹ - اگر از معاملات وکیل یا عاملی که تجارت ورشکسته را ادامه میدهد تعهداتی حاصل شود که بیش از حد دارائی تاجر ورشکسته است فقط طلبکارهایی که آن اجازه راداده اند شخصاعلاوه بر حصه که در دارائی مزبور دارند به نسبت طلبشان در حدود اختیاراتی که داده اند مسئول تعهدات مذکوره می باشند .

ماده ۵۱۰ - در صورتی که عمل تاجر ورشکسته منجر به تفریغ حساب شود مدیر تصفیه مکلف است تمام اموال منقول و غیر منقول تاجر ورشکسته را به فروش رسانیده مطالبات و دیون و حقوق او را اصلاح و مصالحه و وصول و تفریغ کند تمام این مراتب در تحت نظر عضو ناظر و با حضور تاجر ورشکسته بعمل می آید اگر تاجر ورشکسته از حضور استنکاف نمود استحضار مدعی العموم کافی است .

فروش اموال مطابق نظامنامه وزارت عدلیه بعمل خواهد آمد .  
ماده ۵۱۱ - همین که تفریغ عمل تاجر به اتمام رسید عضو ناظر طلبکارها و تاجر ورشکسته را دعوت می نماید در این جلسه مدیر تصفیه حساب خود را خواهد داد .

ماده ۵۱۲ - هرگاه اموالی در اجازه تاجر ورشکسته باشد مدیر تصفیه در فسخ یا ابقاء اجازه به نحوی که موافق منافع طلبکارها باشد اتخاذ تصمیم می کند اگر تصمیم برفسخ اجازه شده صاحبان اموال مستاجر از بابت مال اجازه که تا آن تاریخ مستحق شده اند جزء غرما منظور می شوند ، اگر تصمیم ببقاء اجازه بوده و تأمیناتی هم سابقا بموجب اجازه نامه بموجرداده شده باشد آن تأمینات ابقاء خواهد شد و الا تأمیناتی که پس از ورشکستگی داده می شود باید کافی باشد ، در صورتی که با تصمیم مدیر تصفیه برفسخ اجازه موجر راضی به فسخ نشود حق مطالبه تأمین را نخواهد داشت .  
ماده ۵۱۳ - مدیر تصفیه می تواند با اجازه عضو ناظر اجازه را برای بقیه مدت به دیگری تفویض نماید (مشروط بر اینکه بموجب قرارداد کتبی طرفین این حق منع نشده باشد) و در صورت تفویض به غیر باید وثیقه کافی که تأمین پرداخت مال اجازه را بنماید به مالک اموال مستاجر داده و کلیه شرایط و مقررات اجازه نامه را بموقع خود اجرا کند .

فصل هشتم

در اقسام مختلفه طلبکارها و حقوق هر یک از آنها

میحث اول

در طلبکارهایی که رهینه منقول دارند

ماده ۵۱۴ - طلبکارهایی که رهینه در دست دارند فقط در صورت غرما برای یادداشت قید می شوند .  
ماده ۵۱۵ - مدیر تصفیه می تواند در هر موقع با اجازه عضو ناظر طلب طلبکارها راداده و شینی مرهون را از رهن خارج و جزء دارائی تاجر ورشکسته منظور دارد .

ماده ۵۱۶ - اگر وثیقه فك نشود مدیر تصفیه باید با نظارت مدعی العموم آن را بفروش برساند و مرتن نیز در آن موقع باید دعوت شود . اگر قیمت فروش وثیقه پس از وضع مخارج بیش از طلب طلبکارها باشد مازاد به مدیر تصفیه تسلیم می شود و اگر قیمت فروش کمتر شد مرتن برای بقیه طلب خود در جزء طلبکارهای عادی غرما منظور خواهد شد .

ماده ۵۱۷ - مدیر تصفیه صورت طلبکارهایی را که ادعای وثیقه می نمایند به عضو ناظر تقدیم می کند ، عضو مزبور در صورت لزوم اجازه می دهد طلب آنها از اولین وجوهی که تهیه می شود پرداخته



گردد. در صورتی که نسبت به حق وثیقه طلبکارها اعتراضی داشته باشند به محکمه رجوع می شود.

مبحث دوم

در طلبکارهایی که نسبت به اموال غیرمنقول حق تقدم دارند ماده ۵۱۸ - اگر تقسیم وجوهی که از فروش اموال غیرمنقول حاصل شده قبل از تقسیم دارایی منقول پادرمیان حین بعمل آمده باشد طلبکارهایی که نسبت به اموال غیرمنقول حقوقی دارند و حاصل فروش اموال مزبوره کفایت طلب آنها را ننموده است نسبت به بقیه طلب خود جزء غرماء معمولی منظور و وجوهی که برای غرماء مزبور مقرر است حصه می برند مشروط بر این که طلب آنها بطوری که قبلاً مذکور شده است تصدیق شده باشد.

ماده ۵۱۹ - اگر قبل از تقسیم وجوهی که از فروش اموال غیرمنقول حاصل شده وجهی از بابت دارایی منقول تقسیم شود طلبکارهایی که نسبت به اموال غیر منقول حقوقی دارند و طلب آنها تصدیق و اعتراف شده است به میزان کلیه طلب خود جزء سایر غرماء وارد و از وجوه حصه می برند ولی عندالاقضاء مبلغ دریافتی در موقع تقسیم حاصل اموال غیرمنقول از طلب آنها موضوع می شود.

ماده ۵۲۰ - در مورد طلبکارهایی که نسبت به اموال غیرمنقول حقوقی دارند ولی به واسطه مقدم بودن سایر طلبکارها نمی توانند در حین تقسیم قیمت اموال غیرمنقول طلب خود را تمام وصول کنند ترتیب ذیل مرعی خواهد بود.

اگر طلبکارهای مزبور قبل از تقسیم حاصل اموال غیرمنقول از بابت طلب خود وجهی دریافت داشته باشند این مبلغ از حصه که از بابت اموال غیرمنقول به آنها تعلق می گیرد موضوع وبه حصه که باید بین طلبکارهای معمولی تقسیم شود اضافه می گردد و بقیه طلبکارهایی که در اموال غیرمنقول ذیحق بوده اند برای بقیه طلب خود به نسبت آن بقیه جزء غرماء محسوب شده حصه می برند

ماده ۵۲۱ - اگر بواسطه مقدم بودن طلبکارهای دیگر بعضی از طلبکارهایی که نسبت به اموال غیرمنقول حقوقی دارند وجهی دریافت نکنند طلب آنها جزء غرماء محسوب و بدین سمت هر معامله که از بابت قرارداد ارفاقی وغیره با غرماء می شود با آنها نیز عمل خواهد آمد.

فصل نهم

در تقسیم بین طلبکارها و فروش اموال منقول

ماده ۵۲۲ - پس از وضع مخارج اداره امور ورشکستگی و اعانه که ممکن است به تاجر ورشکسته داده شده باشد و وجوهی که باید به صاحبان مطالبات ممتازه تادیه گردد مجموع دارایی منقول بین طلبکارها به نسبت طلب آنها که قبلاً تشخیص و تصدیق شده است تقسیم خواهد شد.

ماده ۵۲۳ - مدیریت تصفیه برای اجرای مقصود مذکور در ماده فوق ماهی یک مرتبه صورت حساب عمل ورشکستگی را تعیین وجوه موجوده به عضو ناظر می دهد. عضو مذکور در صورت لزوم امر به تقسیم وجوه مزبور بین طلبکارها داده مبلغ آن رامعین و مواظبت می نماید که به تمام طلبکارها اطلاع داده شود.

ماده ۵۲۴ - در موقع تقسیم وجوه بین طلبکارها حصه طلبکارهای مقیم ممالک خارجه به نسبت

طلب آنها که در صورت دارایی وقروض منظور شده است موضوع می گردد. چنانچه مطالبات مزبور صحیحاً در صورت دارایی وقروض منظور نشده باشد عضو ناظر می تواند حصه موضوعی را زیاد کند برای مطالباتی که هنوز در باب آنها تصمیم قطعی اتخاذ نشده است باید مبلغی موضوع

گردد.

ماده ۵۲۵ - وجوهی که برای طلبکارهای مقیم خارجه موضوع شده است تا مدتی که قانون برای آنها معین کرده بطور امانت به صندوق عدلیه سپرده خواهد شد. اگر طلبکارهای مذکور مطابق این قانون مطالبات خود را به تصدیق نرسانند مبلغ مزبور بین طلبکارهایی که طلب آنها به تصدیق رسیده تقسیم می گردد و وجوهی که برای مطالبات تصدیق نشده موضوع گردیده در صورت عدم تصدیق آن مطالبات بین طلبکارهایی که طلب آنها تصدیق شده تقسیم می شود.

ماده ۵۲۶ - هیچ طلبی را مدیریت تصفیه نمی پردازد مگر آنکه مدارک و اسناد آن را قبلاً ملاحظه کرده باشد مدیریت تصفیه مبلغی را که پرداخته در روی سند قید می کند عضو ناظر در صورت عدم امکان ابراز سند می تواند اجازه دهد که بموجب صورت مجلسی که طلب در آن تصدیق شده وجهی پرداخته شود در هر حال باید طلبکارها رسید وجوه را در ذیل صورت تقسیم ذکر کنند.

ماده ۵۲۷ - ممکن است هیئت طلبکارها به استحضار تاجر ورشکسته از محکمه تحصیل اجازه نمایند که تمام یا قسمتی از حقوق و مطالبات تاجر ورشکسته را که هنوز وصول نشده بطوری که صرفه و صلاح تاجر ورشکسته هم منظور شود خودشان قبول و مورد معامله قرار دهند در این صورت مدیریت تصفیه اقدامات مقتضیه را بعمل خواهد آورد در این خصوص هر طلبکار می تواند به عضو ناظر مراجعه کرده تقاضا نماید که طلبکارهای دیگر را دعوت نماید تا تصمیم خود را اتخاذ نمایند.

فصل دهم

در دعوی استرداد

ماده ۵۲۸ - اگر قبل از ورشکستگی تاجر کسی اوراق تجارتي به او داده باشد که وجه آن را وصول و به حساب صاحب سند نگاهدارد و پایه مصرف معینی برساند و وجه اوراق مزبور وصول یا تادیه نگشته و اسناد عین در حین ورشکستگی در نزد تاجر ورشکسته موجود باشد صاحبان آن می توانند عین اسناد را استرداد کنند.

ماده ۵۲۹ - مال التجاره هائی که در نزد تاجر ورشکسته امانت بوده پایه مشارالیه داده شده است که به حساب صاحب مال التجاره بفروش برساند مادام که عین آنها کلاً یا جزعاً نزد تاجر ورشکسته موجود یا نزد شخص دیگری از طرف تاجر مزبور امانت یا برای فروش گذارده شده و موجود باشد قابل استرداد است .

ماده ۵۳۰ - مال التجاره هائی که تاجر ورشکسته به حساب دیگری خریداری کرده و عین آن موجود است اگر قیمت آن پرداخته نشده باشد از طرف فروشنده والا از طرف کسی که به حساب او آن مال خریداری شده قابل استرداد است .

ماده ۵۳۱ - هرگاه تمام یا قسمتی از مال التجاره که برای فروش به تاجر ورشکسته داده شده بود معامله شده و به هیچ نحوی بین خریدار و تاجر ورشکسته احتساب نشد باشد از طرف صاحب مال قابل استرداد است اعم از اینکه نزد تاجر ورشکسته یا خریدار باشد و بطور کلی عین هر مال متعلق به دیگری که در نزد تاجر ورشکسته موجود باشد قابل استرداد است .

ماده ۵۳۲ - اگر مال التجاره که برای تاجر ورشکسته حمل شده قبل از وصول از از روی صورت حساب یا بارنامه که دارای امضاء ارسال کننده است به فروش رسیده و فروش صوری نباشد دعوی استرداد پذیرفته نمی شود و الا موافق ماده ۵۲۹ قابل استرداد است و استرداد کننده باید وجوهی را که بطور علی الحساب گرفته یا مساعدتاً از بابت کرایه حمل و حق کمیسیون و بیمه و غیره تادیه شده یا از این بابت ها باید تادیه بشود به طلبکارها بپردازند.

ماده ۵۳۳ - هرگاه کسی مال التجاره به تاجر ورشکسته فروخته ولیکن هنوز آن جنس نه بخود تاجر ورشکسته تسلیم شده و نه به کسی دیگر که به حساب او بیاورد آن کس می تواند به اندازه که وجه آن را نگرفته از تسلیم مال التجاره امتناع کند.

ماده ۵۳۴ - در مورد دو ماده قبل مدیریت تصفیه می تواند با اجازه عضو ناظر تسلیم مال التجاره را نقض نماید ولی باید قیمتی را که بین فروشنده و تاجر ورشکسته مقرر شده است بپردازد.

ماده ۵۳۵ - مدیریت تصفیه می تواند با تصویب عضو ناظر تقاضای استرداد را قبول نماید و در صورت اختلاف محکمه پس از استماع عقیده ناظر حکم مقتضی را میدهد.

فصل یازدهم

در طرق شکایت از احکام صادره راجع به ورشکستگی

ماده ۵۳۶ - حکم اعلان ورشکستگی و همچنین حکمی که بموجب آن تاریخ توقف تاجر در زمانی قبل از اعلان ورشکستگی تشخیص شود قابل اعتراض است .

ماده ۵۳۷ - اعتراض باید از طرف تاجر ورشکسته در ظرف ده روز از طرف اشخاص ذینفع که در ایران مقیمند در ظرف یکماه از طرف آنهائی که در خارج اقامت دارند در ظرف دوماه بعمل آید ابتدای مدت های مزبور از تاریخی است که احکام مذکوره اعلان می شود.

ماده ۵۳۸ - پس از انقضای مهلتی که برای تشخیص و تصدیق مطالبات طلبکارها راجع به تعیین تاریخ توقف به غیر آن تاریخی که بموجب حکم ورشکستگی یا حکم دیگری که در این باب صادر شده قبول نخواهد شد ، همین که مهلت های مزبور منقضی شد تاریخ توقف نسبت به طلبکارها قطعی و غیر قابل تغییر خواهد بود.

ماده ۵۳۹ - مهلت استیناف از حکم ورشکستگی ده روز از تاریخ ابلاغ است به این مدت برای کسانی که محل اقامت آنها از مقر محکمه بیش از شش فرسخ فاصله دارد از قرار هر شش فرسخ يك روز اضافه می شود.

ماده ۵۴۰ - قرارداهای ذیل قابل اعتراض و استیناف تمیز نیست .

- ۱ - قرارداهای راجعه به تعیین یا تغییر عضو ناظر یا مدیر تصفیه .
- ۲ - قرارداهای راجعه به تقاضای اعانه به جهت تاجر ورشکسته یا خانواده او.
- ۳ - قرارداهای فروش اسباب یا مال التجاره که متعلق به ورشکسته است .
- ۴ - قرارداهای که قرارداد ارفاقی را موقتاً موقوف یا قبول موقتی مطالبات متنازع فیه را مقرر می دارد.
- ۵ - قرارداهای صادره در خصوص شکایت از او امری که عضو ناظر در حدود صلاحیت خود صادر کرده است .

باب دوازدهم

در ورشکستگی به تقصیر و ورشکستگی به تقلب

فصل اول

در ورشکستگی به تقصیر

ماده ۵۴۱ - تاجر در موارد ذیل ورشکسته به تقصیر اعلان می شود.

- ۱ - در صورتی که محقق شود مخارج شخصی یا مخارج خانه مشارالیه در ایام عادی بالنسبه به عایدی او فوق العاده بوده است .
  - ۲ - در صورتی که محقق شود که تاجر نسبت به سرمایه خود مبالغ عمده صرف معاملات کرده که در عرف تجارت موهوم یا نفع آن منوط به اتفاق محض است .
  - ۳ - اگر به قصد تاخیر انداختن ورشکستگی خود خریدی یا لاتریا فروشی یا نازل تراز مطنه روز کرده باشد یا اگر به همان قصد وسائلی که دور از صرفه است بکار برده تا تحصیل وجهی نماید اعم از اینکه از راه استقراض یا صدور برات یا بطریق دیگر باشد.
  - ۴ - اگر یکی از طلبکارها را پس از تاریخ توقف بر سایرین ترجیح داده و طلب او را پرداخته باشد.
- ماده ۵۴۲ - در موارد ذیل هر تاجر ورشکسته ممکن است ورشکسته به تقصیر اعلان شود -
- ۱ - اگر به حساب دیگری وبدون آنکه در مقابل عوضی دریافت نماید تعهداتی کرده باشد که نظریه وضعیت مالی او در حین انجام آنها آن تعهدات فوق العاده باشد.
  - ۲ - اگر عملیات تجاری او متوقف شده و مطابق ماده ۴۱۲ این قانون رفتار نکرده باشد.
  - ۳ - اگر تاریخ اجرای قانون تجارت مصوب ۲۵ دلو ۱۳۰۲ و ۱۲ فروردین و ۱۲ خرداد ۱۳۰۴ دفتر نداشته یا دفاتر او ناقص یا بی ترتیب بوده یا در صورت دارائی وضعیت حقیقی خود را اعم از قروض و مطالبات بطور صریح معین نکرده باشد (مشروط بر اینکه در این موارد مرتکب تقلبی نشده باشد).
- ماده ۵۴۳ - ورشکستگی به تقصیر جنحه محسوب و مجازات آن از ۶ ماه تا سه سال حبس تأدیبی است .

ماده ۵۴۴ - رسیدگی به جرم فوق بر حسب تقاضای مدیر تصفیه یا هر یک از طلبکارها یا تعقیب مدعی العموم در محکمه جنحه بعمل می آید.

ماده ۵۴۵ - در صورتی که تعقیب تاجر ورشکسته به تقصیر از طرف مدعی العموم به عمل آمده باشد مخارج آن راه هیچوجه نمی توان به هیئت طلبکارها تحمیل نمود. در صورت انعقاد قرارداد ارفاقی مامورین اجرا نمی توانند اقدام به وصول این مخارج کنند مگر پس از انقضای مدت های معینه در قرارداد.

ماده ۵۴۶ - مخارج تعقیبی که از طرف مدیر تصفیه بنام طلبکارها می شود در صورت برائت تاجر به عهده هیئت طلبکارها و در صورتی که محکوم شده به عهده دولت است لیکن دولت حق دارد مطابق ماده قبل به تاجر ورشکسته مراجعه نماید

ماده ۵۴۷ - مدیر تصفیه نمی تواند تاجر ورشکسته را بعنوان ورشکستگی به تقصیر تعقیب کند یا از طرف هیئت طلبکارها مدعی خصوصی واقع شود مگر پس از تصویب اکثریت طلبکارهای حاضر.

ماده ۵۴۸ - مخارج تعقیبی که از طرف یکی از طلبکارها بعمل می آید در صورت محکومیت تاجر ورشکسته به عهده دولت و در صورت برائت ذمه به عهده تعقیب کننده است .

فصل دوم

در ورشکستگی به تقلب

ماده ۵۴۹ - هر تاجر ورشکسته که دفاتر خود را مفقود نموده یا قسمتی از دارائی خود را مخفی کرده و با بطریق مواضعه و معاملات صوری از میان برده و هم چنین هر تاجر ورشکسته که خود را به وسیله اسناد یا به وسیله صورت دارائی و قروض بطور تقلب به میزانی که در حقیقت مدیون نمی باشد مدیون قلمداد نموده است ورشکسته به تقلب اعلام و مطابق قانون جزا مجازات می شود.

ماده ۵۵۰ - راجع به تقاضای تعقیب و مجازات آن در موارد ماده قبل مفاد مواد ۵۴۵ تا ۵۴۸ لازم الرعایه است .

#### فصل سوم

درجنحه و جنایاتی که اشخاص غیر از تاجر ورشکسته در امر ورشکستگی مرتکب می شوند  
ماده ۵۵۱ - در مورد ورشکستگی اشخاص ذیل مجرم محسوب و مطابق قانون جزا به مجازات  
ورشکسته به تقلب محکوم خواهند شد :

۱ - اشخاصی که عالماً به نفع تاجر ورشکسته تمام یا قسمتی از دارائی منقول یا غیر منقول او را از میان  
ببرند یا پیش خود نگاهدارند یا مخفی نمایند.

۲ - اشخاصی که به قصد تقلب به اسم خود یا به اسم دیگری طلب غیر واقعی را قلمداد کرده  
و مطابق ماده ۲۶۷ التزام داده باشند.

ماده ۵۵۲ - اشخاصی که به اسم دیگری یا به اسم موهومی تجارت نموده و اعمال مندرجه در  
ماده ۵۴۹ را مرتکب شده اند به مجازاتی که برای ورشکسته به تقلب مقرر است محکوم می  
باشند.

ماده ۵۵۳ - اگر اقوام شخص ورشکسته بدون شرکت مشارالیه اموال او را از میان ببرند یا مخفی  
نمایند یا پیش خود نگاه دارند به مجازاتی که برای سرقت معین است محکوم خواهند شد.

ماده ۵۵۴ - در موارد معینه در مواد قبل محکمه که رسیدگی می کند باید در خصوص مسائل ذیل  
ولایتی که متهم تبرئه شده باشد حکم بدهد -

۱ - راجع به رد کلیه اموال و حقوقی که موضوع جرم بوده است به هیئت طلبکارها ، این حکم  
را محکمه در صورتی که مدعی خصوصی هم نباشد باید صادر کند.

۲ - راجع به ضرر و خساراتی که ادعا شده است .

ماده ۵۵۵ - اگر مدیر تصفیه در حین تصدی به امور تاجر ورشکسته وجهی را حیف و میل کرده باشد به  
مجازات خیانت در امانت محکوم خواهد شد.

ماده ۵۵۶ - هرگاه مدیر تصفیه اعم از این که طلبکار باشد یا نباشد در مذاکرات راجعه به ورشکستگی  
باشخص ورشکسته یا با دیگری تبانی نماید یا قرارداد خصوصی منعقد کند که آن تبانی یا قرارداد بنفع  
مرتکب و به ضرر طلبکارها یا بعضی از آنها باشد در محکمه جنحه به حبس تأدیبی از شش ماه تا دو  
سال محکوم می شود.

ماده ۵۵۷ - کلیه قرارداتی که پس از تاریخ توقف تاجر منعقد شده باشد نسبت به هر کس حتی  
خود تاجر ورشکسته محکوم به بطلان است . طرف قرارداد مجبور است که وجوه یا اموالی را که  
بموجب قرارداد باطل شده دریافت کرده است به اشخاص ذیل مسترد دارد.

ماده ۵۵۸ - هر حکم محکومیتی که بموجب این فصل یا به موجب فصول سابق صادر شود باید به  
خرج محکوم علیه اعلان گردد.

#### فصل چهارم

در اداره کردن امور تاجر ورشکسته در صورت

ورشکستگی به تقصیر یا به تقلب

ماده ۵۵۹ - در تمام مواردی که کسی بواسطه ورشکستگی به تقصیر یا به تقلب تعقیب و محکوم  
می شود رسیدگی به کلیه دعاوی حقوقی به غیر از آنچه در ماده ۵۵۴ مذکور است از صلاحیت  
محکمه جزا خارج خواهد بود.

ماده ۵۶۰ - مدیر تصفیه مکلف است در صورت تقاضای مدعی العموم بدایت کلیه اسناد و نوشتجات  
و اوراق و اطلاعات لازمه و رابه او بدهد.

#### باب سیزدهم

#### در اعاده اعتبار

ماده ۵۶۱ - هر تاجر ورشکسته که کلیه دیون خود را بامتفرعات و مخارجی که به آن تعلق گرفته  
است کاملاً بپردازد حق اعاده اعتبار می نماید.

ماده ۵۶۲ - طلبکاران نمی توانند از جهت تاخیری که در اداء طلب آنها شده است برای بیش از پنج  
سال مطالبات متفرعات و خسارات نمایند و در هر حال متفرعاتی که مطالبه می شود در سال  
نباید بیش از صدی هفت طلب شد.

ماده ۵۶۳ - برای آنکه شریک ضامن یک شرکت ورشکسته که حکم ورشکستگی او نیز صادر شده بتواند حق اعاده اعتبار حاصل کند باید ثابت نماید که به ترتیب فوق تمام دیون شرکت را پرداخته است و لویانکه نسبت به شخص اوقرار داد ارفاقی مخصوصی وجود داشته باشد.

ماده ۵۶۴ - در صورتی که یک یا چند نفر از طلبکارها مفقود الاثر یا غایب بوده یا این که از دریافت وجه امتناع نمایند تاجر ورشکسته باید وجوهی را که به آنها مدیون است به اطلاع مدعی العموم در صندوق عدلیه بسپارد و همینکه تاجر معلوم کرد این وجوه را سپرده است برای الذمه محسوب است .

ماده ۵۶۵ - تاجر ورشکسته در دو مورد ذیل پس از اثبات صحت عمل در مدت پنج سال از تاریخ اعلان ورشکستگی می تواند اعتبار خود را اعاده نماید -

۱ - تاجر ورشکسته که تحصیل قرارداد ارفاقی نموده و تمام وجوهی را که به موجب قرارداد بعهده گرفته است پرداخته باشد ، این ترتیب در مورد شریک شرکت ورشکسته که شخص تحصیل قرارداد ارفاقی جداگانه نموده است نیز رعایت می شود.

۲ - تاجر ورشکسته که کلیه طلبکاران ذمه او را بری کرده یا به اعاده اعتبار او رضایین داده اند.

ماده ۵۶۶ - عرض حال اعاده اعتبار باید به انضمام اسناد مثبتی آن به مدعی العموم حوزه ابتدائی داده شود که اعلان ورشکستگی در آن حوزه واقع شده است .

ماده ۵۶۷ - سواد این عرض حال در مدت یکماه در اطاق جلسه محکمه ابتدائی و همچنین در اداره مدعی العموم بدایت الصاق و اعلان می شود و علاوه دفتر دار محکمه باید عرض حال مزبور را به کلیه طلبکارهایی که مطالبات آنها در حین تصفیه عمل تاجر ورشکسته یا بعد از آن تصدیق شده و هنوز طلب خود را بر طبق مواد ۵۶۱ و ۵۶۲ کامل دریافت نکرده اند به وسیله مکتوب سفارشی اعلام دارد.

ماده ۵۶۸ - هر طلبکاری که مطابق مقررات مواد ۵۶۱ و ۵۶۲ طلب خود را کامل دریافت نکرده می تواند در مدت یکماه از تاریخ اعلام مذکور در ماده قبل به عرض حال اعاده اعتبار اعتراض کند.

ماده ۵۶۹ - اعتراض به وسیله اظهارنامه که به ضمیمه اسناد مثبتی به دفتر محکمه بدایت داده می شود بعمل می آید. طلبکار معترض می تواند بموجب عرض حال در حین رسیدگی به دعوی اعاده اعتبار بطور مشخص ثالث ورود کند.

ماده ۵۷۰ - پس از انقضای موعده نتیجه تحقیقاتی که به توسط مدعی العموم بعمل آمده است به انضمام عرایض اعتراض به رئیس محکمه داده می شود رئیس مزبور در صورت لزوم مدعی و معترضین را به جلسه خصوصی محکمه احضار می کند.

ماده ۵۷۱ - در مورد ماده ۵۶۱ محکمه فقط صحت مدارک راسنجیده در صورت موافقت آنها با قانون حکم اعاده اعتبار می دهد و در هر صورت حکم باید در جلسه علنی صادر گردد.

ماده ۵۷۲ - مدعی اعاده اعتبار و همچنین مدعی عمومی و طلبکارهای معترض می توانند در ظرف ده روز از تاریخ اعلام حکم به وسیله مکتوب سفارشی از حکمی که در خصوص اعاده اعتبار صادر شده استیناف بخواهند ، محکمه استیناف پس از رسیدگی بر حسب مقررات ماده ۵۷۱ حکم صادر می کند.

ماده ۵۷۳ - اگر عرض حال اعاده اعتبار رد بشود تجدید ممکن نیست مگر پس از انقضای شش ماه .

ماده ۷۵۴ - اگر عرض حال قبول شود حکمی که صادر می گردد در دفتر مخصوصی که در محکمه بدایت محل اقامت تاجر برای اینکار مقرر است ثبت خواهد شد اگر محل اقامت تاجر در حوزه محکمه که حکم می دهد نباشد در ستون ملاحظات دفتر ثبت اسامی ورشکستگان که در دائره ثبت اسناد محل موجود است مقابل اسم تاجر ورشکسته با مرکب قرمز به حکم مزبور اشاره می شود.

ماده ۵۷۵ - ورشکسته به تقلب و هم چنین اشخاصی که برای سرقت یا کلاهبرداری یا خیانت در امانت محکوم شده اند مادامی که از جنبه جزائی اعاده حیثیت نکرده اند نمی توانند از جنبه تجارتي اعاده اعتبار کنند.

باب چهاردهم  
اسم تجارتي

ماده ۵۷۶ - ثبت اسم تجارتي اختیاری است مگر در مواردی که وزارت عدلیه ثبت آن را الزامی کند.

ماده ۵۷۷ - صاحب تجارت خانه که شریک در تجارتخانه ندارد نمی تواند اسمی برای تجارتخانه خود انتخاب کند که موهم وجود شریک باشد.

ماده ۵۷۸ - اسم تجارتي ثبت شده راهيچ شخص ديگري در همان محل نمي تواند اسم تجارتي خود قرار دهد و لو اينکه اسم تجارتي ثبت شده با اسم خانوادگي او يکي باشد.  
ماده ۵۷۹ - اسم تجارتي قابل انتقال است .

ماده ۵۸۰ - مدت اعتبار ثبت اسم تجارتي پنجسال است .  
ماده ۵۸۱ - در مواردی که ثبت اسم تجارتي الزامي شده و در موعد مقرر ثبت بعمل نيايد اداره ثبت اقدام به ثبت کرده و سه برابر حق الثبت ماخوذ خواهد داشت .  
ماده ۵۸۲ - وزارت عدليه بموجب نظامنامه ترتيب اسم تجارتي و اعلان آن و اصول محاکمات در دعاوي مربوط به اسم تجارتي رامعين خواهد کرد.

#### باب پانزدهم - شخصيت حقوقي

##### فصل اول اشخاص حقوقي

ماده ۵۸۳ - کليه شرکتهای تجارتي مذکور در اين قانون شخصيت حقوقي دارند.  
ماده ۵۸۴ - تشکيلات و موسساتي که براي مقاصد غير تجارتي تاسيس يا بشوند از تاريخ ثبت در دفتر ثبت مخصوصي که وزارت عدليه معين خواهد کرد شخصيت حقوقي پيدامي کنند.  
ماده ۵۸۵ - شرايط ثبت موسسات و تشکيلات مذکور در ماده فوق به موجب نظامنامه وزارت عدليه معين خواهد شد. حق الثبت موسسات و تشکيلات مطابق نظامنامه از پنج ريال طلا تا پنج پهلوي و بعلاوه مشمول ماده ۱۳۵ قانون ثبت اسناد املاک است .  
ماده ۵۸۶ - موسسات و تشکيلاتی را که مقاصد آنها مخالف با انتظامات عمومي يانامشروع است نمي توان ثبت کرد.  
ماده ۵۸۷ - موسسات و تشکيلات دولتي و بلدي به محض ايجاد و بدون احتياج به ثبت داراي شخصيت حقوقي مي شوند.

##### فصل دوم

##### حقوق و وظيفات واقامتگاه و تابعيت شخص حقوقي

ماده ۵۸۸ - شخص حقوقي مي تواند داراي کليه حقوق و تکاليفي شود که قانون براي افراد قائل است مگر حقوق و وظيفاتي که بالطبع فقط انسان ممکن است داراي آن باشد مانند حقوق و وظيفات ابوت نبوت و امثال ذلك .

ماده ۵۸۹ - تصميمات شخص حقوقي به وسيله مقاماتي که بموجب قانون يا اساسنامه صلاحيت اتخاذ تصميم دارند گرفته مي شود.

ماده ۵۹۰ - اقامتگاه شخص حقوقي محلي است که اداره شخص حقوقي در آنجا است .

ماده ۵۹۱ - اشخاص حقوقي تابعيت مملکتی را دارند که اقامتگاه آنها در آن مملکت است .

#### باب شانزدهم

##### مقررات نهائي

ماده ۵۹۲ - در مورد معاملاتتي که سابقاً تجاريا شرکتهای و موسسات تجارتي به اعتبار بيش از يك

امضاء کرده اند خواه بعضي از امضاء کنندگان بعنوان ضامن امضاء کرده باشند خواه بعنوان

ديگر طلبکار مي توانند به امضاء کنندگان مجتمعا يا منفرد رجوع نمايند.

ماده ۵۹۳ - در مورد ماده فوق مطالبه از هريك از اشخاصي که طلبکار حق رجوع به آنها دارد قاطع

مروزرمان نسبت به ديگران نيز هست .

ماده ۵۹۴ - به استثنای شرکتهای سهامی و شرکتهای مختلط سهامی به کليه شرکتهای

ايراني موجود که به امور تجارتي اشتغال دارند تا اول تير ماه ۱۳۱۱ مهلت داده مي شود که

خود را با مقررات يکي از شرکتهای مذکور در اين قانون وفق داده و تقاضاي ثبت نمايند و الا نسبت به

شرکت های متخلف مطابق ماده دوم قانون ثبت شرکتهای مصوب خرداد ماه ۱۳۱۰ رفتار خواهد شد.

ماده ۵۹۵ - هرگاه مدت مذکور در ماده فوق براي تهيه مقدمات ثبت کافي نباشد ممکن است

تاشش ماه ديگر از طرف محکمه صلاحيتدار مهلت کافي اضافي داده شود مشروط بر اين که در موقع

تقاضاي تمديد نصف حق الثبت شرکت پرداخته شود.

ماده ۵۹۶ - تاريخ اجرائي ماده ۱۵ اين قانون در آن قسمتي که مربوط به جزاي نقدي است و تاريخ

اجرائي ماده ۲۰۱ و تبصره آن و قسمت اخير ماده ۲۲۰ اول فروردين ۱۳۱۲ خواهد بود.

ماده ۵۹۷ - شرکتهای مختلط سهامی موجود مکلف هستند که در ظرف شش ماه از تاریخ اجرای این قانون هیئت نظاری مطابق مقررات این قانون تشکیل دهند و الا هر صاحب سهمی حق داردا نحلل شرکت را تقاضا کند.

ماده ۵۹۸ - طلبکاران تاجر متوقفی که قبل از تاریخ اجرای این قانون طلب خود را مطالبه کرده اند مشمول مقررات ماده ۴۷۳ نبوده و از حقی که بموجب قانون سابق برای آنها مقرر بوده استفاده خواهند کرد.

ماده ۵۹۹ - نسبت به طلبکارانی که در امور ورشکستگی های سابق قبل از تاریخ اجرای این قانون طلب خود را مطالبه نکرده اند مدیر تصفیه هر ورشکسته اعلانی منتشر کرده و یکماه به آنها مهلت خواهد داد که مطابق ماده ۴۶۲ این قانون رفتار کنند و الا مشمول مقررات ماده ۴۷۳ خواهند شد.

ماده ۶۰۰ - قوانین ذیل قانون تجارت مصوبه بیست و پنجم دلو ۱۳۰۳ دوازدهم فروردین و دوازدهم خرداد ۱۳۰۴ قانون اصلاح ماده ۲۰۶ قانون تجارت راجع به اعتراض عدم تادیه مصوب دوم تیرماه ۱۳۰۷ قانون اجازه عدم رعایت ماده ۲۷۰ قسمتی از ماده ۴۴ قانون تجارت نسبت به تشکیلات و اساسنامه شرکت سهامی بانک ملی و شرکت سهامی بانک پهلوی مصوب ۳۰ تیرماه ۱۳۰۷ از تاریخ مزبور به موقع اجرا گذاشته می شود